

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیه‌های حسینی

مجالس حسینی در قرآن

آیاتی که در شأن امام حسین علیه السلام نازل شد

آیاتی که امام حسین علیه السلام در جریان حادثه عاشوراء قرائت کردند

تالیف:

مجید فولادی

آتشبارت
فسم، خیابان ۴۴۴۴۴۴، کوچه ۴۴۴۴۴۴،
تلفکس: ۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴ (۰۲۵)

www.v-?????????.com

info@v-?????????.com

سرشناسه: ، ، ،
عنوان و نام پدیدآورنده:
مشخصات نشر: قم:
مشخصات ظاهری: ۰۰۰ ص.
ISBN: 978-600-0000-00-0؛ ریال: ۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ / الف ۰ / الف ۰ / DSR ۰۰۰
رده بندی دیویی: ۰۰۰ / ۰۰۰
شماره کتابشناسی ملی: ۰۰۰۰۰۰۰

آیه‌های حسینی مجید فولادی


طرح جلد:
صفحه آرائی: محمد صادقی
چاپ: اول / ۱۳۹۲
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
شابک: ۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت: ۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش انحصاری:

فسم، خیابان
؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

۰۰۰۰۰۰۰۰۰ / (۰۲۵) ۰۰۰۰۰۰۰



السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ
يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً

تقدیم‌نامه



هنگام تکمیل متن کتاب در هر ورق و صفحه آن نشانه‌ای از حضرت زینب کبری علیها السلام یافتیم به همین دلیل کتاب را تقدیم نمودیم به:

پیام رسان کربلا حضرت زینب کبری علیها السلام

و مدافعان حرمش به ویژه

سید شهیدان مدافع

حرم شهید محسن حججی

که تکمیل کتاب مصادف شد با

شهادت آن عزیزی که با نحوه شهادت خود ثابت کرد که:

كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَا



فهرست مطالب

مقدمه ۱۷

بخش اول: نگاه قرآنی به مجالس حسینی

- فصل اول: زنده نگه داشتن نام امام حسین علیه السلام ۲۳
- عظمت امام حسین علیه السلام ۲۵
- سیره اهل بیت علیهم السلام ۲۶
- استفاده نمودن از نمادهای کربلا ۲۶
- دلیل این یادآوری ها؟! ۲۷
- یادآوری ایام خاص ۲۸
- یاد نمودن از بانوان نمونه ۲۹
- ورود حضرت مریم علیها السلام به سرزمین کربلا ۳۰
- یاد نمودن از حضرت زینب کبری علیها السلام ۳۱
- قیام حسینی، صبر زینبی ۳۱

۳۳	فصل دوم: برپایی مجالس حسینی.....
۳۴	آیه مودت.....
۳۵	آیه مودت در دعای ندبه.....
۳۵	نظر علمای اهل سنت درباره آیه قُرْبی.....
۳۶	معنای مودّت.....
۳۷	استناد امام سجاده <small>علیه السلام</small> در شام به آیه مودّت.....
۳۸	برگزاری مجالس حسینی نشانه محبّت و مودّت است.....
۳۸	محبّت مردم ایران به امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۳۸	آثار محبت و مودّت به امام حسین <small>علیه السلام</small>
۴۰	القاء محبت به امام حسین <small>علیه السلام</small> از جانب خدا.....
۴۰	عالم مبتلای حسین <small>علیه السلام</small>
۴۲	فصل سوم: استمرار مجالس حسینی.....
۴۲	مجالس حسینی و تعظیم شعائر.....
۴۳	تعظیم شعائر در کلام شهید مطهری.....
۴۳	انواع شعائر اسلامی.....
۴۴	عزاداری برای امام حسین <small>علیه السلام</small>
۴۵	دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه.....
۴۶	نقش اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در تعظیم شعائر.....
۴۶	تعالیم اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۶	۱. تعالیم عملی.....
۴۹	۲. تعلیم گفتاری.....
۵۰	جایگاه شاعران و مداحان اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۵۱	برگزاری مجلس روضه از یک نفر تا صد نفر.....
۵۲	داریم با حسین یا حسین پیر می شویم.....

فصل چهارم: ذکر مصیبت های حضرت ابا عبدالله الحسین <small>علیه السلام</small>	۵۳
۱. حکایت شهادت مظلومانه هابیل.....	۵۳
۲. داستان اصحاب اخدود.....	۵۵
۳. مقتول مظلوم در قرآن.....	۵۶
جواز قرآنی ذکر مصیبت.....	۵۷
توصیه به ذکر مصیبت توسط امام حسین <small>علیه السلام</small>	۵۷
منبر و سخنرانی و ذکر مصیبت امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۶۰
ذکر مصیبت از لسان شریف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.....	۶۲
توصیه اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به ذکر مصیبت.....	۶۴
مصیبت عظیم در زیارت عاشورا.....	۶۵
نظر حضرت آیت الله بهجت <small>رحمته الله</small> درباره مصائب کربلا.....	۶۶
ذکر مصیبت حضرت زینب کبری <small>علیها السلام</small> نزد میرزای شیرازی <small>رحمته الله</small>	۶۶
ما رایت الا جمیلا.....	۶۶
فصل پنجم: گریستن در مصائب امام حسین <small>علیه السلام</small>	۶۸
گریه سیاسی.....	۶۹
گریه در قرآن.....	۷۰
مقدار حزن یعقوب.....	۷۰
علت گریه امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۷۲
توصیه امام رضا به گریه بر امام حسین <small>علیه السلام</small>	۷۳
صلوات خدا بر گریه کنندگان.....	۷۴
کشته اشک.....	۷۵
پاداش گریه بر امام حسین <small>علیه السلام</small>	۷۵
معنای تباکی.....	۷۷
جلوه های تباکی.....	۷۸

- ۷۹..... فواید تباکی
- ۷۹..... گریه رسول خدا ﷺ بر حمزه
- ۸۰..... گریه بر شهید، سنت نبوی
- ۸۱..... اشک و اندوه بر امام حسین علیه السلام
- ۸۲..... فصل ششم: دسته‌های عزاداری
- ۸۲..... جواز فریاد زدن بر علیه ظالم در قرآن
- ۸۴..... مهم‌ترین مصداق فریاد بر علیه ظالم
- ۸۵..... حضور امام زمان علیه السلام در دسته‌های عزاداری
- ۸۶..... آثار و برکات دسته‌های عزاداری
- ۸۶..... ۱. ترویج مبارزه با ظلم و ظالم
- ۸۷..... ۲. برطرف نمودن آلودگی‌های معنوی
- ۸۷..... ۳. ترویج معارف بلند اهل بیت علیهم السلام
- ۸۷..... ۴. درمان دردها و بیماری‌ها
- ۸۸..... ۵. عامل بقاء مکتب
- ۸۸..... شیعه را با محرم و صفر شناختم
- ۸۹..... حرکت دسته جات و هیئات در روز عید غدیر
- ۹۰..... عالم اندر غم تو غرق عزا می‌بینم
- ۹۱..... فصل هفتم: توسل به امام حسین علیه السلام
- ۹۲..... توسل در قرآن
- ۹۲..... تأیید توسل توسط خداوند
- ۹۳..... آیات دیگری در باب توسل
- ۹۴..... نظر علمای اهل سنت درباره توسل
- ۹۴..... توسل شافعی پیشوای اهل سنت
- ۹۴..... توسل حضرت آدم به پنج تن و گریه بر امام حسین علیه السلام

- ۹۶..... آب را از نظر خویش فراموش کنید.....
- ۹۷..... فصل هشتم: شفیع قرار دادن امام حسین علیه السلام.....
- ۹۷..... معنای شفاعت.....
- ۱۰۰..... نظر علمای اهل سنت در مورد شفاعت.....
- ۱۰۱..... شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.....
- ۱۰۲..... همه محتاج شفاعت هستند.....
- ۱۰۲..... شفاعت زائر امام حسین علیه السلام.....
- ۱۰۴..... فصل نهم: تبرک جستن به نشانه های حسینی.....
- ۱۰۴..... معنای لغوی و اصطلاحی تبرک.....
- ۱۰۵..... تبرک جویی حضرت یعقوب به پیراهن یوسف.....
- ۱۰۶..... پیراهن یوسف در دست امام زمان علیه السلام.....
- ۱۰۷..... تبرک جویی بنی اسرائیل به تابوت حضرت موسی.....
- ۱۰۸..... تبرک جویی در کتب فقهی.....
- ۱۰۸..... تبرک در مذاهب اهل سنت.....
- ۱۰۹..... تبرک نه بدعت، بلکه سنت است.....
- ۱۱۰..... خواهران آن کهنه پیراهن که میدانی بیار.....
- ۱۱۲..... فصل دهم: زیارت امام حسین علیه السلام.....
- ۱۱۳..... زیارت خانه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.....
- ۱۱۳..... زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۱۴..... زیارت، وفای به عهد و پیمان است.....
- ۱۱۵..... زیارت امام حسین علیه السلام.....
- ۱۱۵..... جواز زیارت در قرآن.....
- ۱۱۶..... ترویج زیارت نتیجه سبک زندگی اسلامی.....
- ۱۱۷..... زیارت امام حسین علیه السلام در ایام خاص.....

- ۱۱۷..... زیارت اربعین
- ۱۱۸..... راز اربعین حسینی
- ۱۱۹..... نحوه زیارت امام حسین علیه السلام
- ۱۲۰..... پیاده روی از در خانه
- ۱۲۱..... ظاهر و باطن زیارت
- ۱۲۱..... آثار زیارت
- ۱۲۲..... آثار زیارت با پای پیاده
- ۱۲۳..... پیاده روی واجب
- ۱۲۴..... مقایسه مراسم اربعین و مراسم حج
- ۱۲۶..... زیارت اربعین
- ۱۲۶..... بنای زیارتگاه در قرآن
- ۱۲۷..... ساختن بنایی برای اصحاب کهف
- ۱۲۷..... بلند مرتبه سازی
- ۱۲۸..... رفعت ظاهری و معنوی
- ۱۲۸..... کدام خانه شایستگی رفعت دارد؟
- ۱۲۹..... وهابیت مصداق بارز بدعت گذاران در دین
- ۱۳۱..... فصل یازدهم: اصحاب الحسین علیهم السلام
- ۱۳۲..... شأن نزول آیه
- ۱۳۳..... تفسیر دیگری از این آیه در کربلا
- ۱۳۵..... حضرت علی اکبر علیه السلام
- ۱۳۶..... اشاره مجدد امام حسین علیه السلام به آیه اصطفاء
- ۱۳۷..... کلام امام حسین در شأن حضرت علی اکبر علیه السلام
- ۱۳۹..... تفسیر «أَشْبَهُ النَّاسِ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنَاطِقًا بِرَسُولِكَ»
- ۱۴۰..... الف) خلقت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱۴۱.....	ب) اخلاق رسول خدا ﷺ
۱۴۱.....	ج) منطق رسول خدا ﷺ
۱۴۳.....	همه گفتند که پیغمبر رفت
۱۴۴.....	عظمتی دیگر برای حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۱۴۵.....	حضرت ابا الفضل العباس <small>علیه السلام</small>
۱۴۶.....	شأن نزول آیه
۱۴۷.....	حضرت عباس از خاندان گرم
۱۴۸.....	بالاترین مصداق وفاداری
۱۴۹.....	وفاداری تا قطع دو دست
۱۵۰.....	سلامی دیگر در زیارت ناحیه مقدسه
۱۵۱.....	احکام فقهی زیارت حضرت عباس <small>علیه السلام</small>
۱۵۳.....	ای علمدار ولی الله اعظم یا ابا الفضل
۱۵۴.....	حضرت زینب <small>علیه السلام</small>
۱۵۴.....	دلیل همراهی حضرت زینب با امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۵۶.....	مدیریت بحران
۱۵۷.....	وظایف سنگین حضرت زینب <small>علیه السلام</small>
۱۵۷.....	۱. حفظ جان حجت خدا
۱۵۷.....	۲. سرپرستی و حمایت از بانوان حرم
۱۵۸.....	۳. ابلاغ پیام عاشورا به عالم هستی
۱۵۹.....	پیش بینی حضرت زینب <small>علیه السلام</small> از آینده کربلا

بخش دوم: آیاتی که در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده است

۱۶۳.....	شأن نزول آیات حسینی
۱۶۳.....	الف) آیات مشترک

۱. آیه تطهیر ۱۶۴
۲. آیه اطاعت ۱۶۵
۳. آیه مباحله ۱۶۷
۴. آیه صادقین ۱۶۹
۵. آیه خمس ۱۷۰
۶. آیه اطعام ۱۷۲
۷. آیه مودت ۱۷۳
- ب) آیات اختصاصی ۱۷۵
۸. حمل و ولادت ۱۷۵
۹. نفس مطمئنه ۱۷۶
۱۰. ذبح عظیم ۱۷۷
۱۱. بیمار حسین علیه السلام ۱۷۹
۱۲. نام یگانه ۱۷۹
۱۳. خروج از مدینه ۱۸۰
۱۴. قیام امام حسین علیه السلام ۱۸۱
۱۵. انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام ۱۸۲
۱۶. تفسیر حروف مقطعه قرآن ۱۸۳
۱۷. پشتوانه امامت ۱۸۵
۱۸. بازگشت امام حسین علیه السلام به دنیا ۱۸۶

بخش سوم: آیاتی که امام حسین علیه السلام در جریان حادثه عاشوراء قرائت فرمودند

- استناد قرآنی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ۱۹۲
۱. آغاز حرکت ۱۹۳
 ۲. وصیت نامه ۱۹۴

۳. جواب نامه یزید ۱۹۴
۴. درخواست جنیان از امام حسین علیه السلام ۱۹۵
۵. به سوی مکه ۱۹۶
۶. خروج از مکه ۱۹۷
۷. امام نور، امام نار ۱۹۷
۸. اتمام حجت با همه ۱۹۸
۹. نامه ای به کوفیان ۱۹۹
۱۰. شب عاشورا و بیان فضائل آل عبا ۲۰۰
۱۱. غم و اندوه بانوان اهل حرم ۲۰۱
۱۲. شب عاشوراء ۲۰۲
۱۳. روز عاشوراء ۲۰۳
۱۴. تشنگی شدید و درخواست آب ۲۰۵
۱۵. رجعت امام حسین علیه السلام ۲۰۶
- معجزه سر ۲۰۷
۱۶. خواندن قرآن در کوفه ۲۰۸
- حکمت خواندن آیاتی از سوره کهف ۲۰۹
- معجزه سر و هدایت راهب مسیحی ۲۰۹
۱۷. تلاوت قرآن در شام ۲۱۱
۱۸. مسلمان شدن یک نصرانی ۲۱۲
- پایان خوش عاشوراء ۲۱۴
- سوالات چهار گزینه‌ای از کتاب «آیه‌های حسینی» ۲۱۹

مقدمه

﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾^۱.

و همانا در این قرآن از هر مثلی برای مردم آورده‌ایم، باشد که آنان آگاه شوند و عبرت گیرند.

برپایی مجالس سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام از اصول مسلم مکتب حقه اثنی عشری و از ضروریات فرهنگ شیعه است. از آن جا که مبنای هر عملی در مکتب اهل بیت علیهم السلام بر اساس حدیث شریف ثقلین است^۲، تمامی اعمال و برنامه‌های این مکتب نورانی بر اساس آیات و روایات، بنا نهاده شده است. یاد نمودن از امام حسین علیه السلام، بزرگداشت محرم و صفر، برپایی مجالس، ذکر مصائب، اشک ریختن، توسل به امام حسین علیه السلام، تبرک جستن به

۱. زمر/۲۷.

۲. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ أَصْحَابَهُ بِمِنَى فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْزِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ (بصائر الدرجات في فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۱۳).

نشانه‌های عزای حسینی، حرکت دسته‌های عزاداری و... آیه‌هایی در قرآن و نشانه‌هایی در روایات دارند که هرکدام از آن‌ها اهمیت و ضرورت برپایی این مجالس را نشان می‌دهد. بدیهی است که مجلس امام حسین علیه السلام در این مجموعه به عنوان نمونه ذکر شده است و به طور قطع و یقین مجالس دیگر حضرات معصومین علیهم السلام مانند: فاطمیه نیز همانند مجلس امام حسین علیه السلام مشمول آیات و روایات ذیل الذکر قرار می‌گیرد.

آیات فراوانی در قرآن درباره امام حسین علیه السلام وجود دارد. برخی مفسران تا ۲۵۰ آیه ذکر کرده‌اند که یا با صراحت درباره امام حسین علیه السلام نازل شده است و یا با کمک روایات و تأویل بر ایشان تطبیق شده است. این آیات را از جهات مختلفی می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف) آیات اختصاصی شامل:

۱. آیاتی که بر اساس منابع تفسیری و روایی، مربوط به امام حسین علیه السلام است

۲. آیاتی که بر امام حسین علیه السلام تطبیق شده است

ب) آیات مشترک

این آیات در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است، و از آن جا که حضرت امام حسین علیه السلام یکی از حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم اسلام است شامل ایشان نیز می‌شود. مانند:

۳. آیاتی که در شأن یا تطبیق بر امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده است

۴. آیاتی که مربوط به پنج تن آل عبا یا تعدادی از آنان است

۵. آیاتی که مربوط به دوازده امام یا چهارده معصوم علیهم السلام است

۶. آیاتی که مربوط به حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین

و یا افرادی مانند: حمزه، جعفر، عقیل و حضرت خدیجه علیها السلام است

۷. آیاتی که در ذیل آن‌ها روایتی مربوط به امام حسین علیه السلام آمده است که نه از باب شأن نزول و نه از باب تطبیق است.^۱

آیاتی که در این مجموعه مطرح شده در سه عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد:

بخش اول: دلایل قرآنی برگزاری مجالس حسینی

بخش دوم: آیاتی که در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده است

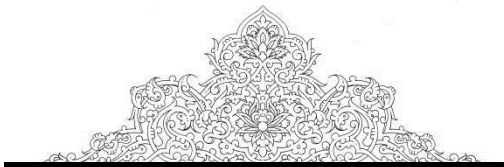
بخش سوم: آیاتی که امام حسین علیه السلام در جریان حادثه عاشورا استفاده نمودند

امید است با مطالعه و مرور این آیات و روایات شوق و رغبت بیشتری در

برگزاری و شرکت در مجالس اهل بیت علیهم السلام به ویژه مجالس حسینی به دست آوریم.

ان شاء الله

۱. مراجعه کنید: بحارالانوار، جلد ۴۵ و تأویل الآیات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، الحسين في القرآن، تأویل آیات القرآن في سيد الشهداء.



بخش اول:

نگاه قرآنی به مجالس حسینی

فصل اول: زنده نگه داشتن نام امام حسین علیه السلام

هر سال با فرا رسیدن ماه محرم، شور و حرارت عجیبی در سراسر کشورهای اسلامی جهت برگزاری عزاداری شهادت امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفای ایشان برپا می‌شود. این شور و حرارت مخصوص شیعیان نیست بلکه بسیاری از پیروان مذاهب و ادیان دیگر از جمله مسیحی، بودایی، سنی و... نیز خود را برای برگزاری چنین مراسمی آماده می‌کنند، همان گونه که در مراسم اربعین حسینی زائرین فراوانی با گرایش‌های مختلف و متنوع از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی با شور و اشتیاق فراوان شرکت می‌کنند.

اما به راستی چرا چنین حرکت عظیمی برای زنده نگه داشتن نام و یاد حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام برپا می‌شود؟! گذشته از خواست و اراده الهی در زنده ماندن حادثه عاشوراء، خواست و اراده مردمی نیز در این امر مقدس دخیل است. هرچند هر قوم و طائفه ای برای کار خود دلیل و برهانی اقامه می‌کند اما برای یک مسلمان واقعی دلیلی بهتر از قرآن و روایات نمی‌توان اقامه نمود.

منطق قرآن، یادآوری بندگان صالح است.

یاد نمودن از انبیاء، اولیاء، نیکان و صالحان منطق قرآن است و خداوند متعال

در قرآن مجید، در آیات متعددی از سوره‌های «مریم» و «ص» به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یاد نمودن از بندگان صالح، صادق و مخلص را سفارش نموده است.

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾ و در این کتاب ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود.

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ و در این کتاب، موسی را یاد کن. او بنده‌ای مخلص و فرستاده‌ای پیامبر بود.

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ و در این کتاب، اسماعیل را یاد کن، که او راست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود.

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾. یاد کن در این کتاب ادريس را که راستگو و پیامبر بود.

﴿وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾. یاد کن بنده ما داود نیرومند را، که بسیار متوجه خدا بود.

﴿وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ﴾. از بنده ما ایوب یاد کن آن گاه که پروردگارش را ندا داد که: مرا شیطان به رنج و عذاب افکنده است.

﴿وَأَذْكُرُ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ﴾. بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب آن مردان قدرتمند و صاحبان بصیرت را یاد کن ما آن‌ها را برای یادآوری جهان آخرت خالص و پاکیزه کردیم.

﴿وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَّآبٍ﴾^۱. و به یاد آور اسماعیل و یسع و ذا الکفل را که همه از خوبان بودند. دستور خداوند متعال به پیامبر خویش حضرت محمد ﷺ مبنی بر یادآوری نیکان و یاد نمودن از صالحان نشان می دهد که یکی از وظایف رهبران دینی مطرح نمودن و معرفی برگزیدگان و بزرگداشت صالحان است. سپس دلیل این یادآوری را که موجب هدایت برای بشریت و تذکر و درس است بیان فرموده است. مانند: رسالت، صداقت، اخلاص، وفای به عهد، جزء نیکان و برگزیدگان بودن، بصیرت، بندگی و عبودیت و...

عظمت امام حسین علیه السلام

اگر خداوند متعال در قرآن از انبیاء و صالحان یاد نموده و رسول خویش را به یاد نمودن از آنان توصیه نموده، به طور قطع و یقین شخصیت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به شهادت دهها آیه قرآنی مانند: آیه اطاعت^۲، آیه تطهیر^۳، آیه مباحله^۴، آیه صادقین^۵، آیه مودت^۶ و... برتر از تمام انبیاء الهی است و سزاوار است بیش از

۱. سوره ص، آیات ۱۷، ۴۱، ۴۵ الی ۴۹.
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۵۹).
۳. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳)
۴. ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَبَنَاتَنَا وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران/۶۱).
۵. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه/۱۱۹).
۶. ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری/۲۳).

سایر انبیاء از ایشان یاد شود. گذشته از آن که تمام انبیاء الهی نیز توسط جبرئیل از حادثه کربلا مطلع شده و خود یادآور مصائب امام حسین علیه السلام بوده و بر آن اشک ریخته اند. در میان حوادث بسیاری که در طول تاریخ به وقوع پیوسته است هیچ یک امتیازها و برکات و آثار ماندگار اجتماعی و سیاسی، اخلاقی و تربیتی و فرهنگی و... نهضت عاشورا را نداشته است. با قاطعیت می‌توان اعلام نمود که این حادثه غم بار بزرگ ترین مصیبتی است که تا قیامت هرگز فراموش نخواهد شد.

سیره اهل بیت علیهم السلام

راه و روش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام زنده نگه داشتن حادثه کربلا و یاد نمودن از امام حسین علیه السلام در همه مکان‌ها و زمان‌ها چه در قول و چه در عمل بوده است، و یکی از مهم ترین مصادیق زنده نگه داشتن نهضت حسینی، زیارت کربلا است.

استفاده نمودن از نمادهای کربلا

مراجع عظام با استناد بر روایات متعدد، حکم به استحباب استفاده از نمادهای کربلا داده اند. مانند:

- هنگام سجده باید پیشانی بر روی زمین یا آن چه که از زمین می‌روید گذاشته شود و افضل و برتر از همه، تربت شریف حضرت سید الشهداء علیه السلام است^۱.
- تعقیبات پس از نماز به ذکر و دعا و تفکر یا تلاوت قرآن مستحب است، و به

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۱.

فرموده جمله ای از علماء رضوان الله عليهم افضل تعقیبات، تسییحات حضرت زهرا علیها السلام است و مستحب است تسییحی که با آن تسییحات یا هر ذکری گفته می شود، از تربت حضرت امام حسین علیه السلام تهیه شده باشد. در روایت است تسییح تربت در دست صاحبش ذکر می گوید، بدون این که او ذکر بگوید و ثواب تسییح برای صاحبش نوشته می شود، اگرچه او غافل باشد.^۱

- مستحب است پس از نوشیدن آب، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت ایشان را یاد کند و قاتلان آن حضرت را لعنت نماید.^۲

- مستحب است در عزای امام حسین و اهل بیت علیهم السلام لباس سیاه پوشیده شود.^۳

- مستحب است پس از ولادت کودک، کام او را با آب فرات و تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام بردارند.^۴

- مستحب است غسل زیارت را با آب فرات انجام داد.^۵

دلیل این یادآوری ها ؟!

یکی از اهداف مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با بیان و یادآوری نمادهای کربلا این بوده که گوشه ای از مقامات حضرت سیدالشهداء علیه السلام را نشان

۱. فقرات فقهیه، ج ۱، ص ۵۸۶.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۰۸.

۳. مرآة الکمال، ج ۱، ص ۸۲: لما صار لبس السواد لمصاب الحسین علیه السلام شعارا کان الجزم برجحانه، بل الحکم باستجاباه متعینا.

۴. فقرات فقهیه، ج ۹، ص ۲۱۹: برداشتن کام نوزاد یعنی: مقداری تربت را با آب فرات مخلوط کرده و انگشت خود را به آن زده و در دهان طفل بگذارند.

۵. مرآة الکمال، ج ۳، ص ۱۹۸.

دهند، تا شیعیان از برکات اهل بیت علیهم‌السلام بهره برده و زندگی‌ها بر محور امامت که در حادثه کربلا نمود دیگری داشت، شکل گیرد.

قال رسول الله ﷺ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ ذِكْرَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً لِلصُّدُورِ^۱.
خداوند متعال یاد نمودن از ما اهل بیت را موجب شفای سینه‌ها قرار داده است.
امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند: إِنْ ذُكِّرْنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذُكِّرِ عَدُوَّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ^۲.

اگر ما اهل بیت یاد شویم خدا یاد شده است و اگر دشمنان ما یاد شوند شیطان یاد شده است.

و چه زیبا می‌خوانیم در زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام:
إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَصَلُّهُ وَ فَرَعَهُ وَ مَعَدِنَهُ وَ مَاوَأَهُ وَ مُنْتَهَاهُ^۳. هر کجا سخن از خیر و خوبی شود، شما بر همگان مقدم هستید چرا که ریشه و شاخه و جایگاه هر خیر و خوبی شما هستید و مبدأ و منتها درجه خوبی نیز شما هستید.

یادآوری ایام خاص

در کنار یاد نمودن از نیکان و صالحان، یاد نمودن برخی از ایام نیز توصیه شده است.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ﴾

۱. بحار الأنوار؛ ج ۲۶؛ ص ۲۳۳.

۲. الکافی؛ ج ۲؛ ص ۴۹۶.

۳. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۲؛ ص ۶۱۶، فرازی از زیارت جامعه کبیره.

اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ^۱

ما موسی را با آیات خود فرستادیم و به او امر کردیم قوم خود را از تاریکی و ظلمت‌ها به سوی روشنایی و نور هدایت کن! و روزهای خدا «ایام الله» را به آنان یادآوری کن که در این یادآوری نشانه‌هایی است برای هر انسان صبر کننده و شکرگزار.

یاد نمودن از روز دهه و دهم محرم (عاشورا) و حماسه اربعین، همان فرهنگ قرآنی است و از ایامی است که سراسر نور و هدایت برای بشریت است، بنابراین یاد نمودن از نهضت کربلا و شخصیت‌های آن منطق قرآنی است. همان گونه که در زیارت اربعین می‌خوانیم:

وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ،^۲

خدایا امام حسین علیه السلام خون قلب خود را در راه تو هدیه نمود تا بندگان تو را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.

یاد نمودن از بانوان نمونه

در کنار مردان نمونه که زندگی آنان بهترین الگو برای بشریت است، همواره زنان نمونه هم قرار داشته اند و خداوند متعال در قرآن از آنان نیز یاد نموده است. مانند: حضرت مریم که تا پایان عمر، پیامبر زمان خویش، حضرت عیسی علیه السلام را همراهی نمود.

۱. ابراهیم/ ۵.

۲. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت اربعین.

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَدَّتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾^۱

و در این کتاب آسمانی، از مریم نیز یاد کن، آن هنگام که از خاندان خویش جدا شد، و در نقطه ای دوردست قرار گرفت.^۲

ورود حضرت مریم علیها السلام به سرزمین کربلا

دوری مریم از خاندان خود برای عبادت و بنا بر نقلی خلقت معجزه بزرگ الهی، حضرت عیسی علیه السلام بوده و طبق نقل روایات، منظور از مکان شرقی در آیه، منطقه فرات بوده است.^۳ حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام در توضیح آیه ﴿فَاتَّيَبَدَّتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا﴾^۴. مریم همراه با حمل خود به مکانی دور دست از خانواده اش کناره جست،^۵ فرمودند: مریم از راه دمشق به سرزمین کربلا وارد شد و کودکش را در کنار آرامگاه امام حسین علیه السلام به دنیا آورده آن گاه شبانه به سرزمین خود بازگشت.^۶

۱. مریم/۱۶.

۲. امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که آن هفتاد زن جوان تهمت زنا را به مریم نسبت دادند ﴿لَقَدْ جِئْتَ سَيِّئًا فَرِيًّا﴾ (مریم/۲۷). عیسی بن مریم به سخن آمده و گفت به خدا قسم هر يك از شما را که در مورد مادرم لب به تهمت گشودید حد خواهم زد. «حکم» می‌گوید از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: آیا عیسی به وعده خود عمل کرد؟ امام فرمودند: بلی و خدای را به خاطر منتهی که بر او نهاد شکر گزاریم (بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۱۵).

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۲۷.

۴. مریم/۲۲.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۳.

یاد نمودن از حضرت زینب کبری علیها السلام

اگر خداوند متعال رسول خویش را به یادآوری زندگانی مریم پاک و ستوده دستور می دهد به عنوان نمونه ای از زنان تاریخ ساز و قهرمان پرور است که زندگی او می تواند سرمشق و الگوی نیکان قرار گیرد. بدون تردید یادآوری دیگر بانوان نمونه و تاریخ ساز هم چون زینب کبری علیها السلام در همین راستا قرار می گیرد. شخصیت و مقامات حضرت زینب کبری علیها السلام نیز برتر و بالاتر از حضرت مریم علیها السلام است. چرا که اگر حضرت مریم از خاندان نبوت است، حضرت زینب علیها السلام از خاندان نبوت و امامت، دختر امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خواهر امام حسن و امام حسین علیهم السلام است. اگر حضرت مریم طبق آیه قرآن از خاندان خود فاصله گرفت و با فرزند خود حضرت عیسی علیه السلام هجرت نمود، حضرت زینب کبری علیها السلام نیز همراه با کاروان کربلا از مدینه تا مکه و کربلا و از کوفه تا شام، در کنار سه امام (امام حسین، امام سجاد و امام محمد باقر علیهم السلام) هجرت نمود و نقش اساسی در انتقال حادثه عاشورا به جهانیان ایفاء نمود.

قیام حسینی، صبر زینبی

عقل بسیط واله و حیران زینب است	صبر از زبان عجز ثناخوان زینب است
انصاف ده که ریزه خور خوان زینب است	ایوب صابر است ولیکن درین مقام
بگرفت کای خدای من این جان زینب است	در قتلگاه، جسم برادر به روی دست
کاری چنین بر عهده ایمان زینب است	قربانی تو است بکن از کرم قبول
گفتی که ممکنات به فرمان زینب است	در خطبه اش که کوفه از آن شد سکوت محض
رسوا ز منطق شرر افشان زینب است	ابن زیاد شوم به دار الإماره اش

بر هم زن اساس جفاکاری یزید
افزون بود ز حوصله خلق عالمی
لحن بلیغ و نطق درخشان زینب است
درد و غمی که در دل سوزان زینب است
دارد «صغیر» امیدی و از روی اعتقاد
چشمش به لطف بی‌حلو پایان زینب است^۱

فصل دوم: برپایی مجالس حسینی

در ایام شهادت امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفای ایشان مجالس متعددی برگزار می‌شود و علاوه بر شیعیان، دیگر محبان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خود را ملزم به برپایی این مجالس و شرکت در آن می‌نمایند. اما به راستی چرا برای امام حسین علیه السلام چنین مجالس و جلساتی گرفته می‌شود؟

یک انسان مسلمان در برابر هر کاری که انجام می‌دهد خود را مسئول می‌داند و به همین دلیل برای انجام هر کاری آن را به قرآن و حدیث ارجاع می‌دهد و نظر آنان را در مورد کاری که انجام می‌دهد جویا می‌شود. این کار همان عمل به حدیث شریف ثقلین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا»^۱ اگر به قرآن و اهل بیت علیهم السلام پناه ببرید هرگز گمراه نخواهید شد. با مراجعه به قرآن متوجه می‌شویم که برگزاری مجالس حسینی نشانه محبت و پرداخت اجر رسالت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است.

آیه مودت

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يُتْرَفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾^۱. بگو من هیچ پاداشی از شما در برابر ابلاغ رسالت خویش درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هرکس عمل نیکی انجام دهد بر نیکی اش می‌افزایم چرا که خداوند آمرزنده و شکر گزار است. خداوند متعال در قرآن از قول پنج پیامبر خویش حضرت نوح، هود، صالح، لوط و شعیب می‌فرماید:

﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا جَرَىٰ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۲. و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی‌خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است اما چرا به پیامبر خاتم ﷺ می‌فرماید: تو از مردم اجر و مزد بخواه؟! در آیاتی دیگر علت این مسئله بیان شده است:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾^۳. بگو هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست اجر من تنها بر خداوند است و او گواه بر هر چیزی است.

و در آیه ای دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلًا﴾^۴. بگو: من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم، اجر من همین بس که هر که بخواهد راهی به سوی

۱. شوری/ ۲۳.

۲. شعراء/ ۱۰۹ الی ۱۲۷.

۳. سبأ/ ۴۷.

۴. فرقان/ ۵۷.

خدای خود پیش گیرد.

آیه مودت در دعای ندبه

در فرازی از دعای ندبه می‌خوانیم: «ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَقُلْتَ: مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ، وَقُلْتَ: مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ»^۱. آن گاه در کتاب خود مزد محمد، صلواتك عليه و آله را، دوستی خاندان او قرار دادی و فرمودی: بگو: من به برای رسالتم مزدی از شما نمی‌خواهم جز دوستی خویشاوندان و نیز فرمودی: هر مزدی که از شما می‌خواهم آن [در حقیقت] برای خود شماست. و باز فرمودی: من از شما مزدی نمی‌خواهم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. این اهل بیت همان راهی هستند که به تو می‌رسد و همان مسیری هستند که به خشنودی تو می‌انجامد.

نظر علمای اهل سنت درباره آیه قُربی

احمد بن حنبل از علمای اهل سنت در کتاب فضائل الصحابه نقل می‌کند:
«لَمَّا نَزَلَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قُرَابَتُكَ؟ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا،

۱. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

وقالها ثلاثاً^۱». هنگامی که آیه مودّت بر پیامبر ﷺ نازل شد، مردم از آن حضرت پرسیدند: منظور از اقوام و نزدیکان شما، که در این آیه آمده و مودّت آنها بر ما واجب شده، چه کسانی هستند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: منظور علی و فاطمه و حسن و حسین هستند. و این جمله را سه بار تکرار کرد.

معنای مودّت

محبت، یک گرایش و تعلق روحی، جانی و قلبی است، ساده‌ترین و آسان‌ترین طریق ظهور آن نیز «لفظ و گفتار» است، مثل این که کسی به دیگری بگوید: «تورا دوست دارم»؛ اما صداقت در گفتار مشخص نمی‌شود مگر با امتحان، و این امتحان در اظهار محبت با تمام وجود و در عرصه‌ی عمل است که به آن «مودت» می‌گویند. مودّت درجه‌ای بالاتر از محبت است. مودّت، برای تثبیت و تأکید محبت و دوستی، نیاز به ابراز و اظهار دارد. نقطه‌ی مقابل مودّت، عداوت و دشمنی، و مقابل حُبّ، بغض است^۲؛ و بدیهی است که عداوت و دشمنی بالاتر از بغض است؛ در نتیجه، مودّت بالاتر از محبت خواهد بود.

تفاوت‌های گوناگونی برای این دو واژه بیان شده است، اما اصلی‌ترین تفاوت این است که «به ظهور و بروز محبت» در اندیشه، گفتار و رفتار «مودت» می‌گویند؛ یا به تعبیری دیگر: «محبت در وادی عمل را مودت می‌گویند». مودت، محبت همراه با پیروی نمودن است و این پیروی نمودن هم به نوعی ابراز و اظهار

۱. الدّرالمشور، ج ۶، ص ۷.

۲. قال الصادق عليه السلام: وَ الْمَوَدَّةُ وَ صَدَّهَا الْعَدَاوَةُ... وَ الْحُبُّ وَ صِدَّةُ الْبُغْضِ (الكافي، ج ۱، ص ۲۲).

محبت است.

به همین دلیل خداوند متعال می‌فرماید: «بگو که اجر رسالت من، در مودت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد»، یعنی نه تنها نسبت به آن‌ها معرفت (شناخت) و محبت (علاقه قلبی) داشته باشید، بلکه این محبت و گرایش را در تمامی شئون وجودی و زندگی فردی و اجتماعی خود، ظاهر نمایید.

استناد امام سجاد علیه‌السلام در شام به آیه مودت

هنگامی که کاروان اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان اسیر به شام وارد کردند؛ پیرمردی از اهالی شام جلوی آمد و شروع کرد به امام سجاد علیه اسلام جسارت کردن و گفت: خدای را شکر که شما را کشت و رسوا کرد! امام سجاد علیه‌السلام صبر کردند تا سخنانش تمام شد، سپس فرمودند: آیا کتاب خدا را خوانده‌ای؟ گفت: آری! فرمودند: این آیه را خوانده‌ای: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱. گفت: آری! فرمودند: ما همان قربی در آیه هستیم؛ سپس فرمودند: آیا این آیه را خوانده‌ای: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»^۲؟ گفت: آری! فرمودند: آیه تطهیر را خوانده‌ای؟ گفت: آری! امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: قربی و اهل بیت در این آیات ما هستیم. مرد شامی دست‌های خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا توبه می‌کنم و از دشمنان آل محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کسانی که آن‌ها را کشتند بیزار می‌جویم؛ قرآن را خوانده بودم ولی متوجه این آیات نبودم...^۳.

۱. شوری/۲۳.

۲. اسراء / ۲۶.

۳. أمالی صدوق ، ص ۱۶۶.

برگزاری مجالس حسینی نشانه محبت و مودت است

یکی از مصادیق ابراز محبت و مودت به اهل بیت علیهم‌السلام و دوست داشتن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برگزاری مجالس حسینی و شرکت در این مجالس است که به نوعی پرداخت مزد رسالت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌باشد.

محبت مردم ایران به امام خمینی ره

وقتی امام خمینی ره در نجف اشرف تبعید بودند و فرزندشان حاج آقا مصطفی را به شهادت رساندند، مردم ایران در شهرهای مختلف ایران مراسم و مجالس‌های متعددی برای حاج آقا مصطفی برگزار کردند که همین مجالس آتش انقلاب را شعله ور تر ساخت و منجر به پیروزی قیام مردم ایران بر علیه طاغوت زمان شد. اگر از مردم ایران سؤال می‌شد که چرا این همه مجلس یادبود برای حاج آقا مصطفی می‌گیرید؟ همگی می‌گفتند: این مجالس نشانه محبت ما به پدر بزرگوارش امام خمینی است. بنابراین کسی که به وجود مقدس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محبت دارد برای بزرگداشت فرزندان ایشان مجلس یادبود گرفته و در چنین مجالسی شرکت می‌کند.

آثار محبت و مودت به امام حسین علیه‌السلام

زمخشری از علمای اهل سنت روایت مفصلی را نقل کرده و آثار محبت به اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌کند.

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَوْ مَنْ مَاتَ

عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَعْفُورًا لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ بِشَرِّهِ مَلِكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُزْفُّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُزْفُّ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتُح لُهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَرَارًا مَلَائِكَةَ الرَّحْمَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ»

سپس رسول خدا ﷺ در ادامه حدیث نتیجه بغض و کینه به اهل بیت (علیهم السلام) را می فرماید:

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ!

هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، در حال توبه از دنیا رفته. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، با ایمان کامل از دنیا رفته است. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، ابتدا فرشته مرگ و سپس نکیر و منکر، او را به بهشت بشارت می دهند. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، هم چون عروس که به خانه شوهرش می رود، وارد بهشت می شود. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، در قبرش دو در به سوی بهشت گشوده می شود. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، خداوند قبرش را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار

می‌دهد. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، مطابق با سنت پیامبر و جماعت مسلمین از دنیا رفته است.

اما هر کس بر دشمنی آل محمد بمیرد، روز قیامت در حالی که میان دو چشمش نوشته شده: «نا امید از رحمت خدا»، محشور می‌شود. هر کس بر دشمنی آل محمد بمیرد، در حال کفر از دنیا رفته و هر کس بر دشمنی آل محمد بمیرد، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید.

القاء محبت به امام حسین علیه السلام از جانب خدا

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الشُّوَاءَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ!». هرکسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین علیه السلام و حب زیارتش را در قلب او می‌اندازد و هر که را خداوند بدیش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین علیه السلام و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می‌اندازد.

عالم مبتلای حسین علیه السلام

جان به عشق تو مبتلاست حسین	دل به یاد تو کربلاست حسین
آفرینش بهای خون تو نیست	ذات حق بر تو خون بهاست حسین
دردمندان هر دو عالم را	گرد زوار تو دواست حسین
قبرش گوشه ات ز چار طرف	کعبه عشق انبیاست حسین

زیر بار غمت نه پشت زمین
حَرَمَتِ رَشْكِ كَعْبِهِ، صَحْنِیْنَتِ
سرخ از خونت ای خدا را خون
به تن پاره پاره ات سوگند
در صف حشر هر که را نگری
با کدامین دعا گشایم لب
پیرو خط آن کَسَم که مرا
تو خدایی کنی به ملک خدا
به قیام مقدّست سوگند
کمر آسمان دو تاست حسین
قبلهٔ مروه و صفاست حسین
روی زهرا و مصطفاست حسین
که مزار تو قلب ماست حسین
پرسد از دیگری کجاست حسین؟
ذکر تو خوش ترین دعاست حسین
به طریق تورهنماست حسین
به خدا تا خدا خداست حسین
از تو اسلام را بقاست حسین^۱.

فصل سوم: استمرار مجالس حسینی

غیر از دهه محرم، در ایام دیگر سال هم شاهد برگزاری با شکوه مراسم‌ها و مجالس حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام هستیم.

مجالس حسینی و تعظیم شعائر

بی شک برپایی و استمرار مجالس حسینی از مهم‌ترین مصادیق تعظیم شعائر است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱. هر کس شعائر خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های با تقواست.

بزرگداشت نشانه‌ها و علامت‌های برجسته دین خدا نشانه تقوای دل‌هاست. تقوای دل بهتر از تقوای اعضاء است و به سایر اعضاء سرایت می‌کند.

شعائر: جمع شعیره به معنای علامت و نشانه است. گرچه این آیه در خصوص مناسک حج و برنامه‌ها و احکام حج است اما طبق نظر علمای شیعه و سنی، شأن

نزول مخصّص نیست و تنها به این مورد اختصاص ندارد. بلکه هر آن چه که برای دین خدا نشانه و علامت شود شعائر است.^۱ مرحوم ملا احمد نراقی می نویسد: شعائر منسوب به خداست بنابراین تعظیم و بزرگداشت آن اگر هم واجب نباشد استحباب و رجحان دارد.^۲ شعائر الهی هر عملی است که یاد خدا زمینه تقوی و رشد معنوی و روحی را فراهم کند و به طور قطع و یقین بزرگداشت مجالس حسینی از مصادیق شعائر است.

تعظیم شعائر در کلام شهید مطهری

تعظیم شعائر یعنی بزرگ شمردن شعارهای اسلامی. شعار از همان ماده شعور است که نوعی علم و درک در آن نهفته است. شعار آن چیزی است که نوعی اعلام وابستگی در آن وجود داشته باشد. وابستگی به یک گروه یا کشور یا جمعیت. شعار علامت و معرف یک عقیده و مسلک است و خاصیتش این است که روح دینی فرد یا اجتماع را زنده نگه می دارد. این شعائر نوعی اعلام وابستگی است.^۳

انواع شعائر اسلامی

در اسلام برخی کارها به عنوان علامت و شعار مطرح شده است مانند: ۱. سلام کردن در وقت ملاقات ۲. گفتن بسم الله الرحمن الرحیم هنگام شروع سخن ۳.

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۴: کل ما جعل علماً لطاعة الله عز و جل كالوقوف والطواف والسعي والرمي والذبح وغير ذلك.

۲. عوائد الايام، ص ۳۱.

۳. مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۳۶۰.

نام گذاری‌های اسلامی ۴. اذان گفتن ۵. اعیاد اسلامی مانند: غدیر، فطر، قربان ۶. سبک ساختمان سازی یا معماری‌های خاص در مساجد اسلامی ۷. فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد ۸. به کار بردن لفظ سید برای فرزندان اهل بیت علیهم‌السلام ۹. استفاده از شال مشکی برای عزاداری یا سبز برای سادات ۱۰. نصب پرچم سیاه برای عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام

نصب پرچم عزا به معنای یک علامت است. یعنی ما پیرو امام حسین علیه‌السلام و وابسته به ایشان هستیم. پیرو حماسه و ایثار و جان باخته در راه خدا و دین خدا هستیم.

عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام

نظر اسلام این است که برای افراد عادی، عزاداری معمولی برگزار شود آن هم در حد سه روز^۱ که صاحبان عزا در خانه بنشینند و دیگران برای آنان غذا ببرند^۲ و به

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحَدِّثَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ إِلَّا الْمَرْأَةُ عَلَى زَوْجِهَا حَتَّى تَنْقُضِي عِدَّتَهَا (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۸۳). هیچ کس نباید بیش از سه روز در سوگ کسی ترك زینت‌ها کند مگر زن که برای شوهرش ترك زینت می‌کند تا عده‌اش (چهار ماه و ده روز) به سر آید.

۲. قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: الْأَكْلُ عِنْدَ أَهْلِ الْمُصِيبَةِ مِنْ عَمَلِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ وَالسُّنَّةُ الْبُغْثُ إِلَيْهِمْ بِالطَّعَامِ كَمَا أَمَرَ بِهِ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فِي آلِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام لَمَّا جَاءَ تَعْيِيَهُ (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۸۲). غذا خوردن نزد کسانی که مصیبت بایشان وارد شده یا کسی را از دست داده‌اند از رسوم مردم دوران جاهلیت و کافران است، و سنت فرستادن غذا از سوی آشنایان و همسایگان برای خانواده مصیبت‌دار است آنچنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علیه و آله وقتی خبر کشته شدن جعفر رسید در مورد خانواده جعفر بن ابی طالب علیه‌السلام انجام دادند.

در روایت دیگری فرمودند: هنگامی که جعفر بن ابی طالب علیه‌السلام به شهادت رسید رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت فاطمه علیه‌السلام فرمودند: نزد همسر جعفر اسماء بنت عمیس و سایر زنان او

او تسلیت بگویند^۱.

اما چرا برای امام حسین علیه اسلام دستور داده اند و توصیه کرده اند که عزاداری به طور مداوم و سال به سال تجدید شود؟!.

به دلیل آن که عزاداری امام حسین علیه السلام شعار است و جزء شعائر الله است. عاشورا تبدیل به یک سنبل شده، نهضت کربلایک حماسه است. شعار عدالت اسلامی است. زنده نگاه داشتن این حماسه، زنده نگاه داشتن دین است.

متن این وقایع باید هر سال بازگو شود و نسل به نسل منتقل شود. ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۲.

دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه

حضرت امام خمینی علیه السلام فرمودند: محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سید الشهداء علیهم السلام است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است^۳. این‌ها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. مجالس روضه، ذکر مصایب مظلوم و ذکر جنایات ظالم، در هر عصری [مظلومان را] مقابل ظالم قرار می‌دهد^۴.

به تعزیت و تسلیت برود و برای ایشان تاسه روز غذا تهیه کند و بفرستد، و این سنت طعام فرستادن برای خانواده داغ دار و مصیبت دیده پس از آن، سنت شد.
۱. با کمال تأسف امروزه برخی افراد یا طوایف، سنت های غلطی را در مراسم ختم عزیزان خود انجام می‌دهند که با روح تعالیم و احکام اسلام ناسازگار است و به جای صرف هزینه های لازم و ضروری در ازدواج جوانان خود، هزینه های گزاف، بیهوده و غیر ضروری را در مراسم هفتم، چهلم، سال و... آن هم برای اموات خود هزینه می‌کنند.
۲. حج/۳۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۳۱۶.

نقش اهل بیت علیهم‌السلام در تعظیم شعائر

به طور کلی تمام حضرات چهارده معصوم علیهم‌السلام که گفتار و رفتار ایشان برای تمام مسلمین حجت است، در بزرگداشت حادثه عاشورا و قیام کربلا نقش اساسی داشتند و نهضت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و عزاداری برای ایشان را گرمی، بزرگ و با عظمت شمردند.

تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام

حضرات اهل بیت عصمت و طهارت در جهت حفظ نهضت عاشورا و عظمت آن به دو صورت اقدام نمودند:

۱. تعالیم عملی

وجود مقدس رسول خدا و دیگر اهل بیت علیهم‌السلام به صورت عملی و با تشکیل مجالس روضه و گریه بر امام حسین علیه‌السلام، در جهت زنده نگه داشتن این حادثه اقدام می‌کردند.

مرحوم سید ابن طاووس رحمته‌الله در کتاب شریف لهوف نقل می‌کند: ام الفضل مادر عباس عموی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خواب دید پاره ای گوشت از بدن رسول الله جدا شد و در دامان او افتاد. نگران شد و خواب خود را نزد رسول الله مطرح کرد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: نگران نباش تعبیر خوابت این است که به زودی دخترم فاطمه پسری به دنیا خواهد آورد که در دامن تو بزرگ خواهد شد. ام الفضل نقل می‌کند وقتی امام حسین علیه‌السلام به دنیا آمد او را آوردم و در آغوش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار دادم.

پیامبر خدا ﷺ شروع کردند به گریستن! علت را جویا شدم. فرمودند: جبرئیل برای من خبری آورد که امت من او را خواهند کشت سپس آنان را نفرین کرده و فرمودند: لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱. خداوند شفاعت مرا در روز قیامت نصیب آنان نکند.

مرحوم علامه امینی رحمته الله می نویسد: شاید این اولین مجلس بزرگداشتی بود که برای امام حسین در خانه رسول خدا ﷺ برگزار شد^۲. پس از آن در موارد متعددی رسول خدا ﷺ خبر شهادت امام حسین را برای امیرالمومنین و حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نقل کردند و همگی گریستند. دیگر امامان معصوم علیهم السلام نیز پس از شهادت امام حسین علیه السلام مجالس مختلفی برگزار کردند و در آن شرکت می نمودند و می گریستند. مانند مجالسی که حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام در زمانها و مکانهای گوناگون از کوفه تا شام و از کربلا تا مدینه برگزار نمودند و این حادثه با عظمت را از گودی قتلگاه به سراسر دنیا منتقل ساختند.

برگزاری مجالس امام حسین علیه السلام در شرایط خطر

سفیان ابن مصعب عبدی از شاعران اهل بیت می گوید به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شدم. آن حضرت فرمودند به ام فروه (همسر امام صادق و مادر امام موسی کاظم علیه السلام) بگویند بیاید و مصائب جدش را بشنود. ام فروه به پشت پرده آمد. سپس امام صادق علیه السلام به من فرمودند: برای ما شعر بخوان و من خواندم: فَرُّوْ

۱. اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری، ص ۱۵.

۲. سیرتنا و سنتنا، ص ۶۷.

جُودِي بِدَمْعِكَ الْمَسْكُوب ... ای ام فروه بلند شد و زنان نیز صدا را به گریه و ناله بلند کردند. حسین ارزانی دار

صدای ناله و فریاد ام فروه بلند شد و زنان نیز صدا را به گریه و ناله بلند کردند. ناگهان امام صادق علیه السلام فرمودند: درب خانه! درب خانه! مراقب باشید! صدای ناله باعث شد مردم مدینه بر در خانه اجتماع کردند. راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام شخصی را درب خانه فرستادند تا بگوید کودکی از ما غش کرده و بانوان به خاطر آن فریاد برآورده اند (یا در اثر ضجه و ناله بانوان کودکی غش کرده بود و یا منظور حضرت غش کردن کودکان در کربلا در اثر تشنگی بوده است).^۱

روضه خوانی در زمان رضا شاه ملعون

با وجود خفقان شدید و ممنوعیت برگزاری مجالس حسینی، در زمان رضاشاه ملعون مردم ایران نیز دست از روضه بر خوانی برای اباعبدالله الحسین علیه السلام بر نداشتند. اکثر مردم عزاداری‌ها را به صورت مخفی برگزار می‌کردند. از سال ۱۳۱۵ الی ۱۳۲۰ هجری شمسی که عزاداری به صورت علنی ممنوع شد، در خانه‌ها و به صورت پنهانی و گاهی قبل از طلوع آفتاب مراسم برگزار می‌شد. مردم نیز به خاطر آن که مکان مراسم به آگاهی ماموران نرسد، گاهی از پشت بام‌ها به این مراسم‌ها می‌رفتند. به این ترتیب در خلال این سال‌ها در نامناسب‌ترین وضع ممکن در داخل سرداب‌ها و زیرزمین‌ها یا نیمه‌های شب و سحرگاه عزاداری می‌کردند. برخی از علمای بزرگ آن دوران مانند آیت‌اله شاه‌آبادی علیه السلام با وجود تمام ممنوعیت‌ها، در

روز تاسوعا یا عاشورا، در مسجد جامع بازار مراسم زیارت عاشورا را برقرار کردند. ایشان در تهران با قاطعیت در برابر رضاخان ایستاد و در شرایطی که تمام مساجد و منابر تعطیل بود، هیچ گاه منبرش را در مسجد بازار تعطیل نکرد. برخی از بزرگان هم به صورت کمک‌های نقدی که به صورت مخفیانه به هیئت‌ها داده می‌شد، به مبارزه می‌پرداختند!

۲. تعلیم‌گفتاری

حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام علاوه بر اقدام عملی در برگزاری مجالس حسینی، در گفتار خود نیز تاکید و توصیه فراوانی نسبت به برگزاری مجلس امام حسین علیه‌السلام نموده‌اند.

توصیه به احیای مجالس اهل بیت علیهم‌السلام

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که به فضیل فرمودند: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَقَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عَنْدَهُ فَقَاصَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذَّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ^۱. آیا شما گرد هم می‌آیید و با هم سخن می‌گویید؟ فضیل جواب داد: بله فدایت گردم. آن حضرت فرمودند: به درستی که من این مجالس را دوست دارم؛ پس ای فضیل! امر ما را زنده بدارید، خداوند رحمت کند

۱. عارف کامل، ص ۹۷.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

کسی که امر ما را زنده نگه می‌دارد؛ ای فضیل! هرکس ما را به یاد بیاورد و یا آن که نامی از ما نزد او برده شود و در اثر آن به اندازه بال مگسی اشک از چشمش خارج شود، خداوند گناهان او را می‌آمرزد، گرچه گناهانش بیشتر از کف دریا باشد.

جایگاه شاعران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام

زید شحام می‌گوید: ما جماعتی از کوفه خدمت امام صادق علیه‌السلام بودیم، در این هنگام جعفر بن عقیان وارد شد. حضرت او را به سوی خود خواندند و نزدیک خود نشاندند؛ سپس فرمودند: یا جعفر! قَالَ: لَبَّيْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! قَالَ: بَلَّغْنِي أَتَّكَ تَقُولُ الشَّعْرَ فِي الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ تَجِيدُ. فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! قَالَ: قُلْ! فَأَنْشَدَهُ علیه‌السلام فَبَكَى علیه‌السلام وَمَنْ حَوْلَهُ حَتَّى صَارَتِ الدُّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ وَ لِحْيَتِهِ. ثُمَّ قَالَ: يَا جَعْفَرُ! وَاللَّهِ لَقَدْ شَهِدْتُ مَلِيكَةَ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ هَيْهَنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ علیه‌السلام، وَ لَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْنَا وَ أَكْثَرَ. وَ لَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ يَا جَعْفَرُ فِي سَاعَتِهِ الْجَنَّةَ بِأَسْرِهِا وَ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ. ثُمَّ قَالَ علیه‌السلام: أَلَا أُرِيْدُكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا سَيِّدِي! قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ قَالٍ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبَكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ عَفَرَ لَهُ .

ای جعفر! عرض کرد: لبّیک جانم فدای شما باد! فرمودند: به من خبر رسیده که تو درباره حسین علیه‌السلام شعر می‌سرائی و مرثیه سرائی می‌کنی. عرض کرد: بلی! حضرت فرمودند: از آن اشعارت قدری بخوان. زید شروع کرد به خواندن. حضرت گریه کردند و همین طور افرادی که در محضر ایشان بودند همگی به گریه افتادند تا این که اشک‌های آن حضرت بر صورت و محاسنشانشان جاری گردید.

سپس فرمودند: ای جعفر! قسم به خدا که دیدم ملائکه مقرب در این جا اشعار تو را می شنیدند و مانند ما به گریه درآمده بودند و بیش از ما بر حسین علیه السلام گریه کردند. و به تحقیق که خداوند بهشت را در این ساعت بر تو واجب گردانید و به همه مراتب بهشت تو را مستحق فرمود، و در این ساعت خداوند تمام گناهان تو را آمرزید. آن گاه حضرت فرمودند: ای زید آیا بیشتر برای تو بگویم؟ عرض کرد: بلی ای سید و آقای من. فرمودند: هیچ فردی نیست که برای حسین علیه السلام شعری بگوید و خود و دیگران را به گریه درآورد مگر این که خدای متعال بهشت را بر او واجب می گرداند و همه گناهان او را مورد عفو و بخشش قرار می دهد.

برگزاری مجلس روضه از یک نفر تا صد نفر

قَالَ ابْنُ طَاوُسٍ رُوِيَ عَنْ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُمْ قَالُوا مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى فَيَتَا مِائَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى عِشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ!

ابن طاوس می گوید: از آل رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: کسی که برای ما خاندان گریان شود و تعداد صد نفر را گریان کند بهشت از برای او است کسی که برای ما گریه کند و تعداد پنجاه نفر را بگریاند جزای او بهشت می باشد اگر کسی برای ما گریه کند و تعداد سی نفر را بگریاند جزای وی بهشت خواهد بود. کسی که خودش برای ما گریان شود و تعداد بیست نفر را گریان نماید بهشت جزای او

است. هر کسی برای ما گریه کند و تعداد ده نفر را گریان کند جزای او بهشت خواهد بود. اگر کسی برای ما گریان شود و یک نفر را گریان نماید بهشت جزای او می‌باشد و کسی که خود را شبیه به گریه‌کننده کند جای او در بهشت خواهد بود.

داریم با حسین یا حسین پیر می‌شویم

ما سالهاست شیعه‌ی این خانواده‌ایم	تا وقت می‌کنیم حسینیه می‌رویم
انگار روی حرم ایستاده‌ایم	با هر سلام صبح به آقای بی‌کفن
احساس می‌کنیم که ارباب زاده‌ایم	با نوکری خانه‌ی ارباب با وفا
ممنون لطف مادر این خانواده‌ایم	شکر خدا که ذکر شب ما حسین شد
خوشحال از این جوانی از دست داده‌ایم	داریم با حسین حسین پیر می‌شویم

فصل چهارم: ذکر مصیبت های حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام

خداوند متعال در قرآن کریم مواردی از مصیبت های کسانی که مظلومانه به شهادت رسیده اند را ذکر می نماید.

۱. حکایت شهادت مظلومانه هابیل

خداوند متعال ضمن بیان داستان شهادت هابیل توسط قابیل، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: برای مردم داستان فرزندان آدم و نحوه شهادت هابیل را بیان کن: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

و در نهایت می‌فرماید:

﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾^۱.

حکایت دو پسر آدم (هابیل و قابیل) را مطابق واقع بر آن‌ها بخوان، آن دم که قربانی پیش آوردند از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل به برادرش هابیل) گفت: البته تو را خواهم کشت. (هابیل) گفت: بی‌تردید خدا (قربانی را) از متقیان خواهد پذیرفت. سوگند که اگر تو به کشتن من دست برآوری من هرگز به کشتن تو دست دراز نخواهم کرد، که من از خدای جهانیان می‌ترسم. من خواهم که گناه (کشتن) من و گناه (مخالفت) تو هر دو به تو باز گردد تا تو اهل آتش جهنم شوی، که آن آتش جزای ستمکاران است. آن گاه (پس از این گفتگو) هوای نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران گردید. آن گاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال حفر نماید تا به او بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان کند. (قابیل) گفت: وای (بر من) آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟ پس (برادر را به خاک سپرد و) از این کار سخت پشیمان گردید.

بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آن که فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را

حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.

۲. داستان اصحاب اخدود

خداوند متعال در سوره بروج حکایت قتل عام مظلومانه مسیحیان نجران توسط یهودیان را که بنا بر نقل برخی از مفسرین تعداد آن‌ها به بیست هزار نفر می‌رسید را این چنین بیان می‌فرماید: ﴿قَتَلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾^۱. مرگ بر اهل آن گودال‌های پر آتش گودال‌هایی پر از آتش شعله‌ور آن‌گاه که آنان بر کنار آن گودال پر آتش نشسته بودند و سوختن مؤمنانی که به آتش افکنده بودند مشاهده می‌کردند و بر آنان خشم نگرفتند مگر آن که آنان به خداوند عزّتمند ستوده ایمان داشتند.

پادشاه یمن یهودی بود و مسیحیان نجران را مجبور به پذیرش دین یهود نمود و چون آنان نپذیرفتند همگی را در گودال‌های آتش سوزاند^۲ و البته پادشاه حبشه وقتی از این جنایت هولناک مطلع شد به آن‌ها حمله کرد و همه را قتل عام نمود و

۱. بروج/ ۴ الی ۸.

۲. رژیم صهیونیستی به دروغ مدعی شده که در خلال جنگ جهانی دوم عده زیادی یهودی در کوره‌های آدم سوزی آلمان (هلوکاست) سوزانده شدند و البته اجازه هیچ نوع تحقیقی در این باره نمی‌دهد!!! و همین دروغ بزرگ را بهانه اشغال کشور فلسطین قرار داده است. خداوند متعال در قرآن از جنایت بزرگ یهودیان پرده بر می‌دارد و حقیقت هلوکاست واقعی را در همین سوره بیان می‌فرماید.

انتقام خون این شهیدان مظلوم را گرفت.^۱

۳. مقتول مظلوم در قرآن

﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^۲. و هنگامی که از کسانی که زنده به گور

شدند پرسیده شود به کدام گناه کشته شدند؟

﴿وَأَدَّ﴾ به معنی زنده به گور کردن است «وَأَدَّ بِنْتَهُ» یعنی دخترش را زنده به گور

کرد. «موؤدة» و «وئيدة» دختر زنده به گور شده است یعنی: آن گاه که از دختر زنده

به گور شده سؤال شود که به کدام گناهی کشته شده است^۳. این تفسیر مربوط به

ظاهر آیه است اما تفسیر باطنی آیات که بر عهده اهل بیت علیهم السلام است^۴، حقیقت

دیگری از این آیه را بیان می‌کند.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ: مَنْ

قُتِلَ فِي مَوْدَتِنَا وَالدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُهُ لِرَسُولِهِ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوْدَةَ

فِي الْقُرْبَى^۵.

جابر از امام محمد باقر عليه السلام در تفسیر این آیه سؤال کرد حضرت فرمودند: منظور

کسی است که در راه مودت به ما اهل بیت کشته شود و دلیل آن سخن خداوند

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۳۷.

۲. تکویر/ ۸ و ۹.

۳. قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۷۵.

۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ غَيْرُ

الْأَوْصِيَاءِ (الكافي، ج ۱، ص ۲۲۸). امام باقر عليه السلام فرمودند: احدی نمی‌تواند مدعی شود که همه

قرآن از ظاهر و باطن نزد او است جز اوصیاء پیامبر صلی الله علیه و آله.

۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۹۳.

متعال به رسول خویش است که فرمود: به آنان بگو من از شما اجر و مزد رسالت خویش را نمی‌خواهم مگر مودت به نزدیکانم را!

إسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام از تفسیر این آیه سؤال نمود: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾. قَالَ: يَعْنِي: الْحُسَيْنِ علیه السلام. مَعْنَاهُ: أَنَّ قَاتِلَهُ يَسْأَلُ عَنِ مَوَدَّةِ الْحُسَيْنِ فَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ الْإِعْتِذَارُ، وَ يُؤَمَّرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ بِئْسَ الْقَرَارُ! امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد این آیه امام حسین علیه السلام است یعنی از قاتل او درباره مودت نسبت به امام حسین علیه السلام پرسش می‌شود و هیچ عذری از او پذیرفته نمی‌شود و امر می‌شود او را به سوی جهنم که بد جایگاهی است ببرند.

جواز قرآنی ذکر مصیبت

وقتی خداوند متعال در قرآن به ذکر مصیبت‌های مختلف و نحوه قتل و شهادت آنان سخن می‌گوید، نشان دهنده جواز ذکر مصیبت کشته شدگان در راه خداست. و چه مصیبت‌هایی عظیم تر از مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام.

توصیه به ذکر مصیبت توسط امام حسین علیه السلام

هنگامی که امام حسین علیه السلام در غروب عاشورا تنها شدند به خیمه‌های برادرانش سر کشیده، خیمه‌ها را خالی دیدند. آنگاه به خیمه‌های فرزندان عقیل نگاهی انداخته، کسی را در آن جا نیز ندیدند؛ سپس به خیمه‌های پاران‌ش نگریسته و کسی

را ندیدند، امام در آن حال ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را فراوان بر زبان جاری می ساختند. آن گاه به خیمه‌های زنان روانه شده سپس به خیمه فرزندان امام زین العابدین علیه السلام رفتند. او را دیدند که بر روی پوست خشنی خوابیده و عمّه اش زینب علیها السلام از او پرستاری می کند. چون حضرت علی بن الحسین علیه السلام نگاهش به پدر افتاد خواست از جا برخیزد، ولی از شدت بیماری نتوانست، پس به عمّه اش زینب گفت: «کمکم کن تا بنشینم چرا که پسر پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است» حضرت زینب علیها السلام وی را به سینه اش تکیه داد و امام حسین علیه السلام از حال فرزندش پرسید: او حمد الهی را به جا آورده و گفت: یا ابتاه ما صَنَعْتَ الْيَوْمَ مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُنَافِقِينَ پدر جان! امروز با این گروه منافق چه کرده ای؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: یا وَلَدِي قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ، وَ قَدْ شَبَّ الْقِتَالُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ، لَعَنَهُمُ اللَّهُ حَتَّى فَاصَّتِ الْأَرْضُ بِالدِّمِ مِنَّا وَ مِنْهُمْ. فرزندم! شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است و جنگ بین ما و آنان چنان شعله ور شد که زمین از خون ما و آنان رنگین شده است! حضرت سجاد علیه السلام عرض کرد: یا ابتاه آيَنَ عَمِّي الْعَبَّاسُ پدر جان! عمویم عباس کجاست؟. در این هنگام اشک بر چشمان زینب حلقه زد و به برادرش نگریست که چگونه پاسخ می دهد، چرا که امام علیه السلام خبر شهادت حضرت عباس را به وی نداده بود زیرا که می ترسید بیماری وی شدت پیدا کند! امام علیه السلام پاسخ دادند: یا بُنَيَّ إِنَّ عَمَّكَ قَدْ قُتِلَ، وَ قَطَّعُوا يَدَيْهِ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ پسر جان! عمویت کشته شد و دستانش کنار فرات از پیکر جدا شد! علی بن الحسین علیه السلام آن چنان گریست که بی هوش شد. چون به هوش آمد از دیگر عموهایش پرسید و امام پاسخ می داد: همه شهید شدند. آن گاه پرسید: وَ آيَنَ أَخِي عَلِيٍّ، وَ حَبِيبُ بَنِي مَظَاهِرٍ، وَ مُسْلِمُ بَنِي عَوْسَجَةَ، وَ زُهَيْرُ بَنِي الْقَسِينِ

برادرم علی اکبر، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه و زهیر بن قین کجایند؟
 امام علیه السلام پاسخ دادند: يَا بَتِّي اِعْلَمْ اَنَّهُ لَيْسَ فِي الْخِيَامِ رَجُلٌ اِلَّا اَنَا وَ اَنْتَ، وَ اَمَّا هُوَ لَا
 الَّذِيْنَ تَسْأَلُ عَنْهُمْ فَكُلُّهُمْ صَرَعَى عَلٰى وَجْهِ الثَّرَى. فرزندم! همین قدر بدان که در این
 خیمه‌ها مردی جز من و تو نمانده است، همه آنان به خاک افتاده و شهید شده اند
 پس علی بن الحسین علیه السلام سخت گریستند. آن گاه به عمه اش زینب علیها السلام گفت: یا
 عَمَّتَا عَلٰى بِالسَّيْفِ وَ الْعَصَا. عمه جان! شمشیر و عصایم را حاضر کن. پدرش
 فرمودند: وَ مَا تَصْنَعُ بِهِمَا. می خواهی چه کنی.؟ عرض کرد: بر عصا تکیه کنم و
 با شمشیرم از فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع نمایم، چرا که زندگانی پس از او ارزش
 ندارد. امام حسین علیه السلام او را باز داشت و به سینه چسباند و فرمودند: يَا وَ لَدَى اَنْتَ
 اَطِيْبٌ ذُرِّيَّتِي، وَ اَفْضَلُ عِثْرَتِي، وَ اَنْتَ خَلِيْفَتِي عَلٰى هُوَلَائِ الْعِيَالِ وَ الْاَطْفَالِ، فَاِنَّهُمْ
 غُرَبَاءٌ مَّخْدُوْلُوْنَ، قَدْ سَمِلْتَهُمُ الدَّلَّةُ وَ الْيَثْمُ وَ شِمَاتُهُ الْاَعْدَاءِ وَ نَوَابِئِ الرَّمَانِ سَكَّتَهُمْ اِذَا
 صَرَخُوا، وَ اَنَسَهُمْ اِذَا اسْتَوْحَشُوا، وَ سَلَّ حَوَاطِرَهُمْ بِلَيْنِ الْكَلَامِ، فَاِنَّهُمْ مَا بَقِيَ مِنْ رَجَالِهِمْ
 مَنْ يَسْتَأْنِسُوْنَ بِهٖ غَيْرِكَ، وَ لَا اَحَدٌ عِنْدَهُمْ يَشْكُوْنَ اِلَيْهِ حُزْنَهُمْ سِوَاكَ، دَعَهُمْ يَشْمُوْكَ
 وَ تَشْمُوْهُمْ، وَ يَبْكُوْا عَلَيْكَ وَ تَبْكِي عَلَيْهِمْ. فرزندم! تو پاک ترین ذریه و برترین عترت
 منی و تو جانشین من بر این بانوان و کودکانی. آنان غریب و بی کسی اند که تنهایی
 و یتیمی و سرزنش دشمنان و سختی‌های دوران آنان را فرا گرفته است. هر گاه که
 ناله سر دادند آنان را آرام کن، و چون هراسان شدند مونسشان باش و با سخنان نرم
 و نیکو، خاطرشان را تسلی بخش. چرا که کسی از مردانشان جز تو نمانده است تا
 مونسشان باشد و غم‌هایشان را به وی باز گویند. بگذار آنان تو را ببینند و تو آنان را
 ببویی و آنان بر تو گریه کنند و تو بر آنان. آن گاه امام علیه السلام دست فرزندش را گرفت و
 با صدای رسا فرمودند: يَا زَيْتَبُ وَ يَا اُمَّ كَلْتُوْمَ وَ يَا سَكِيْتَهٗ وَ يَا زَيْتَهٗ وَ يَا فَاطِمَهٗ، اِسْمَعْنَ

کلامی وَاعْلَمَنَّ أَنَّ ابْنِي هَذَا خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَهُوَ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ. ای زینب! ای امّ کلثوم! ای سکینه! ای رقیّه! و ای فاطمه! سخنم را بشنوید و بدانید که این فرزندم جانشین من بر شماست و او امامی است که پیروی از او واجب است. آن گاه امام حسین علیه السلام در آخرین کلام خود به فرزندش فرمودند:

يَا وَلَدِي بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ فَقُلْ لَهُمْ: إِنَّ أَبِي مَاتَ غَرِيبًا فَأَنْدُبُوهُ وَ مَضَى شَهِيدًا فَأَبْكُوهُ

فرزندم! سلام را به شیعیانم برسان و به آنان بگو: پدرم غریبانه به شهادت رسید پس بر او اشک بریزید^۱.

منبر و سخنرانی و ذکر مصیبت امام سجاد علیه السلام

وقتی کاروان اهل بیت از شام به مدینه باز گشتند امام سجاد علیه السلام، به صورت معمولی وارد مدینه نشدند. ابتدا بانوان و کودکان حرم امام حسین علیه السلام را از مرکبها و محمل‌ها پیاده کرده و برای آنان سراپرده‌ای بر پا داشت؛ و آن گاه «بشیر» را به سوی مدینه فرستادند تا گزارش بازگشت کاروان کربلا را به آگاهی مردم شهر برساند. فرستاده آن حضرت که مردی دانشور و هنرمند بود، و از ذوق شعری نیز بهره‌ای داشت در راه انجام فرمان آن حضرت وارد مدینه گردید و مردم را در حرم پیامبر گرد آورد و چنین گفت:

يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ بِهَا قَتَلَ الْحُسَيْنَ فَادْمَعِي مَدْرَارَ
الْجِسْمِ مِنْهُ بَكْرِبَاءَ مَضْرَجٍ وَالرَّأْسَ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاةِ يَدَارَ

هان ای مردم مدینه! دیگر مدینه جای زندگی نیست؛ دیگر از این شهر و دیار بار سفر ببندید و هجرت کنید! چرا که، حسین علیه السلام به دست ستمکاران روزگار به شهادت رسیده؛ و به همین جهت هم سیلاب اشک از دیدگان من روان است و من در سوگ آن عزیزتر از جان و یارانش اشک می‌ریزم! ای مردم! پیکر پاک فرزند فاطمه علیها السلام در دشت نینوا بر خاک و خون افتاده است و سر منورش را بیدادگران بر فراز نی کرده و در شهرها می‌گردانند.^۱

زن و مرد با ضجه و شیون و زاری به سمت بیرون مدینه رفتند تا به خیمه‌های اهل بیت علیهم السلام رسیدند. امام سجاد علیه السلام از خیمه بیرون آمده در حالی که اشک می‌ریختند و با دستمال اشک‌های خود را پاک می‌نمودند. یک صندلی برای آن حضرت قرار دادند و امام زین العابدین علیه السلام بر روی آن نشست و مردم را ساکت کردند پس شروع به سخنرانی و حمد و ثنای الهی نموده و به ذکر مصیبت پرداختند و فرمودند: إِنَّ اللَّهَ وَ لَهُ الْحَمْدُ ابْتَلَانَا بِمَصَائِبٍ جَلِيلَةٍ وَ ثَلَمَةٌ فِي الْإِسْلَامِ عَظِيمَةٍ قُتِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ عَثْرَتْهُ وَ سُبِيَ نِسَاؤُهُ وَ صَبِيَّتُهُ وَ دَاوُوا بِرَأْسِهِ فِي الْبُلْدَانِ مِنْ فَوْقِ عَامِلِ السَّنَانِ وَ هَذِهِ الرَّزِيَّةُ الَّتِي لَيْسَ مِثْلُهَا رَزِيَّةٌ ... وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي قِتَالِنَا كَمَا تَقَدَّمَ إِلَيْهِمْ فِي الْوَصَايَةِ بِنَا لَمَا زَادُوا عَلَيَّ مَا فَعَلُوا بِنَا فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَغْظَمَهَا وَ أَوْجَعَهَا وَ أَفْجَعَهَا وَ أَكْظَمَهَا وَ أَفْظَعَهَا وَ أَمَرَهَا وَ أَفْدَحَهَا فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ فِيهَا أَصَابِنَا وَ مَا بَلَغَ بِنَا فَإِنَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ.^۲

ای مردم! همانا خداوند که حمد و سپاس از آن او است، ما را به مصیبت‌های

۱. مشیر الأحران، ص ۱۱۲.

۲. اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری، ص ۲۰۱.

عظیم و شکاف بزرگی در اسلام آزمو، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و بستگانش کشته شدند، و بانوان و دخترانش اسیر گشتند، و سر بریده‌اش را بر نیزه در شهرها گرداندند، مصیبتی بی‌مانند رخ داد. ای مردم! کدام یک از مردان شما پس از قتل حسین علیه السلام می‌تواند شاد باشد؟ یا کدام قلبی به خاطر سوگواری حسین علیه السلام غمگین نگردد؟ یا کدام چشمی از شما است که اشکش را نگهدارد و بتواند از ریزش آن جلوگیری نماید. همانا هفت آسمان استوار برای قتل حسین علیه السلام گریستند، و هفت دریا با امواجش، و آسمان‌ها با ارکانش، و زمین با اعماقش و درختان با شاخه‌هایشان، و ماهیان در اعماق دریاها، و فرشتگان مقرب و همه اهل آسمان‌ها گریستند. ای مردم! کدام قلبی است که برای کشته شدن حسین علیه السلام شکافته نشود؟ یا کدام دل و روانی است که برای او ناله نکند؟ یا کدام گوشی که این شکافی را که در اسلام پدیدار شد بشنود و کر نشود. سوگند به خدا اگر پیامبر صلی الله علیه و آله به جای سفارشات که در احترام به حق ما نمود، سفارش به جنگ با ما می‌کرد، زیاده‌تر از آن چه با ما انجام دادند، نمی‌توانستند بیشتر انجام دهند، ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ از مصیبت ما که چقدر بزرگ، دردناک، سوزاننده، پر رنج، ناگوار، تلخ و جان سوز بود، همه این مصائب و ناگواری‌ها را به حساب خدا می‌گذاریم، که او شکست‌ناپذیر و صاحب انتقام است.

ذکر مصیبت از لسان شریف حضرت ولی عصر علیه السلام

حضرت مهدی امام زمان علیه السلام نیز در زیارت ناحیه مقدسه به صورت مفصل به ذکر مصیبت‌های جد بزرگوارشان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در روز عاشورا پرداخته و با آهی جان سوز ناله سر داده و می‌فرماید: السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ،

السَّلَامُ عَلَىٰ أَخِيهِ الْمُسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَىٰ عَلِيٍّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الرَّضِيِّعِ الصَّغِيرِ.
سلام بر آن کشته مظلوم سلام بر برادر مسمومش «امام حسن مجتبی (علیه السلام)»،
سلام بر حضرت علی اکبر (علیه السلام) سلام بر شیر خواره، حضرت علی اصغر (علیه السلام).
السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْعُتْرَةِ الْقَرِيبَةِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْمُجَدَّلِينَ
فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَىٰ النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْمَدْفُونِينَ بِأَلَا أَكْفَانِ،
السَّلَامُ عَلَىٰ الرُّؤَسِ الْمُمْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ.

سلام بر بدن‌های افتاده «رها شده» در بیابان سلام بر خاندان نزدیک پیامبر
صلی الله علیه و آله سلام بر افتادگان در بیابان. سلام بر دور از وطن‌ها سلام بر بی
کفن دفن شده‌ها. سلام بر آن سرهایی که از بدن‌ها جدا شدند.

السَّلَامُ عَلَىٰ الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْخَدِّ التَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْبَدَنِ
السَّلْبِيِّ، السَّلَامُ عَلَىٰ الثَّغْرِ الْمُقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْوَدَجِ الْمُقْطُوعِ، السَّلَامُ
عَلَىٰ الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الدَّنَاتُ
الْعَادِيَاتُ، وَتُخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الصَّارِيَاتُ^۱.

سلام بر آن محاسن به خون خضاب شده سلام بر آن صورت بر خاک افتاده.
سلام بر آن جنازه بر زمین مانده سلام بر آن لب و دندانی که با «چوب خیزران» به
آن زدند سلام بر آن سر بالای نیزه‌ها سلام بر آن بدن‌های برهنه‌ای که در بیابان‌ها
افتاده بودند و گرفتار نیش ستم‌گرگ‌های ستمگر شدند و درندگان وحشی به سوی
آنان در رفت و آمد بودند.

توصیه اهل بیت علیهم‌السلام به ذکر مصیبت

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابَتَنَا وَبَكَى لِمَا اِزْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُصَابَتِنَا فَبَكَى وَ اَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ اَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ .^۱

هر کس که یادی از مصیبت ما کند و بگرید به خاطر آن چه با ما کردند روز قیامت با ما در درجه ما است و هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید و بگریاند دیده‌اش گریان نشود روزی که همه دیده‌ها گریان است و هر که بنشیند در مجلسی که امر ما در آن زنده می‌شود دلش نمیرد روزی که دل‌ها بمیرد.

و در کلامی دیگر فرمودند: يَا ابْنَ شَيْبٍ اِنْ سَرَكَ اَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمُبَيَّتَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَالْعَنُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ. يَا ابْنَ شَيْبٍ اِنْ سَرَكَ اَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه‌السلام فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا يَا ابْنَ شَيْبٍ اِنْ سَرَكَ اَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ فَاحْزَنَ لِحُزْنِنَا وَ اَفْرَحَ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيكَ بِوَلَاتِنَا فَلَوْ اَنْ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَشْرِهِ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .^۲

ای فرزند شیب! اگر دوست داری با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در غرفه‌های بهشت همراه باشی، قاتلان حسین را لعنت کن، ای ابن شیب! اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که همراه حسین بن علی علیه‌السلام شهید شدند داشته باشی، هر گاه بیاد او افتادی بگو: «یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً» (ای کاش با آنان بودم و به این

۱. امالی صدوق، ص ۷۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۰.

فوز عظیم می‌رسیدم). ای ابن شیبب! اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت همراه باشی، در اندوه ما اندوهگین و در خوشحالی ما، خوشحال باش، و بر تو باد به ولایت ما، زیرا اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند در روز قیامت او را با آن سنگ محشور خواهد کرد.

مصیبت عظیم در زیارت عاشورا

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ الْمَصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أزالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَ لَعَنَ
اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمُكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ...^۱

ای ابا عبدالله به راستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام و گران و عظیم گشت مصیبت تو در آسمان‌ها بر همه اهل آسمان‌ها پس خدا لعنت کند مردمی را که ستم و بیدادگری را بر شما خاندان بنا نهادند و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از آن مرتبه‌هایی که خداوند آن رتبه‌ها را به شما داده بود و خدا لعنت کند مردمی که شما را کشتند و خدا لعنت کند آنان که اسباب قتل را برای کشندگان شما مهیا نمودند تا آن‌ها توانستند با شما بجنگند بیزاری می‌جویم به سوی خدا و به سوی شما از ایشان و از پیروان و دنبال روندگان‌شان و دوستان‌شان

نظر حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه درباره مصائب کربلا

یکی از خطبای مشهور قم^۱ نقل می‌کرد: نزد آیه الله بهجت رحمته الله علیه برخی مصائب کربلا را می‌خواندم تا نظر ایشان را در خصوص اسناد و مدارک آن جویا شوم. ایشان فرمودند: همین قدر بگویم که آن چه از مصیبت‌های کربلا نوشته یا گفته یا شنیده می‌شود، یک دهم آن چیزی است که اتفاق افتاده و مصیبت‌ها بسیار بالاتر از این بوده است.

ذکر مصیبت حضرت زینب کبری رحمته الله علیها نزد میرزای شیرازی رحمته الله علیه

شیخ حسن علی تهرانی در مجلس میرزای شیرازی رحمته الله علیه روضه می‌خواند عبارتی را فرمود که میرزای شیرازی عمامه را از سرش برداشته و به شدت گریه می‌کنند. شیخ حسن می‌خواست روضه را ادامه بدهد که میرزا گفت: بگذار ما حق همین یک جمله را ادا بکنیم. آن مصیبتی که شیخ حسن به آن اشاره کرد این بود: دَخَلْتُ زَيْنَبَ عَلِيَّ ابْنِ زَيْدٍ وَعَلَيْهَا أَزْدُلُ ثِيَابَهَا. زینب به مجلس پسر زیاد وارد شد...^۲

ما رایت الا جمیلا

گرچه روزی تلخ‌تر از روز عاشورا نبود
آن چه ما دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود
عشق می‌فرمود «باید رفت» می‌رفتند و هیچ

۱. حجة الاسلام سید حسن احمدی اصفهانی.

۲. برنامه سمت خدا به نقل از: حجة الاسلام والمسلمین حسینی قمی.

بیمشان از تیرهای تلخ و بی پروا نبود
خیمه‌ها از مرد خالی می‌شد اما هم چنان
اهل بیت عشق در مردانگی تنها نبود
آفتاب ظهر عاشورا به سختی می‌گریست
کودکان لب تشنه بودند و کسی سقا نبود
آسمان می‌سوخت از داغی که بر دل داشت، آه!
کودکی آتش به دامن می‌شد و بابا نبود
کاروان کم کم به سمتی ناکجا می‌رفت و کاش
بازگشتی این سفر را، باز از آن جا نبود!

فصل پنجم: گریستن در مصائب امام حسین علیه السلام

یکی از برنامه‌های مجالس امام حسین علیه السلام ندبه و نوحه خوانی و گریستن است. برخی افراد نابخرد هر نوع گریه و زاری را ناپسند و مذموم می‌پندارند در حالی که زندگی انسان با گریه شروع می‌شود و آن گریه، نشانه سلامت و تندرستی کودک است.

گریه بر امام حسین علیه السلام، گریه معرفت و عشق است و از عواطف پاک انسانی سرچشمه می‌گیرد و به طور قطع و یقین با گریه ای که از روی ذلت و خواری یا شکست باشد تفاوت اساسی دارد. گریه بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مواردی است که هر انسانی از فرط دل سوزی و محبت، طاقت بردباری و تحمل خود را در برابر شنیدن مصیبت‌های آن حضرت از دست می‌دهد. این گریه و بی‌قراری، علاوه بر ازدیاد محبت و مهر و مودت، موجب کثرت تنفر و بیزاری از دشمنان و قاتلان آن حضرت می‌شود.

گریه سیاسی

در آثار و گفتار حضرت امام خمینی علیه السلام پیرامون گریه بر حضرت سید الشهداء علیه السلام مطالب فراوانی مطرح شده است. ایشان در مناسبت‌های مختلف می‌فرمودند:

این روضه و این گریه آدم‌ساز است؛ انسان درست می‌کند. این مجالس روضه، این مجالس عزای سید الشهداء تبلیغات بر ضد ظلم است. بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد.

گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است این که در روایت هست که اگر کسی گریه کند یا بگریاند، یا به صورت گریه دار خودش را در آورد، این جزایش بهشت است^۱، این نهضت را دارد حفظ می‌کند؛ این نهضت امام حسین علیه السلام را حفظ می‌کند. ملت ما را این مجالس حفظ کرده. آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای این که گریه‌ای است که بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم قیام کرده‌اند. این‌ها را باید حفظ کنید. این‌ها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. این‌ها يك شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است^۲.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷، ح ۲۷.

۲. صحیفه امام خمینی، ج ۱۰، ص ۱۲۰ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ج ۱۳، ص ۳۲۷.

گریه در قرآن

خداوند متعال در قرآن از گریه ای سخن می‌گوید که در اثر آن چشم‌ها نابینا می‌شود و چنین گریه ای هم مورد نهی الهی قرار نمی‌گیرد.

﴿وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ
قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُنُوا تَذَكَّرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا
بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَلَكٌ عَلِيمٌ﴾^۱.

یعقوب روی از فرزندانش برگردانید و گفت: وای! افسوس از یوسفم و چشمانش از گریه فراوان و اندوه سفید شد و بر خشم خویش مسلط گردید فرزندانش گفتند: به خدا قسم که آن قدر یاد یوسف می‌کنی تا بیمار می‌شوی و تا سرحد مرگ پیش می‌روی گفت: شکایت غم و اندوه خود فقط نزد خدا می‌برم و می‌دانم از لطف او آن چه را که شما نمی‌دانید.

مقدار حزن یعقوب

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا مَا بَلَغَ مِنْ حُزْنِ يَعْقُوبَ عَلَى يُوسُفَ قَالَ حُزْنٌ سَبْعِينَ ثَكْلَى حَرَى^۲.

هشام بن سالم می‌گوید: برخی از اصحاب از امام صادق عليه السلام از مقدار غم و اندوه حضرت یعقوب پرسیدند: فرمودند: غم و اندوه او به اندازه هفتاد مادر فرزند مرده بوده است. و در روایتی دیگر فرمودند:

۱. یوسف/ ۸۴ الی ۸۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۳۱۱.

الْبُكَاءُ وَنَ خَمْسَةَ آدَمَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَفَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى صَارَ فِي خَدَّيْهِ أَمْثَالُ الْأُودِيَةِ وَأَمَّا يَعْقُوبُ فَبَكَى عَلَى يُوسُفَ حَتَّى ذَهَبَ بَصَرُهُ وَحَتَّى قِيلَ لَهُ تَاللَّهِ تَفْتَتُوا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضاً أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَمَّا يُوسُفُ فَبَكَى عَلَى يَعْقُوبَ حَتَّى تَأْدَى بِهِ أَهْلُ السَّجْنِ فَقَالُوا إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِالنَّهَارِ وَتَسْكُتَ بِاللَّيْلِ وَإِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِاللَّيْلِ وَتَسْكُتَ بِالنَّهَارِ فَصَالِحُهُمْ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَأَمَّا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَتَّى تَأْدَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ وَقَالُوا لَهَا قَدْ أَذَيْتَنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي حَتَّى تَقْضَى حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ وَأَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام عَشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَمَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ جِعَلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِيَّ وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَضْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي لِذَلِكَ عِبْرَةٌ!

بسیار گریه کننده ها پنج نفر بودند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه دختر محمد و علی بن الحسین عليه السلام. آدم از فراق بهشت گریست تا در گونه اش مانند نهرها پدید شد و یعقوب بر یوسف گریست تا دیده اش رفت و به او گفتند: به خدا یوسف را از یاد نبری تا مانده شوی یا نابود گردی! یوسف بر یعقوب گریست تا زندانیان در آزار شدند و گفتند یا روز گریه کن و شب آرام باش یا شب گریه کن و روز آرام باش و با آن‌ها به یکی از آن دو سازش کرد. اما فاطمه دختر محمد بر رسول خدا صلى الله عليه وآله گریست تا مردم مدینه در آزار شدند و گفتند از فزونی گریهات ما را آزار دادی و سر

مقابر شهداء می‌رفت و تا می‌خواست می‌گریست و اما علی بن الحسین علیه السلام بیست تا چهل سال بر حسین گریست و هر خوراکی پیشش می‌گذاشتند می‌گریست تا یکی از غلامانشان گفت یا ابن رسول الله می‌ترسم خود را هلاک کنید! فرمودند: من از درد دل و اندوه خود به خدا شکایت کنم و می‌دانم از جانب خدا آن چه شما ندانید من هر وقت به یاد قتلگاه فرزندان فاطمه می‌افتم گریه مرا می‌گیرد.

علت گریه امام سجاد علیه السلام

غلام امام زین العابدین علیه السلام می‌گوید: روزی امام سجاد علیه السلام به سجده رفتند و خیلی گریستند وقتی سر از سجده طولانی برداشتند و صورت و محاسن شریفشان غرق در اشک بود عرض کردم: ای مولای من آیا تا کنون زمان آن فرا نرسیده که اندوه شما پایان یابد و گریه‌های شما کم شود؟ حضرت علیه السلام فرمودند: وای بر تو! یعقوب نبی پیامبر و فرزند پیامبر و فرزند ابراهیم خلیل بود که ۱۲ پسر داشت و یکی از آنها یوسف برای مدتی از نزدش دور شد در حالی که زنده بود آن قدر گریست تا موهایش سفید کمرش خمیده و چشمانش نابینا شد. ولی من در یک روز دیدم که پدرم و برادر و ۱۷ نفر از اهل بیتم کشته شده و بر زمین افتادند چگونه اندوهم پایان یابد و گریه ام تمام شود^۱.

ازفراق روی یک یوسف اگر یعقوب سوخت

هجر هفتاد و دو یوسف کرده خونین دل مرا

توصیه امام رضا به گریه بر امام حسین علیه السلام

ریان بن شیب می گوید: روز اول محرم خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و آن حضرت علیه السلام مطالبی را پیرامون ماه محرم و شهادت امام حسین علیه السلام مطرح نمودند و در ادامه چنین فرمودند: يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ الْمُحَرَّمِ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ فَمَا عَرَفْتَ هَذِهِ الْأُمَّةَ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَ سَبَّوْا نِسَاءَهُ وَ اتَّهَبُوا ثَقَلَهُ فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَإِنَّكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَسْبِيهُونَ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ^۱.

ای فرزند شیب! محرم ماهی است که اهل جاهلیت به احترام آن، ظلم و جنگ را حرام کرده بودند ولی این امت، احترام آن و احترام پیغمبر خود را حفظ نکردند، در این ماه اولاد او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و وسائلش را غارت نمودند، خداوند هرگز این کارشان را نبخشد! ای ابن شیب! اگر می خواهی گریه کنی، بر حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام گریه کن، زیرا او را هم چون گوسفند ذبح کردند و از بستگانش، هیجده نفر به همراهش شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند، آسمان های هفت گانه و زمین ها به خاطر شهادتش گریستند.

در بیانی دیگر حضرت رضا علیه السلام فرمودند: إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَدَلَّ عَزِيرَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَنَا يَا أَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثَنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ

الدُّنُوبِ الْعِظَامِ ثُمَّ قَالَ ﷺ كَانَ أَبِي ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى صَاحِبًا وَكَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ ﷺ^۱.

حقا که مصیبت امام حسین پلک چشم ما را زخم و اشک‌های ما را جاری و عزیز ما را در ارض کرب و بلا ذلیل و غم اندوه را تا روز قیامت دچار ما کرد. پس گریه‌کنندگان باید بر شخصی مثل حسین گریه کنند، زیرا گریه برای آن حضرت باعث آمرزش گناهان بزرگ خواهد شد. سپس حضرت رضا ﷺ فرمودند: هر گاه ماه محرم فرا می‌رسید پدرم خندان نبود تا ده روز از محرم نگذشته بود غم و اندوه بر پدرم غالب بود. هنگامی که روز عاشورا فرا می‌رسید روز مصیبت و محزون‌ی و گریه پدرم بود و می‌فرمود: این همان روزی است که امام حسین صلوات الله علیه در آن شهید شد!!

صلوات خدا بر گریه‌کنندگان

وقتی آیاتی درباره یهود و پیمان شکنی، تکذیب رسل و قتل انبیاء توسط آنان نازل شد، رسول خدا ﷺ فرمودند: آیا می‌خواهید از یهود این امت برای شما بگویم؟! گفتند: بفرمایید! فرمودند: گروهی از این امت که گمان می‌کنند از من هستند، دین و سنت مرا تغییر می‌دهند و فرزندان من حسن و حسین ﷺ را می‌کشند همان گونه که یهودیان زکریا و یحیی ﷺ را کشتند. سپس فرمودند: أَلَا وَ لَعَنَ اللَّهُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ وَ مُحِبِّبِهِمْ وَ نَاصِرِيهِمْ، وَ السَّاكِتِينَ عَنْ لَعْنِهِمْ مِنْ غَيْرِ تَقِيَّةٍ

تُسَكِّئُهُمْ. أَلَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبُكَائِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ رَحْمَةً وَشَفَقَةً، وَ
اللَّاعِنِينَ لِأَعْدَائِهِمْ وَ الْمُؤْتَلِّينَ عَلَيْهِمْ غَيْظًا وَ حَقًّا أَلَا وَإِنَّ الرَّاضِينَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
شُرَكَاءُ قَتَلْتِهِ^۱.

آگاه باشید؛ خدا قاتلان حسین را با آن افرادی که آنان را دوست داشته باشند و
یاور ایشان باشند، و افرادی که بدون تقیه از لعن بر آنان خودداری نمایند لعنت
کرده است. آگاه باشید؛ خدا بر گریه‌کنندگان امام حسین علیه السلام و اشخاصی که
دشمنان او را لعنت کنند و افرادی که قلبشان از غیظ و غضب بر آنان پر باشد
صلوات و رحمت می‌فرستد. آگاه باشید؛ افرادی که به قتل حسین راضی باشند در
قتل آن حضرت شریک خواهند بود!

کشته اشک

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ^۲.

حضرت حسین بن علی فرمودند: من کشته اشگ هستم، هیچ مؤمنی من را یاد
نمی‌کند مگر آنکه با یاد من طلب اشگ می‌کند.

پاداش گریه بر امام حسین علیه السلام

در عظمت امام حسین علیه السلام و مصیبت عظمای ایشان همین بس که گریستن،
گریاندن برای امام حسین علیه السلام و حتی خود را شبیه گریه‌کنندگان در آوردن هر سه

۱. البرهان في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۰۸.

مطلوب است و پاداش و ثواب فراوان دارد. در مناجاتی که حضرت موسی علیه السلام با خداوند متعال داشت صحبت از امام حسین علیه السلام و نحوه شهادت ایشان شد و حضرت موسی علیه السلام برای امام حسین علیه السلام اشک ریخت. خداوند متعال به موسی فرمود:

يَا مُوسَى أَغْفُو عَمَّنِ اسْتَغْفَرَنِي إِلَّا قَاتِلَ الْحُسَيْنِ قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَمِنَ الْحُسَيْنِ قَالَ لَهُ الَّذِي مَرَّ ذِكْرُهُ عَلَيْكَ بِجَانِبِ الطُّورِ قَالَ يَا رَبِّ وَمَنْ يُقْتَلُهُ قَالَ يُقْتَلُهُ أُمَّةٌ جَدَّهُ الْبَاغِيَةُ الطَّاغِيَةُ فِي أَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَتَنْفِرُ فَرَسُهُ وَتُحْمَجِمُ وَتُصْهَلُ وَتَقُولُ فِي صَهِيلِهَا الظَّالِمَةَ الظَّالِمَةَ مِنْ أُمَّةٍ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا فَيَبْقَى مُلْقَى عَلَى الرِّمَالِ مِنْ غَيْرِ غُسْلِ وَلَا كَفْنٍ وَيُنْهَبُ رَحْلُهُ وَيُسَبَى نِسَاؤُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَيُقْتَلُ ناصِرُهُ وَتُشْهَرُ رُءُوسُهُمْ مَعَ رَأْسِهِ عَلَى أَطْرَافِ الرَّمَاحِ يَا مُوسَى صَغِيرُهُمْ يُمِيتُهُ الْعَطَشُ وَكَبِيرُهُمْ جَلْدُهُ مِنْكَمِشٌ يَسْتَعْيِشُونَ وَلَا نَاصِرَ وَيَسْتَجِيرُونَ وَلَا خَافِرَ. قَالَ فَبَكَى مُوسَى عليه السلام وَقَالَ يَا رَبِّ وَمَا لِقَاتِلِيهِ مِنَ الْعَذَابِ قَالَ يَا مُوسَى عَذَابٌ يَسْتَعْيِشُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ بِالنَّارِ لَا تَنَالُهُمْ رَحْمَتِي وَلَا شَفَاعَةُ جَدِّهِ وَلَا لَوْ لَمْ تَكُنْ كَرَامَةً لَهُ لَحَسَفَتْ بِهِمُ الْأَرْضُ. قَالَ مُوسَى بَرِنْتُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ مِنْهُمْ وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ فَقَالَ سُبْحَانَهُ يَا مُوسَى كَتَبْتُ رَحْمَةً لِتَابِعِيهِ مِنْ عِبَادِي وَعَلِمْتُ أَنَّهُ مَنْ بَكَى عَلَيْهِ أَوْ أَبَكَى أَوْ تَبَاكَى حَرَمْتُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ.

از جانب خدای متعال خطاب رسید: یا موسی! هر کسی که از من طلب مغفرت کند او را عفو می‌نمایم، غیر از قاتل حسین. حضرت موسی گفت: پروردگارا! این حسین کیست؟! خطاب شد: حسین همان کسی است که در کوه طور برای تو شرح دادم. حضرت موسی گفت: پروردگارا! قاتل حسین کیست!

خطاب شد: امت جدش که ظالم و ستم کار هستند او را در زمین کربلا شهید می‌نمایند. اسب حسین رم و مهممه می‌کند و فریاد می‌زند و می‌گوید: فریاد از ظلم و ستم امتی که پسر دختر پیغمبر خود را شهید نمودند. سپس بدن حسین بدون غسل و کفن روی خاک‌ها خواهد ماند، اموال او را به یغما می‌برند، زنان وی را در شهرها اسیر می‌نمایند، یاوران او را شهید می‌کنند، سر آنان را با سر حسین بر فراز نیزه‌ها بلند خواهند کرد. ای موسی! تشنگی افراد کوچک ایشان را می‌کشد، پوست بدن بزرگان آنان درهم کشیده می‌شود، استغاثه می‌کنند ولی فریادرسی نخواهد بود، پناهنده می‌شوند ولی پناه‌گاهی نخواهند داشت.

پس حضرت موسی گریان شد و گفت: پروردگارا! عذاب قاتلان حسین چگونه خواهد بود؟ خطاب آمد: ای موسی! عذاب آنان به قدری شدید است که اهل جهنم از آن به آتش جهنم پناهنده خواهند شد. رحمت من و شفاعت جد حسین نصیب ایشان نخواهد شد! اگر برای خاطر او نبود زمین قاتلان وی را فرو می‌برد. حضرت موسی گفت: بار خدایا! من از ایشان و کسی که به جنایت ایشان راضی باشد بیزارم.

خدای سبحان فرمود: یا موسی! من رحمت خود را برای پیروان حسین واجب نموده‌ام. بدان، کسی که برای حسین گریان شود، یا دیگران را بگریاند یا خود را شبیه به گریه‌کنندگان نماید بدنش را به آتش جهنم حرام می‌نمایم.

معنای تباهی

علامه مجلسی رحمته الله در معنای تباهی می‌فرماید: التباهی حمل النفس علی البکاء و السعی فی تحصیله و قیل: المراد به اظهار البکاء و التشبهه بالباکین فی الهیئة و

هو أيضا حسن فإن من تشبهه بقوم فهو منهم والأول اظهر^۱. تباهی یعنی این که انسان خودش را وادار به گریه کند و در این امر تلاش کند و برخی گفته‌اند به این معناست که انسان خودش را شبیه گریه کنندگان در بیاورد و اظهار گریه کند که این معنا نیز نیکوست زیرا هرکسی که خودش را به گروهی شبیه کند از آن گروه محسوب می‌شود البته معنی اول ظاهر تر است.

جلوه های تباهی

بنابراین سر را به پایین انداختن، دست‌ها را مقابل پیشانی و چشمان گرفتن، ایجاد انکسار و شکستگی در چهره و کارهایی شبیه به این از مصادیق تباهی است و این کار نه تنها ریا کاری نیست بلکه از مصادیق تعظیم شعائر است. مانند: پوشیدن لباس مشکی که انسان به وسیله آن رنگ غم و ماتم به خود می‌گیرد و برای دیگران نیز شهادت امام حسین علیه السلام را یادآوری می‌کند، هر چند از درون عزادار نباشد. در روایات است که اگر کسی یک صفت حسنه ای را ندارد آن صفت را بر خود تحمیل کند تا کم کم آن صفت در او ایجاد شود. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ^۲. اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار، چرا که کم است کسی خود را شبیه قومی کند و از زمره آنان نشود.

بنابراین عظمت حضرت سید الشهداء علیه السلام و این جایگاه والای حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام نزد خداوند متعال است که باعث می‌شود حتی انجام کم ترین

۱. مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۵۶.

۲. نهج البلاغة، کلمات قصار، کلمه ۲۰۶.

جلوه از جلوه‌های عزاداری یعنی تباکی برای آن حضرت هم اجر و مزدی مانند بهشت را برای انسان به ارمغان آورد.

فواید تباکی

خود را وادار نمودن به گریه یا حالتی شبیه به گریه کنندگان را داشتن آثار و فواید فراوانی دارد از جمله:

۱. برای خود متباکی زمینه ساز و باعث حالت بکاء شده و شخص عزادار را برای سایر عزاداری‌ها آماده می‌سازد.
۲. تاثیر خوبی بر دیگر مستمعین و حتی زاکرین گذاشته و مجلس امام حسین علیه السلام را از حالت سردی و عدم تاثیر خارج می‌سازد.
۳. باعث حفظ قداست و عظمت مجلس ذکر اهل بیت علیهم السلام و روضه خوانی می‌شود چه بسا بی تفاوتی و عکس العمل صحیح و مناسب نشان ندادن به هنگام عزاداری باعث هتک حرمت و شکسته شدن حریم مقدس روضه خوانی شود.^۱

گریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر حمزه

در منابع اهل سنت از ابن مسعود صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که می‌گوید: ما ندیدیم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای کسی گریه کند، آن چنان که برای حمزه گریه می‌کردند. وقتی نبی مکرم با جنازه حضرت حمزه علیه السلام مواجه شدند او را

۱. جلوه‌های عزاداری، ص ۱۱۰.

طرف قبله قرار داده و رو به روی جنازه، با سوز و آه ناله کردند و از شدت گریه و مصیبت غش کرده و می‌فرمودند: ای عموی رسول خدا و ای شیر رسول خدا ﷺ، یا حمزه. ای انجام دهنده کارهای خیر، ای برطرف کننده غم‌ها، ای کسی که فدایی رسول خدا ﷺ بودی!

گریه بر شهید، سنت نبوی

رسول خدا ﷺ در بازگشت از أحد صدای گریه را از خانه‌های مردم مدینه بر شهدای احد شنیدند و از کنار خانه‌های انصار عبور می‌کردند که صدای بکاء و نوحه بر کشته‌گان خودشان را شنیدند. چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پر از اشک شد و فرمودند: عمویم حمزه گریه کن ندارد. و چون سعد بن معاذ و أسید بن حضیر به خانه‌های بنی عبد الأشهل بازگشتند زنانشان را امر کردند تا غم و اندوه خود را در سینه‌ها حبس کنند و ابتدا برای عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عزاداری کنند^۱. از آن به بعد کسانی که سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده بودند قبل از گریه بر هر شهیدی اول برای حمزه عزاداری می‌کردند. هیچ زنی از انصار بعد از شنیدن فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: عمویم حمزه گریه کن ندارد، بر مرده‌ای گریه نمی‌کرد، مگر این‌که اول برای حمزه عزاداری می‌کرد^۲. ابن کثیر می‌گوید: تا به امروز زنان انصار

۱. شرح مسند أبي حنيفة، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۰، السیره النبویه لابن هشام، ج ۳، ص ۶۱۳، الثقات، ج ۱، ص

۲۳۴، البدایه والنهایه، ج ۴، ص ۵۴ و ۵۵

۳. مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۱۲۶. فلم تیک امرأه من الأنصار علی میّت بعد قول رسول الله ﷺ

پیش از گریه بر مردگان خویش، نخست بر حمزه می‌گریند.

اشک و اندوه بر امام حسین علیه السلام

کرده‌ام نذر که عمری ز غمت گریه کنم
گر دل سوخته‌ای لطف به من کرده خدا
گاه در ماتم تو بر سر و بر سینه زخم
منم آن سائل در مانده که با دست تهی
به غبار حرم کربلایت سوگند
کاش آیی دم مردن به سر بالینم
همه شب گفت «وفایی» سر سجاده اشک
آه از دل کشم و از اَلَمَت گریه کنم
بهر آن است که سوزم ز غمت گریه کنم
گاه بنشینم و زیر علمت گریه کنم
در دل شب به امید کرمت گریه کنم
دوست دارم که شبی در حرمت گریه کنم
تا نَهَم صورت خود بر قدمت گریه کنم
کی شود در حرم محترمت گریه کنم^۱.

لکن حمزه لایوکی له إلى اليوم إلا بدأت البكاء على حمزه.
۱. سید هاشم وفایی.

فصل ششم: دسته‌های عزاداری

یکی دیگر از جلوه‌های عزاداری برای امام حسین علیه السلام به راه انداختن دسته‌ها و هیئت‌های عزاداری است.

جواز فریاد زدن بر علیه ظالم در قرآن

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»^۱. خداوند دوست ندارد بلند کردن صدا به بدگویی از دیگران را مگر در صورتی که مظلوم واقع شده و مورد ستم قرار گرفته است و خداوند شنوای بیناست.

مفسرین در تفسیر این آیه گفته‌اند: خدا دوست نمی‌دارد سخن زشت با صدای بلند گفتن را، اما اگر کسی مورد ظلم شخصی یا اشخاصی قرار گرفته، می‌تواند در خصوص آن شخص و یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفته، سخن زشت و با صدای بلند بگوید و می‌تواند با صدای بلند ظلم کردن ظالم را بگوید و

صفات بدی از او را به زبان آورد که ارتباط با ظلم او دارد^۱.

نکته‌ها:

این آیه به مظلوم، اجازه دادخواهی و فریاد می‌دهد و در تعبیر «مَنْ ظَلِمَ» چند احتمال است:

۱. به معنای «مَمَّنْ ظَلِمَ» باشد، یعنی فریاد زدن کسی که مورد ظلم قرار گرفته، جایز است.

۲. به معنای «لَمَنْ ظَلِمَ»، یعنی فریاد به نفع مظلوم، هر چند خودش مظلوم نباشد.

۳. به معنای «عَلَى مَنْ ظَلِمَ»، یعنی فریاد اعتراض‌آمیز به مظلومی که ساکت نشسته و ذلت می‌پذیرد. البته احتمال اول، نزدیک‌ترین احتمال است.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: کسی که افرادی را مهمان کند، ولی از آنان به صورت ناشایست پذیرائی کند، از کسانی است که ستم کرده و بر مهمان باکی نیست که درباره‌ی او چیزی بگویند^۲.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

پیام‌ها:

۱. قانون کلی و اصلی، حرمت افشاگری و بیان عیوب مردم است، مگر در

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۰۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۹.

- موارد خاص. «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ»
۲. نشانه‌ی جامعه اسلامی آن است که مظلوم بتواند با آزادی کامل، علیه ظالم فریاد بزند. «الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»
 ۳. غیبت مظلوم از ظالم جایز است. «الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»
 ۴. اسلام، حامی ستمدیدگان است. «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»
 ۵. سوء استفاده از قانون ممنوع است. ستمگران بدانند که حرمت غیبت، راه ستمگری را برایشان نمی‌گشاید. «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»
 ۶. تنها مظلوم، اجازه‌ی غیبت از ظالم را دارد، آن هم در مورد ظلم او، نه عیوب دیگرش. «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»
 ۷. ظالم، در جامعه‌ی اسلامی احترام ندارد، باید محکوم و به مردم معرفی شود.
 ۸. در ترازم ارزش‌های انسانی، باید اهم و مهم رعایت شود. ارزش دفاع از مظلوم، بیش از ارزش حیا و سکوت است^۱.

مهم‌ترین مصداق فریاد بر علیه ظالم

بدون تردید یکی از مصداق فریاد بر علیه ظالم، حرکت دسته جات و هیئات عزاداری است که این حق را دارند بر علیه ظالم و به نفع مظلوم فریاد زده و سر و صدا راه بیان‌ازند و چه مظلومی برتر و بالا تر از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام.
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: بَلَّغْنِي

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۷.

أَنَّ قَوْمًا يَأْتُونَهُ مِنْ تَوَاجِي الْكُوفَةِ وَ نَاسًا مِنْ غَيْرِهِمْ وَ نِسَاءً يَتُدَبَّنَهُ وَ ذَلِكَ فِي النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَمِنْ بَيْنِ قَارِيٍّ يَقْرَأُ وَ قَاصِّ يَقْصُّ وَ نَادِبٍ يَنْدُبُ وَ قَائِلٍ يَقُولُ الْمَرَاثِي فَقُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا تَصِفُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ إِلَيْنَا وَ يَمْدَحُنَا وَ يَرْثِي لَنَا.

امام صادق علیه السلام به عبد الله بن حماد بصری فرمودند:

به من خبر داده‌اند که از نواحی کوفه گروهی از غیر اهل کوفه به زیارت امام حسین علیه السلام روانه می‌شوند و بر آن حضرت ندبه و زاری نموده‌اند و این زیارت در نیمه شعبان صورت گرفته، از این گروه بعضی به قرائت قرآن مشغول بوده و برخی قضایا و حوادث واقعه کربلاء را برای دیگران بازگو کرده و جماعتی به ندبه و زاری سرگم شده و پاره‌ای به خواندن مرثی مبادرت نموده‌اند.

عرض کردم: بلی فدایت شوم من شاهد برخی از این توصیفات می‌فرمائید بوده‌ام.

حضرت فرمودند: حمد و سپاس خدائی را که در میان مردم گروهی را قرار داده که به طرف ما کوچ و سفر کرده و مدح و مرثی ما را می‌گویند.

حضور امام زمان علیه السلام در دسته های عزاداری

مرحوم سید بحر العلوم رحمته الله که از علمای بزرگ و از اجداد حضرت آیت الله بروجردی رحمته الله بودند، روز عاشورایی با عده ای از طلاب از کربلا به استقبال دسته ی سینه زنی طُورِج می‌روند ، ناگهان طلاب می‌بینند مرحوم سید بحر العلوم با آن

عظمت و مقام شامخ علمی، عمامه و عبا را کنار انداخت و مانند سایر سینه زن‌ها خود را میان عزاداران و سینه زنان انداخته و به سر و سینه می‌زند. طلابی که با معظم له به استقبال آمده بودند هر چه می‌کنند که مانع از آن همه احساسات پاک بشوند میسر نمی‌گردد، بالاخره عده ای از طلاب برای حفظ سید بحرالعلوم اطاف ایشان را می‌گیرند که مبادا زیر دست و پایافتد و ناراحت شود، تا اینکه بعد از اتمام برنامه ی سینه زنی، بعضی از خواص از آن بزرگوار می‌پرسند چگونه شد که شما بی اختیار وارد دسته ی سینه زنی شدید و آن گونه مشغول عزاداری شدید؟ سید می‌فرماید: وقتی به دسته ی سینه زنی رسیدم، دیدم حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام با سر و پای برهنه میان سینه زنها به سر و سینه می‌زنند و گریه می‌کنند، من نتوانستم طاقت بیاورم لذا از خود بی خود شدم و خدمت حضرتش مشغول سینه زدن گردیدم^۱.

آثار و برکات دسته های عزاداری

۱. ترویج مبارزه با ظلم و ظالم

حرکت دسته‌های عزاداری و سر دادن ندای یا حسین! یا حسین! تاثیر فراوانی در نور بخشی و تظاهر به مبارزه علنی با دشمنان دین دارد. به همین خاطر دشمنان دین در هر زمانی که روی کار می‌آمدند با خروج دسته‌های عزاداری مخالفت می‌کردند. مانند: ممانعت و مخالفت رضا خان پهلوی در ایران و حزب بعث در

۱. کرامات الحسینیة، ج ۲، ص ۲۱۶.

عراق با خروج دسته جات عزاداری.

۲. برطرف نمودن آلودگی های معنوی

حرکت هیئت ها و موکب های عزاداری در کوچه و خیابان ها مانند آب بارانی است که آلودگی های معصیت و پلیدی گناهان و ردائل اخلاقی را شسته و فضای جامعه را پاک می سازد.

۳. ترویج معارف بلند اهل بیت علیهم السلام

از برکات دسته جات عزاداری، منتشر نمودن عالی ترین فضائل و کمالات اهل بیت علیهم السلام در قالب شعارهای زیبا و اشعار پر محتوا که با شور و شعور و معرفت همراه است.

۴. درمان دردها و بیماری ها

حرکت دسته جات اهل بیت علیهم السلام معارف دین را به مناطق و مکان هایی که دور از مساجد و حسینیه ها است نیز منتقل می سازد و شفا بخش بیماری های جسمی و روحی است و مانند: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ^۱» عمل می کند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸: اشاره است به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: طیبی است که همراه با طبش در میان مردم می چرخد، مرهم های خویش را محکم و آماده ساخته، و ابزارهایش را برای سوزاندن زخم ها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد برای کوردلان، و گوش های کر، و زبان های لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماری های غفلت، و دردهای حیرت است.

۵. عامل بقاء مکتب

حضرت امام خمینی علیه السلام می‌فرمودند: ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتند، باشیم تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سید الشهداء علیه السلام است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است؛ زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید. این خون سید الشهداء است که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دستجات عزیز عاشوراست که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. در این امر، سستی نباید کرد.^۱

شیعه را با محرم و صفر شناختم

یکی از خطبای مشهور^۲ نقل می‌کرد: در ایام حج با یک مصری آشنا شدم و با هم صحبت می‌کردیم. به او گفتم: شیعه را می‌شناسی؟ گفت: آری! پرسیدم: شیعه را چگونه شناختی؟ با چه نشانه و علامتی با شیعه آشنا شدی؟ گفت: با محرم! چرا

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

۲. حجة الاسلام والمسلمین پناهیان.

که شیعیان در ماه محرم خیلی سر و صدا می‌کنند (دسته راه می‌اندازند و فریاد می‌زنند).

حرکت دسته جات و هیئات در روز عید غدیر

فرزند مرحوم علامه امینی رحمته الله از قول پدرشان نقل می‌کردند: عالمی سنی به من گفت: چرا شما روز عاشوراء این همه سر و صدا راه می‌اندازید؟ ایشان فرموده بودند: اگر در غدیر خم دسته راه می‌انداختیم و سر و صدا ایجاد می‌کردیم، عاشورا به وجود نمی‌آمد حالا که به وجود آمد آن قدر فریاد می‌زنیم و سر و صدا راه می‌اندازیم تا دیگر چنین اتفاقی نیفتد و صدای مظلومیت خود و اهل بیت را به این وسیله به گوش جهانیان می‌رسانیم.

امروزه در برخی بلاد و شهرستان‌ها در روز عید غدیر نیز هیئات مذهبی با شکوه خاص، در قالب کاروان‌های جشن و شادی و با ندای «یا علی مولا» حرکت نموده و فریاد مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام را با صدای رسا و بلند مطرح می‌نمایند.

نکته‌های قابل توجه

حرکت دسته جات عزاداری همراه با هدفی مقدس و اخلاص تمام باشد و نباید باعث ایجاد مزاحمت برای مردم، بسته شدن راه‌ها و خیابان‌ها و مسدود شدن آن شود. مختصر و مفید باشد و تا نیمه‌های شب ادامه پیدا نکند. از کارهایی که باعث چشم و هم چشمی و رقابت می‌شود پرهیز شود. از تعصبات هیئتی، محله‌ای، قبیله‌ای، محله بالا و محله پایین و ... به شدت دوری شود.

عالم اندر غم تو غرق عزا می‌بینم

همه جا شور عزای تو به پا می‌بینم
 همه جا نام دل آرای تو را می‌شنوم
 در هوای تو چنان دیده‌ی دل صافی شد
 هر کجا زمزمه‌ی آب روان می‌شنوم
 خیمه‌گاهت به لب آب و تو اندر تک و پو
 تو خلیلی و ذبیح‌اللهت اکبر باشد
 تو حسینی و محمد، تو حسینی و علی
 تو حسینی و حسن هستی و زهرایی تو
 روی خورشید تو و ماه بنی هاشم را
 عجب از عشق تو دارم که به دریای بلا
 تا شود منتشر اسرار شهادت همه جا

عالم اندر غم تو غرق عزا می‌بینم
 جلوه‌ی روی تو را در همه جا می‌بینم
 هر کجا می‌نگرم کرب و بلا می‌بینم
 در خیالم لب عطشان تو را می‌بینم
 کعبه و زمزم از این مروه صفا می‌بینم
 کربلای تو چنان کوه منا می‌بینم
 بر رخت هاله‌ای از نور خدا می‌بینم
 خیمه‌ات جلوه‌گه آل عبا می‌بینم
 جمع بین قمر و شمس و ضحی می‌بینم
 بر لب تشنه‌ی تو حمد و ثنا می‌بینم
 زینب آواره چنین با اسرا می‌بینم^۱

فصل هفتم: توسل به امام حسین علیه السلام

یکی از برنامه‌های مجالس اهل بیت علیهم السلام به صورت عام و مجالس امام حسین علیه السلام به صورت خاص، توسل به حضرت اباعبدالله الحسین و دیگر اهل بیت علیهم السلام است.

فریاد «یا حسین» دو معنا دارد:

۱. ندا و صدا زدن با حرف ندا، مانند یا حسین! و یا با ندبه، مانند: واحسینا. آن حضرت را مورد تکلم قرار داده و مورد ندای خود قرار می‌دهیم. همان گونه که حضرت زینب علیها السلام در گودی قتلگاه فریاد می‌زند: یا رسول الله! یا جداه!

۲. توسل است یعنی ای امام حسین کمکم کن. حاجتم را بده. به فریادم برس!

توسل به بزرگان دین که صاحب کرامت و شفاعت هستند چگونه است و چه حکمی دارد؟

توسل در قرآن

خداوند متعال در قرآن از قول برادران یوسف، آن هنگام که خدمت پدر خویش حضرت یعقوب رفته و متوجه اشتباه و خطای فاحش خود شدند چنین نقل می‌کند: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»^۱. ای پدر برای گناهان ما آموزش بخواه که ما خطا کار بوده ایم.

نکته‌های قابل توجه

۱. توسل به اولیای خداوند جایز است. «یا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا»
۲. دعای پدر تأثیر ویژه‌ای دارد. «یا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا»
۳. برای توبه و توسل هیچ گاه دیر نیست و در هر زمان و مکانی جایز است. «اسْتَغْفِرْ لَنَا»
۴. اعتراف به گناه و خطا زمینه آمرزش است. «إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»
۵. در استجاب دعا و توسل به اولیای الهی صبور باشیم. «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ»^۲.

تأیید توسل توسط خداوند

پس از درخواست برادران یوسف که متوسل به پدر شده و او را شفیع خود قرار دادند، حضرت یعقوب علیه السلام نیز فرمودند: «قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ»

۱. یوسف/۹۷.

۲. تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۸۴.

الرَّحِيمِ»^۱. به زودی برای شما طلب آمرزش خواهم کرد که او آمرزنده و مهربان است. بنابر این اگر توسل غلط بود، نه حضرت یعقوب عليه السلام قبول می‌کرد و نه خداوند تأیید می‌کرد. اگر توسل جایز نبود، لازم بود یعقوب به فرزندانش بگوید از خود خدا طلب آمرزش بخواهید نه از من! برادران یوسف هم می‌دانستند پدرشان پیغمبر است و نزد خدا آبروی ویژه ای دارد، به او متوسل شده و او را شفیع در خانه خدا قرار دادند.

آیات دیگری در باب توسل

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا به ترسید و وسیله‌ای برای تقرّب به خدا انتخاب کنید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَعْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾^۳. هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به توفیق الهی از او اطاعت و پیروی کنند و اگر آنان که به خود ظلم و ستم کرده و گناه نموده اند نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و رسول ما هم برای او طلب آمرزش می‌نمود به یقین خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.

۱. یوسف/۹۸.

۲. مائده/۳۵.

۳. نساء/۶۴.

نظر علمای اهل سنت درباره توسل

سمهودی از علمای اهل سنت در کتاب وفاء الوفاء می‌نویسد: مدد گرفتن و شفاعت خواستن در پیشگاه خداوند متعال از پیامبر اکرم ﷺ و از مقام و شخصیت او هم پیش از خلقت مجاز بوده و هم بعد از تولد و هم پس از رحلتشان و هم در این دنیا و هم در عالم برزخ و هم در روز رستاخیز و بعد روایتی را از خلیفه دوم خودشان نقل می‌کنند که حضرت آدم ﷺ متوسل به پیامبر اکرم ﷺ شد.

توسل شافعی پیشوای اهل سنت

ابن حجر مکی در کتاب صواعق نقل می‌کند امام شافعی به اهل بیت رسول خدا ﷺ متوسل می‌شد و چنین می‌سرود:

أَلِ النَّبِيِّ ذَرِيعَتِي وَ هَمَّ إِلَيْهِ وَسِيلَتِي
أَرْجُو بَأْنَ أُعْطِيَ غَدَا بِيَدِ الْيَمِينِ صَحِيفَتِي^۱

خاندان پیامبر ﷺ وسیله تقرب من به پیشگاه خداوند هستند و امیدوارم که به سبب آن‌ها فردای قیامت نامه عمل مرا در دست راستم قرار دهند.

توسل حضرت آدم به پنج تن و گریه بر امام حسین ﷺ

رَوَى صَاحِبُ الدَّرِّ الثَّمِينِ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾^۲ أَنَّهُ رَأَى سَاقَ الْعَرْشِ وَ أَسْمَاءَ النَّبِيِّ وَ الْأَيْمَةَ ﷺ فَلَقَنَهُ جَبْرَائِيلُ قُلْ يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا

۱. التوصل الى حقيقته التوسل، ص ۳۲۹.

۲. بقره/ ۳۷.

عَالِي بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمِنْكَ
الْإِحْسَانُ فَلَمَّا ذَكَرَ الْحُسَيْنَ سَأَلَتْ دُمُوعُهُ وَانْحَسَعَ قَلْبُهُ وَقَالَ يَا أَخِي جَبْرِئِيلُ فِي ذِكْرِ
الْحَامِسِ يَنْكَسِرُ قَلْبِي وَتَسِيلُ عِبْرَتِي قَالَ جَبْرِئِيلُ وَلَكَ هَذَا يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ تَصْغُرُ
عِنْدَهَا الْمَصَائِبُ فَقَالَ يَا أَخِي وَمَا هِيَ قَالَ يُقْتَلُ عَطَّشَانَا غَرِيبًا وَحِيدًا فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ
نَاصِرٌ وَلَا مُعِينٌ وَلَا تَوَكُّلٌ يَا آدَمُ وَهُوَ يَقُولُ وَاعْطِشَاهُ وَاقْلَةً نَاصِرَاهُ حَتَّى يَحُولَ الْعَطَشُ
بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّمَاءِ كَالَّذِي خَانَ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالسُّيُوفِ وَشَرِبَ الْحُثُوفَ فَيَذْبُحُ دَبْحَ
الشَّاةِ مِنْ قَفَاهُ وَيَنْهَبُ رَحْلَهُ أَعْدَاؤُهُ وَتُسَهَّرُ رُءُوسُهُمْ هُوَ وَأَنْصَارُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَمَعَهُمُ
التُّسُونُ كَذَلِكَ سَبَقَ فِي عِلْمِ الْوَاحِدِ الْمَنَّانِ فَبَكَى آدَمُ وَجَبْرِئِيلُ بُكَاءَ التَّكَلُّمِ.

صاحب کتاب در تفسیر آیه ﴿فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾ روایت می کند

که حضرت آدم علیه السلام نام های مبارک پیغمبر اسلام و امامان علیهم السلام را در عرش دید!
جبرئیل به آن حضرت تعلیم داد تا فرمود:

يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَلِيٌّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ

هنگامی که نام حسین را ذکر نمود اشکهایش جاری و قلب مبارکش شکست.

آن گاه به جبرئیل گفت: چرا وقتی نام پنجمی ایشان را ذکر می کنم قلبم می شکند و
اشکم جاری می شود؟! جبرئیل گفت: این پسر تو دچار يك مصیبتی خواهد شد که
مصائب دیگر در مقابل آن کوچک خواهند بود: حضرت آدم فرمود: چه مصیبتی؟
جبرئیل گفت: حسین در حالی شهید می شود که عطشان، غریب، تنها، بی یاور و
بی معین خواهد بود. ای آدم! اگر تو او را می دیدی و می شنیدی که می گفت: آه از
عطش! آه از بی یآوری! کار تشنگی آن حضرت به جائی می رسد که آسمان به نظرش
مثل دود خواهد آمد. کسی جوابش را نمی گوید مگر با شمشیر، تا این که جرعه

مرگ را بیاشامد. آن حضرت را نظیر گوسفند از قفا سر می‌برند، خیمه‌هایش را به یغما می‌برند، سر مبارک وی و یارانش را در شهرها می‌گردانند، زن و بچه‌هایش را به اسیری خواهند برد. در علم خدا این طور سبقت یافته است. سپس حضرت آدم و جبرئیل نظیر زن جوان مرده گریان شدند.

آب را از نظر خویش فراموش کنید

آب را از نظر خویش فراموش کنید	تشنگان حرم عشق همه گوش کنید
آب را از نظر خویش فراموش کنید	نالای و اعطشا را همه خاموش کنید
کیست این لحظه کند روی به امداد حسین	می‌رسد دم‌به‌دم از علقمه فریاد حسین
آب را از نظر خویش فراموش کنید	خیمه‌ها را همگی جمله سیه پوش کنید
با لب تشنه نگهبان حرم جان داده	جسم عباس علم دار زمین افتاده
آب را از نظر خویش فراموش کنید	می ز جام غم و اندوه و الم نوش کنید
رمق از پیکره ی ظلم و ستم بر گیرد	کیست مردانه چو عباس علم بر گیرد
آب را از نظر خویش فراموش کنید	علم اشک و عزا را همه بر دوش کنید
آب را از نظر خویش فراموش کنید	تشنگان حرم عشق همه گوش کنید
با گل بوسه همه حرمت وی پاس کنید	گل تثار تن صد پاره‌ی عباس کنید
آب را از نظر خویش فراموش کنید	جسم صد پاره‌ی عباس در آغوش کنید

فصل هشتم: شفیع قرار دادن امام حسین علیه السلام

به یقین عزادار امام حسین علیه السلام مشمول شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء و دیگر امامان معصوم علیهم السلام خواهد بود. با توجه به مطالبی که در فصل های گذشته مطرح شد، عزادار امام حسین علیه السلام به دلیل آن که بسیاری از آیات قرآن را عمل نموده است^۱، در صورتی که خطا و لغزشی مرتکب شده می تواند در قیامت از امتیاز شفاعت ایشان بهره مند شده و راهی بهشت گردد.

معنای شفاعت

شفاعت در لغت، به معنای وساطت و میانجی گری است. به وساطت و میانجی گری شخص مورد اعتماد در نزد بزرگی، به منظور عفو مجرمی یا برآوردن حاجت کسی، شفاعت گفته می شود^۲.

۱. مانند عمل نمودن به این آیات: یاد نمودن از بزرگان دین، پرداخت اجر و مزد رسالت، تعظیم شعائر الهی، فریاد بر علیه ظالم و به نفع مظلوم و...
۲. المقاییس فی اللغة، ماده شفع، ج ۳، ص ۲۰۱؛ مفردات راغب اصفهانی، ص ۲۶۳؛ فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۳، ص ۴۵.

شفاعت در اصطلاح مذهبی به معنای کمک کردن اولیای خدا، پیامبران، امامان و مردم صالح برای نجات افرادی است که در طول زندگی مرتکب لغزش‌هایی شده‌اند. البته کمک به نجات افراد گناه کار دو صورت دارد: یک شکل آن به اصطلاح پارتنی بازی و ظلم و ستم و تبعیض نارواست و شکل دیگر آن یک نوع درس تربیت، روزنه امید و وسیله تکامل می باشد.

اگر افرادی که مورد شفاعت واقع می شوند هیچ گونه شایستگی نداشته باشند، و در عین حال به آن‌ها بدون جهت کمک شود و بر دیگران مقدم گردند، این کار یک نوع تبعیض ناروا و تشویق مردم به گناه است. این همان شفاعت غلط و نارواست و عقل و خرد و شرع آن را محکوم می کند. ولی اگر بعضی از گناه کاران به خاطر پیوندهای معنوی که با خدا داشتند و به خاطر ارتباط ایمانی که با اولیای پروردگار برقرار ساخته بودند مورد کمک شفیعان روز رستاخیز قرار گیرند، در این صورت نوید شفاعت نه تنها موجب تشویق و مستلزم تبعیض ناروا نیست، بلکه عین عدالت و وسیله تربیت و بازگشت افراد گناه کار از نیمه راه است. همان طور که در قرآن مجید بیان شده، شفاعت اولیای خدا به اذن پروردگار است و تا اجازه خدا نباشد هیچ کس نمی تواند شفاعت نماید.

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾^۱. در آن روز شفاعت هیچ کس سود نخواهد داشت، جز آن کس که خدای رحمان به او اجازه شفاعت دهد و از گفتار او راضی باشد.

بدیهی است که اذن خدا بی جهت و بدون حکمت نخواهد بود و شامل حال

کسانی می شود که برای عفو و اغماض شایستگی دارند. بنابراین نوید شفاعت با این شرط هشدار است به افرادی که گاهی مرتکب گناه می شوند که به هوش باشند و هر چه زودتر از ادامه گناه باز گردند و همه پیوندها را پاره نکنند و پرده ها را ندرند و از شعاع شفاعت دور نگردند که در غیر این صورت، راه نجاتی برای آنان نخواهد بود. تجربه نشان داده است که اگر روزنه امیدی به روی افراد مجرم گشوده شود و احساس نمایند که اگر در برنامه غلط ناروای خود تجدید نظر کنند، راه نجاتی برای آنها هست، در این صورت بسیاری از آنان از بیراهه به راه باز می گردند. در قوانین جزایی و کیفری جهان، قانونی به نام عفو زندانیان و مجرمان بزرگ و محکومان به حبس ابد وجود دارد تا روزنه امیدی برای این افراد باز شود و در برنامه زندگی خود تجدید نظر نمایند. شفاعت درباره افراد لایق و شایسته جز روزنه امید برای امکان تجدید حیات دینی و اخلاقی، چیزی نیست و مخصوص کسانی است که روابط خود را با خدا و اولیای دین حفظ کرده اند ولی کسی که دارای اعمال نیک نبوده و از ایمان به خدا بهره نداشته باشد و عمری در گناه و فساد به سر برده است هرگز مشمول شفاعت نخواهد بود^۱.

در آیات و روایات، برای هیچ فرد یا گروهی تضمین نشده است که حتماً مورد شفاعت قرار می گیرند؛ بلکه صفات و ویژگی های کلی کسانی که از این نعمت بهره مند و یا محروم اند، بیان شده است. به عنوان مثال شفاعت، شامل برخی از مجرمین و تارکان نماز و تکذیب کنندگان قیامت نخواهد شد. ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ

۱. به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیه الله مکارم شیرازی مد ظله العالی.

الشَّافِعِينَ^۱. در این روز شفاعت شفاعت‌کنندگان به حال آن‌ها سودی نخواهد داشت.

نظر علمای اهل سنت در مورد شفاعت

مسئله جواز توسل و شفاعت در بسیاری از کتب و تفاسیر اهل سنت آمده است^۲، اما گروهی از وهابیت تکفیری با خواندن قسمتی از آیات قرآن ﴿مَا مِنْ شَفِيعٍ﴾ و حذف قسمت دیگر ﴿إِلَّا مَنْ بَعْدَ إِذْنِهِ﴾^۳، منکر موضوع مهم شفاعت می‌شوند. مانند کسی که آیه ﴿كُلُّوا وَ اشْرَبُوا﴾ را می‌خواند و عمل می‌کند، اما قسمت بعدی را ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^۴ را نمی‌خواند.

از میان صدها روایتی که اهل سنت در خصوص شفاعت نقل کرده اند به یک نمونه اشاره می‌شود: در کتاب «سنن دارمی» آمده است: قال النبي ﷺ: «لكل نبي دعوة و ارید ان شاء الله تعالى ان اختبأ دعوتي شفاعه لآمتي يوم القيامة؛ پیامبر ﷺ فرمودند: برای هر پیامبری دعایی است. اگر خدا بخواهد می‌خواهم دعایم را برای شفاعت کردن امت خود در روز قیامت نگه دارم.^۵

۱. مدثر/۴۸.

۲. فخر رازی از علمای بزرگ اهل سنت، می‌گوید: «أَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ شَفَاعَةَ فِي الْأَخِرَةِ» امت اسلام اجماع دارند که در آخر برای پیامبر ﷺ حق شفاعت است (تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۵۵).

۳. یونس/۳: هیچ کس نمی‌تواند شفاعت کند مگر بعد از اذن خدا

۴. اعراف/۳۱: و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.

۵. سنن دارمی، ج ۲، ص ۳۲۸.

در کتب معتبر شیعه نیز روایات فراوانی در خصوص شفاعت از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نقل شده است.

شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

دَعِبِلْ بِنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا لُهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُكْرَمِ لِدَرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي وَ الْقَاضِي لُهُمْ حَوَائِجُهُمْ وَ السَّاعِي لُهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لُهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ^۱.

دعبل خزاعی گوید: حضرت رضا علیه السلام از پدر و اجدادشان از علی علیه السلام نقل فرموده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چهار گروه در قیامت هستند که من شفیع آنان خواهم بود: ۱. کسی که بعد از من فرزندانم را اکرام و احترام نماید، ۲. کسی که حاجت‌های آنان را برآورده سازد، ۳. کسی که در موقع ناچاری و گرفتاری ایشان، در کمک به ایشان کوشا باشد، ۴. کسی که با دل و زبان آنان را دوست بدارد.

و در روایتی دیگر فرمودند: مَنْ كَذَّبَ بِشَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ تَنْلُهُ^۲. هر کس شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را منکر باشد و تکذیب کند مشمول آن نخواهد بود (یعنی منکر شفاعت پیغمبر شفاعت نمی‌شود).

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۶.

همه محتاج شفاعت هستند

عن الباقر عليه السلام: مَا أَحَدٌ مِنَ الْأُولَيْنِ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيَّ شَفَاعَةً مُحَمَّدٍ عليه السلام يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ عليه السلام الشَّفَاعَةَ فِي أُمَّتِهِ وَ لَنَا الشَّفَاعَةَ فِي شِيعَتِنَا وَ لِشِيعَتِنَا الشَّفَاعَةَ فِي أَهَالِهِمْ^۱.

امام محمد باقر عليه السلام در پاسخ به ابو ایمن فرمودند: هیچ کس، از اولین و آخرین، نیست مگر آن که در روز قیامت به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله نیازمند است. سپس فرمودند: همانا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امتش شفاعت است و برای ما در حق شیعیانمان شفاعت است و برای شیعیانمان در حق اهل و خاندانشان شفاعت است.

شفاعت زائر امام حسین عليه السلام

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ طُوسٍ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ لَهُ يَا طُوسِيُّ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُفْتَرِضُ الطَّاعَةِ عَلَى الْعِبَادِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ قَبِلَ شَفَاعَتَهُ فِي خَمْسِينَ مُذْنِبًا وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةً عِنْدَ قَبْرِهِ إِلَّا قَضَاهَا^۲.

عبد الله بن فضل بن هاشم روایت کرده است که گفت: نزد امام صادق عليه السلام بودم که مردی

۱. البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۵۲۰.

۲. تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۰۸.

از اهل طوس وارد شد و از آن حضرت سوال کرد: ای فرزند رسول خدا؛ کسی که قبر مبارک امام حسین علیه السلام را زیارت کند چه پاداشی خواهد داشت؟ امام به او فرمودند:؛ کسی که به زیارت قبر ابوالفضل علیه السلام برود و او را بشناسد که امام واجب الاطاعه است یعنی خداوند بر همه بندگان واجب کرده که از او فرمانبرداری کنند، خدا گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد، و شفاعت او را در مورد پنجاه گنه کار می پذیرد، و در کنار قبر مبارک حاجتی را از خدا درخواست نمی کند مگر آن که برای او برآورده می کند.

فصل نهم: تبرک جستن به نشانه‌های حسینی

یکی از برنامه‌های مجالس حسینی، «تبرک جویی» عزاداران امام حسین علیه السلام به مجالس حسینی، کتیبه‌ها و پرچم‌های عزاداری، تربت مقدس کربلا، پذیرایی‌های مجالس حسینی و هر آن چه که نشانه‌ای از امام حسین علیه السلام داشته باشد است. حکایت‌ها و قضایایی که عزاداران امام حسین علیه السلام، حتی غیر مسلمانان با تبرک به نشانه‌های حسینی از بیماری‌های صعب‌العلاج نجات یافته و شفاء گرفته‌اند آن قدر فراوان، مسلم و مشهور است که جای بیان آن نیست.

«تبرک» عملی دینی، به معنای درخواست خجستگی، میمنت و نوعی طلب التفات و لطف از خداوند یا اشخاصی مقدس است که نزد خدا احترامی خاص دارند. موضوع تبرک می‌تواند انسان، مانند: پیامبران، امامان و اولیاء الهی و یا اشیاء و اماکنی مانند قرآن، خانه کعبه یا حرم‌های اهل بیت علیهم السلام باشد.

معنای لغوی و اصطلاحی تبرک

تبرک، از ریشه «ب ر ک» است و به معنای خیر کثیر و فزونی، سعادت و ثبات،

نزدیکی و قرابت، فایده پایدار و ماندگار بیان شده است. وقتی این ماده به مصدر باب تفعّل «تبرک» برده می‌شود، به معنای تَيْمَن و مبارک شمردن به کار می‌رود^۱. و در اصطلاح دینی، تبرک عبارت است از طلب برکت و خیر از خدا یا انسان و شیئی که خدا امتیاز ویژه‌ای به او بخشیده است؛ خواه برکت دنیوی باشد، مانند افزایش روزی، خواه اخروی، مانند علو درجات در آن دنیا؛ هم چنین برکت می‌تواند مادی باشد یا معنوی^۲.

مؤمن در عمل برکت سعی دارد به واسطه آثار برکت بخش، از فیض و قدرت الاهی بهره‌مند شود. برکت عطیه‌ای الاهی است و عبارت است از احسان و منفعتی مادی یا معنوی که از رحمت الاهی نشأت می‌گیرد.

تبرک جویی حضرت یعقوب به پیراهن یوسف

خداوند متعال در قرآن حکایت تبرک جویی حضرت یعقوب به پیراهن یوسف عليه السلام و شفا گرفتن از آن را این چنین نقل می‌کند:

هنگامی که یوسف از نابینایی پدرش با خبر شد به برادران خود گفت: ﴿اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْتَوَهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بِصِيرًا﴾^۳. پیراهن مرا برای پدرم ببرید و آن را روی صورتش اندازید تا دیدگانش بینا شود.

﴿فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ آثَاءَ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَازْتَدَّ بِصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ

۱. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۵ و مفردات راغب، ص ۴۴، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۰، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۹۶، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۳۰۲.

۳. سلفی گری و پاسخ به شبهات، ص ۴۳۴.

۴. یوسف/۹۳.

اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۱». هنگامی که قاصد آمد و پیراهن را بر چهره یعقوب انداخت ناگهان بینا شد و گفت: آیا به شما نگفتم چیزهایی از لطف خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید؟.

پیراهن یوسف در دست امام زمان علیه السلام

مفضّل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: آیا می‌دانید که پیراهن یوسف چه بود؟ گفتم: خیر، فرمودند: چون آتش برای ابراهیم افروخته شد، جبرئیل برایش یک جامه بهستی آورد و بر او پوشانید و به واسطه آن سرما و گرما بر وی زیان نمی‌رسانید و چون مرگ ابراهیم علیه السلام فرا رسید آن را در بازوبندی نهاد و به اسحاق داد، اسحاق نیز آن را به یعقوب داد و هنگامی که یوسف به دنیا آمد، یعقوب آن را به یوسف داد و آن در بازوی وی بسته بود تا کارش بدان جا کشیده شد و چون یوسف آن پیراهن را از میان آن بازوبند بیرون کشید، یعقوب رائحه آن را استشمام کرد و این همان قول خدای تعالی است که می‌فرماید: ﴿إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ لَوْلَا أَن تَقْنَدُونِ﴾^۲ و آن این پیراهن بود که از بهشت آمده بود. راوی می‌گوید: گفتم فدایت شوم آن پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمودند: هر پیامبری که علمی یا چیز دیگری را به ارث برد همه به محمّد و آل محمّد علیهم السلام رسید.^۳ در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حضرت قائم علیه السلام با همین پیراهن قیام می‌کند^۴

۱. همان/۹۶.

۲. همان/۹۵.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

از برخی علما نقل شده (با توجه به آن که تمام میراث انبیاء الهی در دست امام وقت است)، آن پیراهنی که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از حضرت زینب علیها السلام در خواست و بر تن نمودند، همین پیراهن یوسف بوده است.

علمای اهل سنت نیز روایتی را نقل می‌کنند که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در جنگ خیبر دچار چشم درد شدیدی شدند و به برکت لمس کردن چشمان ایشان توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شفا یافته و دیگر گرفتار چشم درد نشدند.^۱

تبرک جویی بنی اسرائیل به تابوت حضرت موسی

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲.

پیامبرشان به آن‌ها گفت: نشانه فرمانروایی او این است که صندوقی که آرامشی از پروردگارتان و باقیمانده‌ای از آن چه خاندان موسی و هارون به یادگار گذاشته و فرشتگان آن را حمل می‌کنند، به سوی شما آید. در این موضوع نشانه روشنی برای شماست، اگر ایمان داشته باشید.

«تابوت» در لغت به معنای صندوق چوبی است و طبق روایات اهل بیت علیهم السلام، همان صندوقی است که مادر موسی علیه السلام او را در آن گذاشت و به دریا افکند که در دستگاه فرعون و سپس نزد یهودیان نگه‌داری می‌شد و موسی علیه السلام، در واپسین روزهای عمر خویش، لوح‌های مقدس تورات را، که احکام خدا در آن‌ها نوشته

۱. ینابیع المودّة، قندوزی حنفی، ص ۲۸۶.

۲. بقره/۲۴۸.

شده بود، در آن صندوق گذاشت؛ از این رو این صندوق اهمیت ویژه‌ای در نزد یهودیان یافت، و آثار معنوی و روانی خاصی بر آن‌ها داشت به طوری که به آن تبرک می‌جستند و حتی در جنگ‌ها آن را با خود می‌بردند.^۱

تبرک جویی در کتب فقهی

در کتب فقهی، طلب برکت از آن چه از نظر شرع، دارای قداست و احترام است، جایز و بلکه راجح و مستحب است. برای نمونه، تبرک جستن به نام ائمه اطهار علیهم‌السلام با نوشتن این نام‌ها بر کفن و نام گذاری فرزندان به نام ایشان، تبرک به مشاهد مشرفه و تربت قبور معصومین، و قرار دادن تربت در قبر به قصد تبرک، تبرک به قرآن با نوشتن آیات قرآنی بر کفن و مسّ کلمات و حروف آن مستحب است.^۲

تبرک در مذاهب اهل سنت

احمد بن حنبل، تبرک به منبر و قبر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بوسیدن آن را جایز می‌داند.^۳

برخی از فقهای شافعی همانند رملی شافعی، لمس قبر نبی، ولی یا عالم دینی و نیز سردرهای ورودی قبر اولیا و بوسیدن آن را به قصد تبرک بی اشکال

۱. مراجعه کنید به کتب تفسیری معتبر، ذیل همین آیه.

۲. فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۳۳۵ و جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۲۵ الی ۲۴۱ و مصباح الهدی، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳. العلل و معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۹۲، شماره ۳۲۴۳.

دانسته‌اند. محب‌الدین طبری شافعی نیز مس‌قبر و بوسیدن آن را جایز و موافق باسیره‌علماء و صالحان شمرده است. زرقانی مالکی معتقد است بوسیدن قبر رسول اکرم به قصد تبرک ایرادی ندارد.^۱

سُبکی عالم اهل سنت معتقد است: بر اساس دین و سیره سلف صالح، حتی تبرک به برخی از اموات صالح نیز جایز است. وی هم چنین می‌گوید برکت‌جویی به قبور انبیای سابق و صالحان همواره سیره‌علماء و مسلمانان بوده است.^۲

تبرک نه بدعت، بلکه سنت است

وهابیت تکفیری که تنها تفکر باطل خود را معادل اسلام می‌داند، تبرک را شرک، بدعت و نوعی عبادت و پرستش معرفی می‌کند، در حالی که عبادت عملی است که به نیت پرستش در برابر شخصی یا چیزی انجام پذیرد و عبادت‌کننده به نوعی معتقد به ربوبیت و تاثیرگذاری عبادت‌شونده است. اما کسی که درصدد تبرک‌جویی به آثار بزرگان دین بر می‌آید این افراد را دارای مقام‌خدایی و الوهیت نمی‌داند و در تبرک‌جویی قصد عبادت ندارد. بنابراین عمل او مصداق عبادت نیست تا با توحید عبادی منافات داشته و شرک یا غلو آمیز محسوب شود. برخی وهابی‌ها نیز حکم تبرک را تنها در زمان حیات انبیاء (مانند تبرک‌جویی حضرت یعقوب) جایز دانسته و یا تنها اختصاص به پیامبر خاتم‌الأنبیاء ﷺ می‌داند، در حالی که در کتاب صحیح بخاری که علمای اهل سنت آن را از معتبرترین کتاب‌های خود

۱. کنزالمطالب، ج ۳۳، ص ۲۱۹ و شرح الزرقانی، ج ۸، ص ۳۱۵.

۲. شفاء السقام، ص ۹۶ و ص ۱۳۰.

می‌دانند، شواهدی تاریخی ذکر شده که تبرک‌جویی همواره پس از وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مورد اهتمام اصحاب و تابعین بوده است.^۱ گذشته از این موارد، بر طبق آیات الهی امام حسین علیه السلام زنده هستند و هرگز نمرده و نمی‌میرند.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۲.

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

و کدام شهیدی با عظمت تر از حضرت سید الشهداء اباعبدالله الحسین علیه السلام اگر همه شهداء زنده هستند، حیات سیدالشهداء چگونه می‌تواند باشد!^۳

خواهرا آن کهنه پیراهن که میدانی بیار

خواهرا در مرگ من افغان مکن شیون مزن
 ای برادر پیش خواهر حرفی از مردن مزن
 خواهرا آن کهنه پیراهن که میدانی بیار
 یوسفا دیگر دم از آن پاره پیراهن مزن
 خواهرا این آخرین بار است میدان می‌روم
 از پی ام بیرون میا حرفی تو با دشمن مزن
 چون که بر روی زمین میافتم اندر قتلگاه

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۶.

۲. آل عمران/۱۶۹.

۳. به نقل از پایگاه دانش نامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم السلام (ویکی شیعه) با اندکی تلخیص و تصرف.

صبر کن، زاری مکن، بر چهره و بر تن مزن
چون به روی سینه ام دشمن نشیند صبر کن
ای برادر آتشم بر جان ازین گفتن مزن
چون سرم را از قفا دشمن کند خواهر جدا
لطمه بر رخسار خود در پیش مرد و زن مزن
صبر کن چون آتش اندر خیمه‌ها می افکند
کودکان را جمع کن یک جا، ولی شیون مزن
زینت آلات زنان را دشمنان خواهند بُرد
دخترانم را طلا بر گوش و بر گردن مزن
خواهرا چون تازیانه میزنندت دشمنان
صبر کن هرگز مگو این ضربه‌ها بر من مزن^۱.

فصل دهم: زیارت امام حسین علیه السلام

یکی از آموزه‌های مهم و اساسی دین مبین اسلام، مسئله زیارت است. در آیات و روایات فراوانی به این موضوع مهم و حیاتی که نقش مؤثری در گرایش جامعه به سبک زندگی اسلامی دارد اشاره شده است. موضوع مهم زیارت در اسلام از حج خانه خدا آغاز شده و با زیارت انبیاء و اولیاء ادامه می‌یابد. زیارت خانه خدا بسیار اهمیت دارد و هر مسلمانی موظف است در صورت توانایی، حداقل یک مرتبه در تمام عمر خود به زیارت خانه خدا برود.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾^۱. به یقین اولین خانه‌ای که برای خلق بنا نهاده شد، خانه کعبه در شهر مکه است که مبارک و خجسته است و برای جهانیان مایه هدایت است. در آن خانه آیات و نشانه‌های روشن (توحید)، و جایگاه عبادت ابراهیم است و هر کس داخل کعبه شود، از هر جهت در امان است و از برای مردم رفتن حج و زیارت خانه کعبه

به امر خدا واجب است، برای کسی که قدرت و توانایی رفتن به آن مکان را داشته باشد.

زیارت خانه خدا و رسول خدا ﷺ

اگر زیارت خانه خدا لازم و واجب است، زیارت رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان نیز لازم است و زیارت بیت الله بدون زیارت اهل بیت ﷺ ناقص و ناتمام است. حضرت امام صادق علیه السلام در این ارتباط فرمودند: إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيُحْتِمِ حَجَّهُ بِزِيَارَتِنَا لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ^۱. هرگاه یکی از شما حج خانه خدا را انجام داد پس باید حج خود را با زیارت ما تکمیل کند، چرا که تکمیل حج به زیارت ما اهل بیت است.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: أَنَّهُ قَالَ: مَنْ حَجَّ بَيْتَ رَبِّي وَلَمْ يُزْنِ فَقَدْ جَفَانِي^۲.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کسی که به حج خانه خدای من برود و مرا زیارت نکند به راستی که در حق من جفا کرده است^۳.

زیارت رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ

زیارت اهل بیت ﷺ جدای از زیارت رسول خدا ﷺ نیست. همان گونه که

۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴، باب ۶۶ أن من تمام الحج لقاء الإمام وزيارة النبي و الأئمة عليهم السلام.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۶.

۳. مرحوم علامه امینی رحمه الله در کتاب شریف الغدير این روایت را از ۱۱ تن از علمای اهل سنت نقل کرده است.

زیارت پامبر اکرم ﷺ جدای از زیارت خانه خدا نیست.

امام حسین علیه السلام از رسول خدا ﷺ پرسیدند: يَا أَبَهُ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ فَقَالَ يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَحَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ^۱.

پدرجان پاداش کسی که به زیارت شما می‌آید چیست؟ حضرت رسول الله الاعظم ﷺ فرمودند: هر کس مرا زیارت کند در حال حیات و بعد از حیاتم یا پدرت و برادرت و خودت را زیارت کند، خداوند تکلیفی بر من قرار داده که روز قیامت به زیارت او بروم و او را از گناهانش خلاص کنم.

زیارت، وفای به عهد و پیمان است

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيَعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَتَمَّتْهُمْ شَفَعَاءُ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲.

برای هر امامی پیمانی است بر گردن دوستان و شیعیانش و وفای کامل به این عهد و پیمان آن است که به زیارت قبور امامانشان بروند. پس هر کس زیارت کند امامان را با رغبت و تصدیق آن چه که به آن رغبت کرده اند، امامان ایشان روز قیامت آنان را شفاعت می‌کنند.

۱. کامل الزیارات، باب ۱۰ و بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۵۹.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، باب زیارة علی بن موسی الرضا علیه السلام، و الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷.

زیارت امام حسین علیه السلام

در بین همه زیارت‌ها، زیارت امام حسین علیه السلام اهمیت فوق العاده ای دارد. صدها حدیث و روایت، آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام، امتیاز سرزمین کربلا و فضیلت زائر امام حسین علیه السلام را بیان کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزُرْ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ لَكَ عليه السلام أَنْ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ^۱.

کسی که تمام عمر به زیارت خانه خدا برود ولی امام حسین علیه السلام را زیارت نکند حقی از حقوق رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم را ترک کرده است چرا که ادای حق امام حسین علیه السلام از جانب خداوند متعال واجب شده است.

جواز زیارت در قرآن

یکی از آیاتی که در قرآن به جایز بودن زیارت اشاره می‌کند، آیه «صلاة الميت» است. در این آیه خداوند متعال به پیامبر خویش می‌فرماید:

﴿وَلَا تَصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ، إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ مَا تُوُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۲.

هرگز بر مرده هیچ يك از منافقان، نماز نخوان! و بر کنار قبر هیچ يك از آنان حاضر نشده آنجا توقف نکن! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و در حالی

۱. کامل الزیارات، ص ۱۲۲.

۲. توبه / ۸۴.

که فاسق بودند از دنیا رفتند.

از این که خداوند می‌فرماید بر سر قبر منافق نایست، مفهوم آن این است که درباره غیر منافق (مؤمنان) این کار خوب و شایسته است. اکنون باید بینیم مقصود از جمله: «وَلَا تُقُمْ عَلَى قَبْرِهٖ» چیست؟ آیا مقصود تنها ایستادن و توقف موقع دفن است که درباره منافق جائز نیست و درباره مؤمن لازم و شایسته می‌باشد؟ مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت آیه را چنین تفسیر نموده‌اند: «وَلَا تُقُمْ عَلَى قَبْرِهٖ» «لِلدَّفْنِ أَوْ لِلزِّيَارَةِ» یعنی بر سر قبر منافق برای دفن یا زیارت او حاضر نشوید^۱.

ترویج زیارت نتیجه سبک زندگی اسلامی

زیارت در سبک زندگی اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، و از مصادیق مودتی به شمار می‌آید که خداوند متعال در قرآن به آن اشاره نموده و فرموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲.

ای پیامبر به مردم بگو: من از شما در مقابل ابلاغ رسالت خود جز مودت (محبت قلبی و عملی) درباره خویشاوندانم مزدی نمی‌طلبم.

بنابراین زیارت از طرفی نشانه مودت به اهل بیت علیهم‌السلام و از طرفی پرداخت اجر و مزد رسالت است. زیارت یعنی قرار دادن امامت در متن زندگی فردی و روابط اجتماعی. زیارت زندگی کردن در کنار امام علیه‌السلام و همراهی با ایشان است، همان

۱. نقدی بر آیین وهابیت، آیه الله سبحانی، ص ۱۰۷.

۲. شوری / ۲۳.

گونه که در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام می خوانیم: **فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ** پس من با شما هستم با شما نه با دشمنان شما.

زیارت امام حسین علیه السلام در ایام خاص

در روایات، توصیه فراوانی به زیارت امام حسین علیه السلام در همه ایام سال و به ویژه ایام خاص شده است. برخی از ایام زیارتی امام حسین علیه السلام عبارت است از: روز عاشوراء، اربعین، نیمه شعبان، اول و پانزدهم ماه رجب، ماه مبارک رمضان به ویژه شب های قدر، شب عید فطر و عید قربان، روز عرفه، شب های جمعه و روزهای جمعه و...

زیارت اربعین

در بین همه ایام زیارتی، زیارت اربعین از ویژگی ها و امتیازات خاصی برخوردار است. امام حسن عسگری علیه السلام زیارت روز اربعین را از نشانه های اهل ایمان شمرده اند^۱.

و رُوِيَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخُمْسِيِّنَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

مؤمن پنج نشانه دارد: ۱. نمازهای پنجاه گانه روزانه (واجب و مستحب) ۲. زیارت اربعین ۳. انگشتر در دست راست نمودن ۴. پیشانی را در سجده بر خاک

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲.

گذاشتن ۵. بسم الله را بلند گفتن در نماز.

اولین زائران امام حسین علیه السلام، کاروان دل سوخته اهل بیت علیهم السلام، امام سجاد، امام باقر علیهما السلام، حضرت زینب کبری و حضرت سکینه و رباب علیهم السلام بودند که این زیارت پس از تحمل مصیبت‌های فراوان و رنج‌های جان سوز اسارت در روز اربعین صورت گرفت. این زیارت برای همیشه ماندگار ماند.

نکته مهم در باره زیارت اربعین (چهلّم) این است که استحباب زیارت اربعین تنها اختصاص به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام دارد، و به غیر از امام حسین علیه السلام، چنین برنامه ای برای هیچ کس حتی برای حضرات معصومین علیهم السلام نیز سفارش نشده است.

راز اربعین حسینی

زیارت اربعین، جامعه اسلامی را برای امر فرج آماده می‌سازد و در زیارت اربعین نیز به این امر مهم اشاره شده است: قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مَتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ^۱.

قلب من تسلیم امر شماست و رأی و نظر من تابع نظر شماست و تا زمانی که خدای متعال اذن فرج را بدهد، آماده یاری نمودن شما هستم.

مقام معظم رهبری مدظله العالی می‌فرماید: زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین توسط خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به شیعیان یاد داد، کربلا محل اجتماع شماست. این جا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی و

هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین باید یادآوری شود.^۱ حضرت آیه الله خامنه ای در بیاناتی دیگر پیرامون زیارت اربعین فرمودند: پدیده‌ی بی نظیر و حرکت عظیم و پر معنای راهپیمایی اربعین حسینی علیه السلام حسنه‌ای ماندگار است که ترکیب «عشق و ایمان» و «عقل و عاطفه» از ویژگی‌های منحصر به فرد مکتب اهل بیت علیهم السلام است و حرکت عاشقانه و مؤمنانه‌ی مردم از کشورهای مختلف جهان در این پدیده‌ی بی سابقه، بدون تردید از جمله شاعر الهی است. کسانی که توفیق حضور در این حرکت پر معنا و پر مغز را پیدا کرده‌اند این فرصت را مغتنم بشمارند. فرصت ارتباط معنوی و عاشقانه با خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و زیارت این عناصر ممتاز، برجسته، نورانی و ملکوتی از امتیازات تفکر شیعی در میان فرق اسلامی است و حرکت عظیم مردم از ایران و سایر کشورهای جهان برای حضور در راهپیمایی اربعین، جلوه‌ای از ویژگی‌های برجسته‌ی مکتب اهل بیت علیهم السلام است که در آن، هم «ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین» موج می‌زند هم «عشق و محبت»^۲.

نحوه زیارت امام حسین علیه السلام

بنا بر آن چه که از روایات و سیره معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود بهتر است زیارت با پای پیاده انجام شود.^۳

۱. سخنرانی معظم له در خطبه‌های نماز جمعه تهران در ۲۴ مهرماه ۱۳۶۶.
۲. بیانات ایشان در درس خارج فقه معظم له، نهم آذرماه ۱۳۹۴.
۳. حضرت زهرا علیها السلام هفته‌ای دو مرتبه با پای پیاده همراه با امام حسن و امام حسین علیهم السلام به زیارت شهدای احد و حضرت حمزه علیه السلام که در بیرون مدینه بود می‌رفتند. امام حسن مجتبی علیه السلام حداقل بیست سفر با پای پیاده به زیارت خانه خدا مشرف شدند و در برخی سفرها امام حسین علیه السلام نیز آن حضرت را همراهی می‌نمودند به نحوی که در اثر پیاده روی پاهای مبارکشان

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمایند: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ مَا شِئاً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَبِكُلِّ قَدَمٍ يَرِفُهَا وَيَضَعُهَا عَشْرَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ^۱.

کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال برای هر قدمی که برمی‌دارد و هر قدمی که بر زمین می‌گذارد ثواب آزاد کردن یک بنده که از فرزندان اسماعیل باشد در نامه عمل او ثبت می‌کند.

پیاده روی از در خانه

در برخی روایات به پیاده روی از محل سکونت تا کربلا اشاره شده است، لازم به ذکر است پیاده روی هیچ فضیلتی از زیارت کسانی که سواره می‌روند کم نمی‌کند، بلکه فضیلتی مضاعف برای پیاده روندگان محسوب می‌شود.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر فرمودند: مَنْ حَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِنْ كَانَ مَا شِئاً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَمَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَاثِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ الْمُتَنْجِبِينَ حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُثْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ اسْتَأْنِفَ الْعَمَلِ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى^۲.

کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن

متورم می‌شد. این در حالی بود که مرکب سواری هم در اختیار داشتند. امام محمد باقر علیه السلام از قول امام حسن مجتبی علیه السلام در خصوص فلسفه پیاده رفتن به زیارت را چنین ذکر کرده‌اند: از خدای خویش شرم دارم که او را ملاقات کنم در حالی که به سوی خانه اش با پای پیاده نرفته باشم. (احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۱۲۲ الی ۱۲۸).

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۴؛ ص ۴۴۱، بَابِ اسْتِحْبَابِ الْمَشْيِ إِلَى زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، حدیث ۶.

۲. کامل الزیارات؛ ص ۱۳۲.

علی علیه السلام باشد اگر پیاده رود خداوند مَثان برای هر قدمی که برمی‌دارد يك حسنه برایش نوشته و يك گناه از او محو می‌فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارك و تعالی او را از رستگاران قرار می‌دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می‌فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته‌ای نزد او آمده و می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام رسانده و می‌فرماید: اعمالت را از ابتدا شروع کن که تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.

ظاهر و باطن زیارت

زیارت در فرهنگ اسلامی علاوه بر ظاهر زیبایی آن از باطن والا و اسرار و رموزی برخوردار است. ظاهر زیارت ادای مزد رسالت و نشانه محبت و عمل به وظیفه انسانی است و باطن آن سیر الی الله است. مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ^۱ کسی که می‌خواهد خدا را بشناسد باید از شما آغاز کند و کسی که خدا را به توحید و یگانگی شناخته از شما پذیرا گشته و هر کس خدا را طلب کند به شما روی می‌آورد و به شما توجه می‌کند.

آثار زیارت

زیارت باعث معرفت می‌شود و معرفت، تمایلات مادی بشری را به سوی

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵. فرازی از زیارت جامعه کبیره.

معنویات راهنمایی می‌کند. زیارت سبب نورانیت شده و بصیرت را افزایش می‌دهد و حجاب‌های ظلمت را دور می‌کند. در یک کلام زیارت، جامعه اسلامی را از انحرافات که تمدن شیطانی ایجاد کرده به سوی حق و حقیقت متمایل می‌سازد و حقانیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را اثبات می‌کند.

آثار زیارت با پای پیاده

زیارت با پای پیاده مستحب است و مرحوم شیخ حر عاملی رحمته‌الله در کتاب خود بابتی را با عنوان «استحباب زیارت با پای پیاده» گشوده و در آن روایاتی را از لسان شریف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نقل می‌کند.^۱ و مرحوم علامه مامقانی رحمته‌الله کتاب خود می‌نویسد: *يستحب اختيار المشي في زيارة الحسين عليه السلام على الركوب.*^۲ مستحب است برای زیارت امام حسین علیه‌السلام پیاده روی را بر سواره بودن انتخاب نمود.

برخی از آثار و برکات پیاده روی عبارت است از:

۱. ایجاد آرامش درونی
۲. یافتن فرصت تفکر در جهت معرفت به امامت که معرفت الله را به دنبال دارد
۳. دور شدن از تعلقات مادی و مبارزه جدی با تهاجم فرهنگی
۴. بهره مند شدن از صبر و استقامت بیشتر با تحمل سختی‌های ظاهری بین

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۴؛ ص ۴۴۱، بَابُ اسْتِحْبَابِ الْمَشْيِ إِلَى زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

۲. مرآة الکمال، ج ۳، ص ۱۷۲.

راه

۵. همایش قدرت مکتب اهل بیت علیهم السلام در سطح جهانی

حضرت آیه الله مکارم شیرازی دام ظلّه در ضمن بیان خاطرات پیاده روی خود به کربلا می فرمودند: آن تأثیری که در پیاده روی هست در زیارت معمولی نیست. انسان حال و هوای دیگری پیدا می کند. یک شور و نشاط و عشق دیگری پیدا می کند. راه رفتن به سمت کربلا خود سازی به دنبال دارد. خاطره این پیاده روی تا آخر عمر می ماند^۱.

پیاده روی واجب

گرچه پیاده روی به جهت زیارت مستحب است اما در صورتی که انسان نذر کند با پای پیاده برود واجب می شود. حضرت امام خمینی علیه السلام در تحریرالوسیله می نویسد:

۱. برای کسی که نذر کرده پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، در صورت توانایی و نبود ضرر واجب می شود، و اگر سواره برود یا قسمتی از راه را پیاده و قسمتی دیگر را سواره برود و یا این که به زیارت امام دیگر برود، کفایت از نذر نمی کند و لازم است پیاده روی به کربلا را تکرار کند.

۲. اگر زمان مشخصی را نذر کرده بود (مثلا اربعین سال جاری) و عمدا نرود، نذر خود را شکسته است و کفاره بر او واجب می شود ولی قضای آن

واجب نیست^۱.

۳. کسی که نذر کرده پیاده برود و پیاده روی به دلیل عذری ممکن نشد، به هر مقدار که می‌تواند پیاده برود لازم است برود و اگر ناچار شد سوار بر کشتی بشود احتیاط در آن است که به مقدار ممکن عوض پیاده روی در کشتی بایستد^۲.

ما زائر اربعین و عاشورا ایم از نسل غدیر و حضرت زهرایم
با پای پیاده عازم کربلا سرباز سپاه زینب کبرایم

مقایسه مراسم اربعین و مراسم حج

زیارت اربعین با جمعیتی در حدود ۳۰ میلیون نفر در کشور بحران زده عراق و توانمندی مردم و مسئولین عراقی در پذیرایی رایگان از این همه زائر از یک سو و زیارت خانه خدا با جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر (۱۰ درصد زائران اربعین) با هزینه ای سنگین در کشور عربستان بدون هیچ بحرانی و ناتوانی آل سعود از مدیریت مراسم حج مسلمانان و حتی غیر مسلمانان جهان را به فکر واداشته و به مقایسه این دو پدیده پرداخته اند. برخی نویسندگان در کشورهای عربی مطالب قابل توجه و زیبایی را در این خصوص مطرح نموده اند.

پایگاه خبری مصر تایمز در مقاله ای به قلم امینه فواد می‌نویسد: مردم مصر با دیدن تصاویر موج زوار شیعه رهسپار کربلاء و مقایسه خیل عظیم زوار در کربلاء با

۱. کفاره تخلف از نذر، آزاد کردن بنده یا دو ماه روزه و یا اطعام ۶۰ مسکین. (آموزش فقه، ص ۳۳۸).

۲. تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۲۱۱.

حوادث دردناک فاجعه منی در مکه و کشته شدن هزاران مسلمان به مقایسه این دو زیارت پرداخته و می نویسد :

سعودی: اگر بیش از دو میلیون حاجی وارد خاکشان شود اعلام نارضایتی می کند، اما در عراق اگر کمتر از بیست میلیون زائر داشته باشند، ناراحت می شود. سعودی برای تنظیم امور دو ملیون حاجی وزارت تشکیل می دهد، اما در عراق مردم به صورت خودجوش به زوار خدمت می کنند. سعودی در مقابل خدماتی که ارائه می دهد، دلار می گیرد، اما در عراق: خدمات رایگان ارائه می دهند. حج برای آل سعود دارای منفعت و سود طلبی اقتصادی است. اما عراق زیارت را موسم بخشش و عطا می داند . در عربستان تعداد دو میلیون حاجی باعث ایجاد ترافیک و مسدود شدن راه ها می شوند. اما در عراق تعداد دو ملیون رقم طبیعی در کوچک ترین خیابان در کربلاست . عربستان سعودی: شاهزاده ها و امرای آن ها با لیموزین طواف می کنند اما در عراق : روسا و ملت پابرهنه به سوی حرم امام حسین علیه السلام روانه می گردند. سعودی: علاوه بر هزینه هنگفتی که از حجاج می گیرد، منت هم بر سرشان می گذارد، اما در عراق از زائران بابت هر گونه کوتاهی و قصور ناخواسته عذر خواهی می کند.

سعودی می گوید: خانه خدا فقط برای وهابی هاست اما عراقی ها امام حسین علیه السلام را متعلق به همه مردم دنیا می دانند. در عربستان سعودی مراسم حج با وجودی که جنگ و بحرانی در این کشور وجود ندارد معمولا با تلفات سنگین انسانی همراه است. اما در عراق زیارت اربعین با آن همه جمعیت و کشوری درگیر جنگ معمولا

با آرامش همراه است.^۱

زیارت اربعین

پس از یک اربعین رنج و اسارت
کنم قبر حسینم را زیارت
سلام ای نور عینم حسینم و حسینم
نفس‌ها اوفتاده در شماره زیارت نامه قلب پاره پاره برادر جان به زینب کن نظاره
سلام ای نور عینم حسینم و حسینم
نهادم در بیابان پیکرت را چهل منزل به نی دیلم سرت را سر عباس و عون و جعفرت را
سلام ای نور عینم حسینم و حسینم
پیشانم چو گیسوی سکنیه هزاران کوه غم دارم به سینه که بی تومی روم سوی مدینه
سلام ای نور عینم حسینم و حسینم
به شام و کوفه دل بردی ز دستم به پای صوت قرآنت نشستم گریبان پاره کردم سر شکستم
سلام ای نور عینم حسینم و حسینم
چهل شبی تو خون دل فشاندم سرت بر نیزه دیدم زنده ماندم تو قرآن خواندی و من خطبه خواندم
سلام ای نور عینم حسینم و حسینم^۲

بنای زیارتگاه در قرآن

علاوه بر اهمیت زیارت، فضیلت زائر و عظمت زیارت شونده، مکان‌های زیارتی نیز در فرهنگ اسلام ارزش، اعتبار و احترام خاصی دارند. ساختن بنای

۱. به نقل از پایگاه خبری پارس نیوز و خیرگزاری شبستان.

۲. حاج غلامرضا سازگار.

زیارت گاه و با شکوه و عظمت ساختن مکان‌های زیارتی امری پسندیده است که در قرآن به آن اشاره شده است.

ساختن بنایی برای اصحاب کهف

﴿وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا﴾^۱.

و بدین طریق مردم را از حال اصحاب کهف آگاه کردیم تا بدانند که وعده الهی حق است و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست. هنگامی که بین خود در کار آن‌ها نزاع داشتند گفتند: در جای آن‌ها بنایی بسازید. پروردگارشان از وضع آنها آگاه‌تر است و آنان که از کارشان آگاه شده بودند گفتند: ما عبادت گاهی در کنارشان می‌سازیم.

بنا بر آن چه که از آیه فوق برداشت می‌شود، ساختن مسجد بر مزار اولیای خدا، ریشه‌ی قرآنی دارد و ساختن آثار مقدس باید در مکان‌های مقدس و به مناسبت‌های مقدس باشد و این فرصتی است برای ترویج دین و گسترش معارف دین.

بلند مرتبه سازی

خداوند متعال در قرآن از خانه‌هایی نام می‌برد که نور الهی در آن جلوه گر شده

و شایسته است رفعت یابند:

﴿فِي بُيُوتٍ إِذْنُ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾^۱.

نور هدایت الهی در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اجازه داده همواره محترم و با عظمت باشند خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.

رفعت ظاهری و معنوی

حضرت آیه الله سبحانی در توضیح این آیه شریفه می‌نویسد: لفظ «یرفع» در آیه به معنی بالا بردن و برافراشتن است و مقصود از آن یا رفعت ظاهری و بالا بردن پایه‌ها و دیوارها و صیانت آن از فرو ریختن آن است چنان چه در قرآن همین لفظ در بالا بردن دیوار و تعمیر ظاهری به کار رفته است. ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾^۲. «آن گاه که ابراهیم و فرزند او اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را بالا بردند». و یا مقصود رفعت معنوی و عظمت باطنی آن است، به این معنا که خداوند به این نوع خانه‌ها، امتیاز خاصی بخشیده و مقام و موقعیت آنها را بالا برده است.^۳

کدام خانه شایستگی رفعت دارد؟

روایتی زیبا که حتی علمای اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند قابل توجه

۱. نور/ ۳۶.

۲. بقره/ ۱۲۷.

۳. آئین وهابیت، ص ۴۹.

می‌باشد.^۱ هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ این آیه را خواندند مردی برخاست و گفت: مقصود کدام خانه‌ها است؟ رسول خدا ﷺ فرمودند: خانه پیامبران. در این موقع ابوبکر برخاست و گفت: آیا خانه علی و فاطمه علیها السلام از آن خانه‌ها است؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «نعم من افاضلها» آری! بلکه از مهم‌ترین و با فضیلت‌ترین آنها است.^۲

بنابراین اگر مقصود «رفعت» ظاهری باشد، به روشنی گواهی می‌دهد که خانه انبیاء و اولیاء که مصداق حقیقی و واقعی این «بیوت» می‌باشند، در هر حال، شایسته تعمیر و آبادی است، خواه در حال حیات ظاهری و خواه پس از آن، خواه در آنجا به خاک سپرده شوند (مانند خانه پیامبر و خانه حضرت امام هادی و حضرت امام عسکری علیه السلام که منزل آنها مدفن آن‌ها می‌باشد و در منزل خود به خاک سپرده شده‌اند) یا در جای دیگر. و اگر مقصود «رفعت» معنوی باشد، نتیجه آن این است که خداوند اذن داده است که این نوع از خانه‌ها مورد احترام و تکریم قرار گیرند و یکی از مظاهر احترام به این نوع از خانه‌ها، زیارت آن مکان‌های شریف و حفظ آن‌ها از ویرانی و تعمیر و آبادانی و کوشش در تمیزی و نظافت آنها است.^۳

وهابیت مصداق بارز بدعت گذاران در دین

بدعت به معنای آن است که انسان کاری را که جزء دین نیست و دارای هیچ

۱. سیوطی از علمای اهل سنت در تفسیر خود «الدرالمثور»، ج ۵، ص ۵۰» در ذیل همین آیه شریفه روایت را نقل کرده است.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۶.

۳. نقدی بر آئین وهابیت، آیه الله سبحانی، ص ۴۸.

حکمی از احکام دینی نمی‌باشد به عنوان جزئی از دین وارد دین نماید^۱.
 به راستی چرا وهابیت زیارت، ساختن زیارتگاه، توسل، تبرک و شفاعت را که
 ریشه در آیات قرآن و سنت نبوی دارد به عنوان شرک معرفی نموده و بدتر از آن،
 فتوای قتل عمل‌کنندگان به آموزه‌های قرآنی را صادر می‌کند؟! این بدعتی خطرناک
 و بدترین نوع بدعت است و هنگامی که در کنار قتل عام وسیع مسلمانان قرار گیرد،
 گناهی نابخشودنی و سزاوار دوزخ الهی و عذاب ابدی خواهد بود. بی شک آنان
 مصداق بارز این آیه قرآن هستند:

﴿وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ
 يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾^۲. و آنها که عهد الهی را پس
 از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهائی را که خدا دستور برقراری آنها را داده قطع
 می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند مشمول لعنت خدا شده و عاقبت بدی در
 جهان آخرت دارند.

به یقین وهابیت که عهد الهی مبنی بر پرداخت اجر و مزد رسالت را شکسته و
 پیوند با اهل بیت علیهم‌السلام را نقض نموده و قبور محترم آنان را تخریب نموده و پیروان
 ایشان را به جرم محبت و مودت و زیارت اهل بیت علیهم‌السلام به شهادت می‌رسانند،
 سزاوار لعنت الهی و عذاب ابدی خواهند بود.^۳

۱. ابن تیمیه پدر فکری وهابیت در کتاب «التوسل و الوسيلة»، ص ۱۹ به همین مطلب اشاره
 می‌کند.

۲. رعد/۲۵.

۳. توسل، آیه الله ضیاء آبادی، ص ۱۴۸ و ۱۷۳.

فصل یازدهم: اصحاب الحسین علیهم السلام

ذکر و یاد اصحاب امام حسین علیه السلام در مجالس حسینی که با پایداری بر عهد و پیمان خود، حادثه عظیم عاشوراء را رقم زدند، باعث ترویج فرهنگ عاشورا و تبلیغ شعار «هیئات من الذلّة» خواهد بود. همان اصحابی که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در وصف ایشان فرمودند: لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ آبٍ وَ لَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا. من یارانِ بهتر و باوفاتر از اصحاب خود سراغ ندارم و خویشاوندانی نیکوکارتر و به حقیقت نزدیک تر از خویشاوندان خود نمی شناسم خداوند به شما از جانب من پاداش نیک دهد.

آیات قرآن و ویژگی ممتاز چنین شهدایی که بی شک شهدای کربلا مصداق بارز آن هستند را این چنین معرفی می نماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ

مَنْ اللَّهُ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱.

خداوند از اهل ایمان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند و در برابر آن بهشت را به آنان می‌دهد. آنان در راه خدا می‌جنگند؛ دشمنان را به قتل می‌رسانند؛ خود نیز کشته می‌شوند. این وعده قطعی بر عهده پروردگار است که در کتاب تورات و انجیل و قرآن آمده و چه کسی از خدا نسبت به عهدش وفادارتر است؟ بنا براین مژده باد بر شما با این معامله‌ای که انجام داده‌اید که رستگاری بزرگ این است.

و در آیه ای دیگر می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۲.

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغیر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.

شأن نزول آیه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: أَنَّ الْمَوْتَ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ الشَّرْبَةِ الْبَارِدَةِ فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ مِنْ ذِي الْعَطَشِ الصَّدَىٰ وَ لَقَدْ كُنْتُ عَاهَدْتُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أَنَا وَ عَمِّي حَمْرَةَ وَ أَخِي جَعْفَرٌ وَ ابْنُ عَمِّي عُبَيْدَةُ بْنُ الْحَارِثِ عَلَىٰ

۱. توبه/۱۱۱.

۲. احزاب/۲۳.

أَمْرٍ وَفِينَا بِهِ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ فَتَقَدَّمَنِي أَصْحَابِي وَخُلِّفْتُ بَعْدَهُمْ لِمَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِينَا ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ
قَضَى نَحْبَهُ - حَمْزَةٌ وَ جَعْفَرٌ وَ عُبَيْدَةٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ فَأَنَا الْمُتَنْتَظِرُ
وَ مَا بَدَّلْتُ تَبْدِيلًا!

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مرگ نزد من به منزله آب سردی
است در روز بسیار گرم برای تشنه‌ای که دلش می‌سوزد و همانا من با خدای عز و
جل و رسولش پیمان بسته‌ام من و عمویم حمزه، برادرم جعفر، پسر عمویم عبیده
به فرمانی که داد وفا کردیم آن را به خدای عز و جل و پیامبرش، سپس یارانم خود را
جلو انداختند و من بعد از ایشان ماندم چون خدای تعالی اراده کرد سپس درباره ما
این آیه نازل شد: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى
نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾. حمزه و عبیده و جعفر مدتشان گذشت
ولی من به انتظار پایان مدت خود هستم و این امر تغییری نخواهد کرد.

تفسیر دیگری از این آیه در کربلا

مصدق بارز دیگر این آیه، امام حسین علیه السلام و اصحاب بزرگوار ایشان هستند و در
جریان حادثه کربلا نیز امام حسین علیه السلام در منازل مختلف و بر سر پیکر مطهر برخی
شهدای کربلا همین آیه را قرائت فرمودند.

چهار تن سوار بر مرکب از کوفه آمدند، که اسب نافع بن هلال را همراه داشتند
و طرمّاح بن عدی سوار بر اسب راهنمایان بود. وقتی به امام حسین علیه السلام رسیدند

این اشعار را برایش خواندند.

«ای شترم، از تند راندن من مترس. پیش از طلوع فجر مرا سریع تر ببر تا این که مرا همراه بهترین سواران و هم سفران به ساحت آن بزرگ زاده، حسین علیه السلام برسانی، آن بزرگوار و آزاده و شکیبایی که خدا او را به بهترین سرنوشت برساند. و او را به بقاء زمانه باقی بدارد.»

امام حسین علیه السلام فرمودند: به خدا قسم امیدوارم آن چه خداوند برایمان در نظر گرفته خیر باشد، چه کشته شویم و چه به پیروزی برسیم!
سپس امام حسین علیه السلام به آن چهار نفر فرمودند: از مردم پشت سرتان، کوفه به من خبر دهید.

مجمّع بن عبد الله عاندی گفت: به اشراف مردم رشوه کلانی داده شده و کیسه‌هایشان پر گردیده تا دلشان به دست آید، و کاملاً خیر خواه و دلداده آنها شوند، و لذا آنها بر علیه شما يك دست شده‌اند اما بقیه مردم دل‌هایشان به سوی شما تمایل دارد ولی شمشیرهایشان فردا بر علیه شما برهنه خواهد گردید. حضرت فرمودند: به من بگوئید فرستاده‌ام نزد شما آمد؟ گفتند: چه کسی بود؟ فرمودند: قیس بن مسهر صیداوی، گفتند: بله، حصین بن تمیم او را دستگیر کرد و نزد ابن زیاد فرستاد. ابن زیاد به وی دستور داد تا شما و پدرتان را لعنت کند، ولی او بر شما و پدرتان درود فرستاد و ابن زیاد و پدرش را لعن کرد، و مردم را به یاری شما خواند و آمدنتان را به آنها خبر داد، از این رو ابن زیاد دستور داد او را از بالای قصر به زمین انداختند.

امام حسین علیه السلام توانستند خودداری نمایند و در حالی که اشک از دیدگان‌شان سرازیر شده بود این آیه را قرائت فرمودند: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا

اللَّهِ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا^۱. «از میان مؤمنین مردانی هستند که بر سر پیمانی که با خدا بسته‌اند راست و درست رفتار کرده‌اند و برخی از آنان کسانی هستند که به عهد خویش وفا کرده به شهادت رسیده است و برخی دیگر کسانی هستند که در انتظار شهادت نشسته‌اند و هیچ تغییری در عهد و پیمان خویش نداده‌اند».

سپس فرمودند: خداوندا! برای ما و آن‌ها بهشت را کرامت فرما، و ما و آنان را در جایگاه رحمت و پاداش ذخیره‌شده مرغوب خویش جمع بفرما^۲.

حضرت علی اکبر علیه السلام

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۳.

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر تمام مردم عالم برگزید فرزندانی هستند بعضی از نسل بعضی دیگر و خدا شنوا و آگاه است.

امام حسین علیه السلام هنگام وداع با فرزند عزیزشان حضرت علی اکبر علیه السلام، آیات فوق را قرائت فرمودند^۴.

خواندن چنین آیاتی حکایت از عظمت آن جوان عزیز و ارجمند و شأن رفیع و مقام منیع و اصالت و بزرگواری اوست. یعنی علی اکبر از خاندان و تبار کسانی

۱. احزاب/ ۲۳.

۲. وقعة الطف، ص ۱۷۴ و تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۴.

۳. آل عمران/ ۳۳ و ۳۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۳.

است که خداوند در میان همه افراد انسان‌ها و جوامع بشری، آنان را اختیار کرده است و از ذریه ای است که از آن اصول شرف و مایه‌های عظمت و بزرگی به وجود آمده است. او فرزندی پسندیده از آباء و پدرانی برگزیده و شایسته می باشد که بزرگی، کرامت نفس، کمالات نفسانی و مکرمات‌های آسمانی را از آن پدران بزرگوار و از آن ریشه‌های فضیلت و کرامت به وراثت برده است. او سلاله انبیا و اولیا و وارث صفات و مزایای پیامبران الهی و سفرای آسمانی و اوصیای آنان می باشد و از خیل منتخبان خداست و از گروهی است که در گزینش آسمانی سرفراز گردیده اند. کسی که صفات خیر و خوبی و رموز سعادت و شرف را از نیاکان و اسلاف خود گرفته و چهره نورانی و پر فروغ او یادآور آن بزرگواران، به ویژه حضرت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله می باشد و بدانید اقدام به کشتن کسی می کنید که حامل همه آن فضایل و بزرگواری‌ها و کرامت‌ها است^۱.

اشاره مجدد امام حسین علیه السلام به آیه اصطفاء

روز عاشوراء در هنگام نبرد، محمد بن اشعث از میان لشکریان عمر سعد پیش آمد و گفت ای حسین بن فاطمه تو از طرف رسول خدا چه حرمتی داری که دیگران ندارند؟ امام حسین علیه السلام آیه «اصطفاء» را قرائت نموده و فرمودند: به خدا محمّد از خاندان ابراهیم است و عترت هدایت گر از خاندان محمّدند. سپس فرمودند: این مرد کیست؟ گفتند: محمد بن اشعث بن قیس کندی است امام حسین علیه السلام سر به آسمان برداشته و فرمودند: خدایا به او خواری و ذلتی بده که هرگز عزیزش

۱. آیه الله کریمی جهرمی.

نگردانی. ناگهان بر او عارضه‌ای رخ داد و از لشکر به کناری رفت تا خود را وارسد و خدا عقربی بر او مسلط کرد و او را گزید و مکشوف العوره جان داد.^۱

کلام امام حسین در شأن حضرت علی اکبر علیه السلام

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام هنگام به میدان رفتن حضرت علی اکبر علیه السلام، آیاتی از قرآن (آیه اصطفاء) را قرائت فرمودند و جملاتی را بیان نمودند که در شأن هیچ یک از اصحاب بیان نفرمودند. و این حکایت از عظمت مقامات حضرت علی اکبر علیه السلام دارد. سید بن طاووس در اللهوف نقل فرموده است:

فَلَمَّا لَمْ يَبْقَ مَعَهُ سِوَى أَهْلِ بَيْتِهِ خَرَجَ عَلَيَّ بُنُّ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّاسِ وَ جَهًا وَ أَحْسَنِهِمْ خُلُقًا فَاسْتَأْذَنَ أَبَاهُ فِي الْقِتَالِ فَأَذِنَ لَهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرًا أَيْسَ مِنْهُ وَ أَرْخَى عَ عَيْنَيْهِ وَ بَكَى ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غَلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كُنَّا إِذَا اسْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ فَصَاحَ وَ قَالَ يَا ابْنَ سَعْدٍ قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ كَمَا قَطَعْتَ رَحِمِي فَتَقَدَّمْ نَحْوَ الْقَوْمِ فَقَاتَلْ قِتَالًا شَدِيدًا وَ قَتَلَ جَمْعًا كَثِيرًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَى أَبِيهِ وَ قَالَ يَا أَبَتِ الْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي وَ ثِقُلَ الْحَدِيدِ قَدْ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَى شَرِبَةٍ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ فَبَكَى الْحُسَيْنُ علیه السلام وَ قَالَ وََا غَوْثَاهُ يَا بُنَيَّ قَاتِلْ قَلِيلًا فَمَا أَسْرَعَ مَا تَلْقَى جَدَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَسْقِيكَ بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى شَرِبَةً لَا تَظْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا فَرَجَعَ إِلَى مَوْفِئِ النَّزَالِ وَ قَاتَلَ أَعْظَمَ الْقِتَالِ فَرَمَاهُ مُنْقِدٌ بُنُّ مَرَّةً الْعَبْدِيُّ لَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِسَهْمٍ فَصَرَعَهُ فَنَادَى يَا أَبَتَاهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ هَذَا جَدِّي يُفْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ عَجَلِ الْقُدُومِ عَلَيْنَا ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً فَمَاتَ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ علیه السلام

حَتَّى وَقَفَ عَلَيْهِ وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ وَقَالَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوا مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ
وَعَلَى أَنْتِهَاتِكَ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَقَاءُ.

وَخَرَجَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عليه السلام تُنَادِي يَا حَبِيبَاةَ يَا ابْنَ أَخَاهُ وَجَاءَتْ فَأَكْبَتْ عَلَيْهِ
فَجَاءَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَأَخَذَهَا وَرَدَّهَا إِلَى النِّسَاءِ ثُمَّ جَعَلَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ
عَلَيْهِمْ يَخْرُجُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ بَعْدَ الرَّجْلِ حَتَّى قَتَلَ الْقَوْمُ مِنْهُمْ جَمَاعَةً فَصَاحَ الْحُسَيْنُ عليه السلام
فِي تِلْكَ الْحَالِ صَبْرًا يَا بَنِي عُمُومَتِي صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي فَوَ اللَّهُ لَا رَأَيْتُمْ هَوَانًا بَعْدَ هَذَا
الْيَوْمِ أَبَدًا.

چون همه اصحاب به شهادت رسیده و جز اهل بیت امام به جای نماندند،
حضرت علی بن الحسین علیه السلام که از همه مردم زیاروی‌تر و از نظر اخلاق از همه
نیکوتر بود، از پدرش کسب اجازت کرد و امام وی را رخصت داد.

امام نظر نومیدانه‌ای به فرزندشان افکنده و گریستند. سپس فرمودند: «خداوندا!
گواه باش، به تحقیق جوانی به جنگ و مبارزت شتافته که شبیه‌ترین مردم از نظر
خلقت و خلق و منطق به رسول تو صلی الله علیه و آله می‌باشد. هر گاه مشتاق زیارت پیامبرت
می‌شدیم او را می‌نگریستم».

بعد ناله ای برآورده و فرمودند: «ای پسر سعد خدا رحم تو را قطع کند آن گونه
که رحم مرا قطع کردی».

حضرت علی اکبر علیه السلام به میدان شتافته، و جنگ سختی نمود و جمعی کثیر از
کفار را روانه دوزخ نمود. آن گاه به نزد پدر بازگشت و عرض کرد: پدر جان، تشنگی
مرا کشته، و سنگینی آهن و سلاح توان را از من برده، آیا شربت آبی به هم می‌رسد؟

امام حسین علیه السلام بگریست و فرمود: «وا غوثاه ای پسر جانم. از کجا آب بیابم، اندکی مقاتله نما، چقدر نزدیک است که جدّت محمّد صلی الله علیه و آله را زیارت کنی و او تورا با جامی سرشار از آب سیراب کند که بعد از آن هرگز تشنه نگردی».

حضرت علی به میدان بازگشت و بزرگ ترین قتال را به راه انداخت، منقذ بن مرّه لعنة الله علیه به سویس تیری انداخت که علی را از پای در آورد، ندا در داد: پدر جان، از من به تو سلام باد خداحافظ این جدّ من است که بر تو سلام می گوید و می فرماید: با شتاب نزد ما آی، آن گاه صیحه ای زده و به شهادت رسید.

امام حسین علیه السلام آمد تا در کنار بدن مبارک فرزندشان ایستادند، آن گاه صورت خویش را بر صورت فرزند نهاده و فرمودند: «خداوند بکشد قومی را که تورا کشتند، چه چیز آن ها را بر خدا و بر هتک حرمت رسول الله صلی الله علیه و آله جری کرده، بعد از تو خاک بر سر دنیا». راوی گوید: زینب دختر علی علیه السلام از خیمه بیرون شده و ندا می داد: ای حبیب من. ای برادرزاده ام و آمد و خود را بر جسد او افکند. حسین علیه السلام ایشان را سوی زنان باز گردانید. پس از آن از اهل بیت امام یکی پس از دیگری به میدان شتافته و به شرف شهادت نائل آمدند، امام در آن حال بانگ برآورد: «ای عموزادگانم، ای اهل بیتم! شکیبایی کنید، صابر باشید، به خدا از امروز دیگر ذلت و خواری نبینید».

تفسیر «أَسْبَبُهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ»

برای تفسیر کلام بلند امام حسین علیه السلام در وصف حضرت علی اکبر علیه السلام، لازم است به دو نکته توجه نماییم:

۱. کلام امام معصوم علیه السلام هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی مبالغه گویی و همراه

با اغراق نیست.

۲. شناخت عظمت بی نهایت رسول خدا ﷺ می تواند به نوعی کلام بلند امام حسین علیه السلام را تفسیر نماید. و بهترین راه شناخت و معرفت به رسول الله الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن است.

الف) خلقت رسول خدا ﷺ

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾^۱. ای اهل کتاب! رسول ما به سوی شما آمده تا بسیاری از مسایلی را که شما پنهان کرده‌اید، آشکار سازد و در عین حال از بسیاری درگذرد. از طرف پروردگار، نور و کتابی آشکار به سوی شما آمده است.

بسیاری از مفسران شیعه و سنی منظور از نور در آیه فوق ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ﴾ را وجود مقدس رسول خدا ﷺ می دانند^۲.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي ابْتَدَعَهُ مِنْ نُورِهِ وَاشْتَقَّه مِنْ جَلَالِ عَظَمَتِهِ»^۳.

اول چیزی که خداوند آفرید نور من بود که از نور خود به وجود آورد و نور مرا از جلال و عظمت خویش گرفت.

۱. مانده/۱۵.

۲. البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۲۶۴، مجمع البيان، ج ۳، ص ۲۷۰، اطیب البيان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۲۶ و تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، ج ۲، ص ۳۷۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۲۴.

ب) اخلاق رسول خدا ﷺ

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱. و تو (ای پیامبر) اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.
عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِبَعْضِ أَصْحَابِ قَيْسِ
الْمَاصِرِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آدَبَ نَبِيِّهِ فَأَحْسَنَ آدَبُهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْآدَبَ قَالَ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ
خُلُقٍ عَظِيمٍ^۲.

فضیل یسار می‌گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمودند: خدای عزوجل
پیامبر خویش را ادب نمود و نیک تربیت کرد و هنگامی که تربیت و ادب او را
کامل نمود، فرمود: تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری

ج) منطق رسول خدا ﷺ

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^۳. و هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید.
منظور از کلمه «هوی»، هوای نفس و رأی و خواسته آن است، و جمله «ما
ينطق» هر چند مطلق است، و در آن نطق به طور مطلق نفی شده، و مقتضای این
اطلاق آن است که هوای نفس از مطلق سخنان پیغمبر نفی شده است حتی در آن
سخنان روزمره‌ای که در داخل خانه‌اش دارد^۴.

بنابراین مشخص می‌شود اگر شخصیتی وجود داشته باشد که شبیه ترین افراد به
پیامبری باشد که خاتم الانبیاء و برترین موجود عالم هستی است و آیات الهی در

۱. قلم/۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۴.

۳. نجم/۳.

۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۴۲.

خَلَقَ وَ خُلِقَ وَ نَطَقَ وَ بَيَّنَّ او نازل شده است، چه مقامات و عظمتی برای او متصور است و به همین دلیل است که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز عاشورا خطاب به خداوند متعال می‌فرماید:

كُنَّا إِذَا اسْتَقَمْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ... هر گاه مشتاق زیارت پیامبرت می‌شدیم به علی اکبر می‌نگریستم.

بی‌جهت نیست که برخی علما فرموده‌اند: اگر نه چنان بود که حضرت علی اکبر علیه السلام به شهادت رسیدند و روایات متواتره در امامت سید الساجدین علیه السلام وارد شده، ممکن بود کسی با تمسک به بیانات حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، قائل به امامت حضرت علی اکبر علیه السلام بشود.^۱ و این مطلب در مورد برخی امام زادگان عظیم الشان دیگر نیز وارد شده که به دلیل جایگاه و مقامات عظیم ایشان گمان به امامت ایشان از سوی شیعیان شده است. نظیر امام زاده سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام، که قبل از امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفتند.

أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام بَعْدَ مَا مَضَى ابْنُهُ أَبُو جَعْفَرٍ وَ إِنِّي لَأَفْكُرُ فِي نَفْسِي أُرِيدُ أَنْ أَقُولَ كَأَنَّهُمَا أَغْنِي أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا مُحَمَّدٍ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى وَ إِسْمَاعِيلَ ابْنَيْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ إِنَّ قِصَّتَهُمَا كَقِصَّتِهِمَا إِذْ كَانَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْمُرْجِي بَعْدَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَأَقْبَلَ عَلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ قَبْلَ أَنْ أَنْطِقَ فَقَالَ نَعَمْ يَا أَبَا هَاشِمٍ بَدَأَ لِلَّهِ فِي أَبِي مُحَمَّدٍ بَعْدَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام مَا لَمْ يَكُنْ يُعْرِفُ لَهُ كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي مُوسَى بَعْدَ مُضَى إِسْمَاعِيلَ مَا كَشَفَ بِهِ عَنِّ حَالِهِ وَ هُوَ كَمَا حَدَّثْتَنِيكَ نَفْسُكَ وَ إِنِّي كَرِهَ الْمُبْطِلُونَ وَ أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ مَعَهُ آلَةٌ

۱. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ص ۵۳۱.

الإمامة^۱.

ابو هاشم جعفری می‌گوید: بعد از وفات ابوجعفر، پسر امام هادی علیه السلام، خدمت آن حضرت بودم، و با خود فکر می‌کردم و می‌خواستم به زبان آورم که: قصه ابوجعفر و ابومحمد (پسران امام هادی علیه السلام) مانند قصه ابو الحسن موسی بن جعفر و اسماعیل پسران جعفر بن محمد علیه السلام است، زیرا بعد از ابو جعفر، امامت ابو محمد علیه السلام انتظار می‌رفت، (چنان چه بعد از وفات اسماعیل هم موسی بن جعفر علیه السلام امام شد) ولی پیش از آن که من چیزی به زبان آورم امام هادی علیه السلام به من متوجه شده و فرمودند: آری، ای ابا هاشم! خدا را در باره ابو محمد علیه السلام بعد از ابو جعفر بدا حاصل شد نسبت به امری که برای او شناخته نبود، چنان چه برای او بدا حاصل شد در باره موسی علیه السلام بعد از وفات اسماعیل نسبت به امری که به سبب آن حال او مکشوف گشت، و این مطلب چنان است که در خاطر تو گذشت، اگر چه اهل باطل بدشان آید، پسرم ابو محمد پس از من جانشین من است، هر چه مردم احتیاج دارند، علمش نزد او و ابزار امامت همراه اوست.

همه گفتند که پیغمبر رفت

دل زجان شست سوی دلبر رفت	چون به میدان ز حرم اکبر رفت
همه گفتند که پیغمبر رفت	روح از جسم حرم یکسر رفت
زین طرف جان حسین دنبالش	زان طرف مرگ به استقبالش
لیله ی قدر پدر گیسویت	گفت ای سرو، قد دلجویت

ای رخت ماه و هلال ابرویت
هم کنم خوب تماشای تورا
ای کمر جانب اعدا بسته
در خم زلف تو دل‌ها بسته
من نگویم مرو ای ماه برو
ای جگر گوشه‌ی من ای پسر
مرو این گونه شتابان ز برم
در دلم نیست دگر نور امید
تا به من بانگ تو در خیمه رسید
آدمم با چه شتابی سویت
سپه کوفه همه استاده
شه روی نعش پسر افتاده
بی گمان جان پدر بر لب بود

صبر کن سیر بینم رویت
هم بینم قد و بالای تورا
عهد با خالق یکتا بسته
اشک من راه تماشا بسته
لیک قدری بر من راه برو
هیچ دانی که چه آری به سرم
لختی آهسته من آخر پدرم
شوق امید زمن دست کشید
دید زینب ز رخم رنگ پرید
خواستم زنده بینم رویت
به تماشای شه و شهزاده
همه گفتند حسین جان داده
آن که جان داد بدو، زینب بود^۱.

عظمتی دیگر برای حضرت علی اکبر علیه السلام

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۲.

و در بین مردم کسی است که جان خویش را برای رضای پروردگار می‌فروشد، و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.

شان نزول این آیه به اتفاق نظر شیعه و سنی در مورد حضرت امیرالمؤمنین

۱. علی انسانی.

۲. بقره/۲۰۷.

علیؑ است که در لیلۃ المیت برای حفظ جان رسول خداﷺ، در جایگاه ایشان خوابیدند و پیامبر اکرمﷺ از مکه به مدینه هجرت فرمودند.^۱

مأموریت دیگر حضرت علی اکبرؑ در حادثه کربلا حفظ جان حجت الهی حضرت امام زین العابدینؑ بود، ضمن آن که جان عزیز خویش را در راه حضرت اباعبدالله الحسینؑ نیز فدا نمودند و در حقیقت فدایی دو امام معصومؑ شدند.

از آن جا که فضل و مقام و موقعیت حضرت علی اکبرؑ به گونه ای بود که تصور می شد بعد از امام حسینؑ به امامت می رسند، دشمنان برای به شهادت رساندن ایشان سعی و تلاش فراوانی را نمودند و ذهن کوردلان از مقام امامت، به طور کلی از حضرت امام سجادؑ منحرف شد و نتوانستند آسیبی به ایشان وارد سازند و هنگامی که در کوفه، ابن زیاد لعنة الله علیه و در شام، یزید لعنة الله علیه متوجه موضوع شدند و قصد به شهادت رساندن امام سجادؑ را داشتند با جان فشانی حضرت زینب کبریؑ و دفاع جانانه ایشان منصرف شدند.

آری اگر در لیلۃ المیت، حضرت علیؑ جان خود را سپر بالای جان رسول خداﷺ قرار داد، در کربلا نیز علی دیگری از خاندان علوی جان خود را سپر بالای جان علی بن الحسینؑ قرار داد.

حضرت ابوالفضل العباسؑ

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي

صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱﴾.

و کسانی که در سرای هجرت و ایمان جای گرفتند، و کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند دوست دارند، و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آن چه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان نیاز شدیدی داشته باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند.

شأن نزول آیه

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَاَ إِلَيْهِ الْجُوعَ، فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى بِيوتِ أَزْوَاجِهِ فَقُلْنَ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا الْمَاءُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لِهَذَا الرَّجُلِ اللَّيْلَةَ فَقَالَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: أَنَا لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَآتَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ: مَا عِنْدَكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتُ الصَّبِيَّةِ لَكِنَّا نُؤْتِرُ صَيفِنَا. فَقَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: يَا ابْنَةَ مُحَمَّدٍ، نَوْمِي الصَّبِيَّةَ، وَأَطْفِنِي الْمِصْبَاحَ، فَلَمَّا أَصْبَحَ عَلِيٌّ عليه السلام غَدَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، فَلَمْ يَبْرَحْ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ٢.

در اوایل شب مردی به حضور نبی صلی الله علیه و آله رسید و از گرسنگی شکوه و ناله

۱. حشر/۹.

۲. الامالی للطوسی، ص ۱۸۵.

می کرد، رسول خدا ﷺ به خانه همسرانش پیغام فرستاد، گفتند: جز آب چیز دیگری در خانه نیست. حضرت علی علیه السلام چون از ماجرا خبردار شد به خانه رفت و از فاطمه علیها السلام پرسید: آیا در خانه چیزی هست؟ فاطمه علیها السلام گفت: فقط غذای کودکان موجود است، ولی میهمان گرسنه را ترجیح می دهیم. علی علیه السلام فرمودند: پس کودکان را بخوابان تا تقاضای غذا نکنند، من هم چراغ را خاموش می کنم تا میهمان خجالت نکشد. و آنان از میهمان این چنین پذیرایی کردند؛ چون صبح فرا رسید، خدای سبحان آیه شریفه ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ را برای آنان نازل کرد.

مجاهد از ابن عباس نقل کرد؛ آیه کریمه ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾. در تحسین علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شد.

حضرت عباس از خاندان کرم

حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام از همین خانواده است که این آیه در شأن ایشان نازل شده است. به همین دلیل در ظهر عاشورا و شدت عطش هنگامی که وارد شریعه فرات شده و دو کف دست خود را از آب پر نمودند به یاد لبان تشنه برادر و فرزندان برادر افتاده و آب را بر روی آب ریخته و تشنه کام بازگشتند. آری دیگران را بر خود ترجیح داد هرچند خود به آن آب نیازمند بود.

بالاترین مصداق وفاداری

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱. آنان که با تو بیعت کردند، در واقع با خدا بیعت نمودند. دست خدا بالای همه دستهاست و هر کسی بیعت را بشکند، به زیان خود پیمان شکسته و هر کسی به عهدی که با خدا بسته وفادار بماند، به زودی پاداش بزرگی به او داده خواهد شد.

همه یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به عهد و پیمان خود وفادار ماندند، اما قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام سرآمد این وفاداری بود. حضرت امام صادق علیه السلام در زیارت نامه ای که برای حضرت ابوفاضل علیه السلام فرمودند، به این نکته اشاره فرمودند:

وَتَقُولُ فِي زِيَارَةِ الْعَبَّاسِ علیه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبُدْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُتَنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ الْأَعْدَاءِ الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَرَ جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ^۲.

ابی حمزه ثمالی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه خواستی زیارت کنی قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام را بگو:

۱. فتح/۱۰.

۲. المصباح للكفعمي، ص ۵۰۴.

درود بر تو ای بنده نیکوکار، بنده‌ای که فرمان بردار خدا و رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهما السلام بودی، درود و رحمت و برکات و بهشت خدا برای تو باد، و بر جان و جسد تو باشد، و خدا را شاهد می‌گیرم که تو همان راهی را رفتی که اصحاب بدر رفتند همان کسانی که در راه خدا جهاد کرده، و در جهاد با دشمنان خدا زبان به پند و نصیحت گشوده و خالص آن را به جا آوردند، در نصرت دوستان خدا سعی بلیغ نموده، و از دوستان و محبتین حق تعالی دشمنان را دفع کردند، پس خدا برترین و با فضیلت‌ترین و بیشترین جزاءها و پاداش‌ها را به تو عطاء فرماید، و نیز برترین پاداش کسی که به بیعتش وفاء نموده و خدا دعایش را مستجاب کرده و هم چنین نیک‌ترین پاداش کسی که از والیان امر اطاعت نموده است را به تو عنایت فرماید...

وفاداری تا قطع دو دست

نَظَرَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَاسْتَعْبَرَ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ يَوْمٍ أَشَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِنْ يَوْمٍ أُخِذَ قِتْلَ فِيهِ عَمَّهُ حَمْرَةَ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ وَ بَعْدَهُ يَوْمَ مُؤْتَةِ قُتِلَ فِيهِ ابْنُ عَمِّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ قَالَ عليه السلام وَ لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام اِزْدَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يُزْعَمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ وَ هُوَ بِاللَّهِ يَذْكُرُهُمْ فَلَا يَتَّعِظُونَ حَتَّى قَتَلُوهُ بَغْيًا وَ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا ثُمَّ قَالَ عليه السلام رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لَجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَى مُنْزِلَةً يَغِيظُهَا بِهَا جَمِيعَ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱.

ثابت بن ابی صفیه از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت به (فرزند حضرت ابالفضل) عبید اللّه بن عباس بن علی علیه السلام نگاهی کردند و اشک چشمانشان را فرا گرفته و فرمودند: روزی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت‌تر از روز احد نگذشت که عمویش حمزه در آن کشته شد و بعد از آن مویه است که عموزاده‌اش جعفر بن ابی طالب کشته شد. سپس فرمودند: روزی چون روز تو نباشد ای حسین! سی هزار مرد که گمان می‌کردند از این امت هستند دور او را گرفتند و هر کدام به کشتن او به خدا تقرب می‌جست و او خدا را به آن‌ها یادآور می‌شد و پند نمی‌گرفتند تا او را به ستم و ظلم و عدوان کشتند.

خداوند عمویم عباس بن علی علیه السلام را رحمت کند، همانا (برادرش حسین را) بر خود مقدم داشت و امتحان داد و جان خود را فدای برادرش کرد، تا این که دستانش جدا شدند و خداوند به جای آن‌ها به او دو بال داد که در بهشت با فرشتگان پرواز کند، همان گونه که به جعفر بن ابی طالب داد، همانا برای عباس نزد خداوند مقامی است که در روز قیامت همه شهیدان آن را آرزو خواهند کرد.

سلامی دیگر در زیارت ناحیه مقدسه

حضرت مهدی امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه سلامی دیگر به عموی خویش حضرت عباس علیه السلام می‌دهند: السَّلَامُ عَلَيَّ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، الْأَخِذِ لِعَدِيهِ مِنْ أُمَّسِيهِ، الْفَادِي لَهَ الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَا فِيهِ،

الْمُطُوعَةِ يَدَا، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيهِ^۱. سلام بر عباس فرزند امیرالمؤمنین او که با جان خود برادر خویش را یاری نمود و برای فردای خویش از روز قبل توشه برگرفت دنیا را وسیله آخرت خود قرار داد، فدای برادرش شد، نگهبان بود و سعی بسیار کرد تا آب را به لب تشنگان برساند، دو دستش در جهاد فی سبیل الله قطع شد، خداوند قاتلان او را لعنت کند.

احکام فقهی زیارت حضرت عباس علیه السلام

زیارت حضرات چهارده معصوم و فرزندان بزرگوتر ایشان از امامزادگان معتبر صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، ثواب و فضیلت فراوان دارد و برای هر یک آداب و احکام و زیارت‌هایی وارد شده است. اما در این میان آداب زیارت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام با وجودی که امام زاده هستند، شبیه زیارت امامان معصوم علیهم السلام است و این نشانه مجد و عظمت فوق العاده ایشان است^۲. از جمله آداب زیارت آن بزرگوار عبارت است از:

۱. المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص ۴۸۹.

۲. هر چند در حکمت ظاهری مکان دفن بدن مطهر حضرت عباس علیه السلام گفته شده که امکان انتقال بدن شریف به حرم مطهر امام حسین علیه السلام و دفن آن عزیز در کنار شهدای کربلا نبوده، اما بی شک حکمت باطنی آن، مجد و عظمت فوق العاده ایشان بوده و گویا حضرت امام زین العابدین علیه السلام با دفن ایشان در کنار نهر علقمه خواسته اند حرم و بارگاه جدایی برای آن عزیز قرار دهند، هم چنان که حضرت امام صادق علیه السلام نیز برای آن عزیز زیارتی جداگانه انشاء فرموده و این عظمت را به اراده الهی منتسب نموده و فرمودند: وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيِّينَ وَحَسْرَتِكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّالِحِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا (کامل الزیارات، ص ۲۵۷، فرازی از زیارت نامه حضرت عباس علیه السلام). پس خدا تو را در علیین بالا برد، و با انبیاء و صدیقین و شهداء، و صلحاء محشور نمود، و ایشان نیکو رفقانی هستند.

۱. زائر هنگام زیارت حضرات معصومین علیهم‌السلام باید روبروی ایشان و پشت به قبله بایستد^۱، اما برای زیارت غیر معصومین از جمله امامزادگان ارجمند باید پشت سر ایشان و رو به قبله بایستد. این مسئله درباره امام زاده عظیم الشان حضرت اباالفضل العباس علیه‌السلام استثناء شده و ایشان را باید همانند معصومین علیهم‌السلام (از روبرو و پشت به قبله) زیارت نمود^۲.
۲. نماز زیارت اختصاص به حضرات معصومین علیهم‌السلام دارد و دیگر امام زادگان نمازی با عنوان نماز زیارت ندارند، هرچند می‌توان به نیت هدیه، نمازی برای آنان خواند. این مسئله درباره امام زاده عظیم الشان حضرت اباالفضل العباس علیه‌السلام استثناء شده و برای ایشان نیز همانند دیگر معصومین علیهم‌السلام، نماز زیارت وارد شده است^۳. همان گونه که زیارتی مخصوص از ناحیه امام معصوم علیه‌السلام برای ایشان صادر شده است.
۳. ورود جنب و حائض به حرم امامان معصوم علیهم‌السلام، جایز نیست، اما ورود ایشان به حرم امام زادگان منع شرعی ندارد، به فتوای برخی مراجع عظام تقلید، زائر بهتر است رعایت ادب و احترام به امام زادگان عظیم الشان را نموده و با حالت جنابت و یا حیض به حرم امام زادگان عظیم الشان چون حضرت اباالفضل علیه‌السلام و حضرت معصومه علیها‌السلام وارد نشود^۴.

۱. با توجه به آن که امام علیه‌السلام رو به قبله دفن شده اند، ایستادن در مقابل صورت امام علیه‌السلام مستلزم ایستادن در نقطه مقابل قبله (پشت به قبله) می‌باشد (مرآة الکمال مرحوم مامقانی، ج ۳، ص ۲۰۹).

۲. سراج الشیعه فی آداب الشریعه مرحوم مامقانی (ترجمه ای از مرآة الکمال)، ص ۷۷۴.

۳. همان، ص ۲۸۸.

۴. نشریه امام شناسی، شماره ۱، ص ۳، به نقل از: جامع المسائل حضرت آیه الله گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.

ای علمدار ولی الله اعظم یا ابا الفضل

گفت من ماه بنی هاشم، سُرور قلب زهرا
شبل حیدر زاده آزاده ام البینم
معنی درس وفایم، فانی راه خدایم
جرعه نوش چشمه علم امیرالمؤمنینم
شهسوار با وقار عرصه میدان عشقم
جان نثار سیّد العشاق فخر راستینم
خوانده یزدانم زلطف و مرحمت باب الحوائج
یاور هر دردمند و بینوا و دل غمینم
روز محشر هر شهیدی می برد حسرت به جا هم
زان که پرچمدار نور چشم ختم المرسلینم
ای گنه کاران بشارت باد زهرا روز محشر
آورد بهر شفاعت دست‌های نازنینم
تشنه لب در آب رفتم این سخن با خویش گفتم
من چگونه آب نوشم رهبرم عطشان بینم
مشک را پر کردم از آب و به خود گفتم که باید
راه نزدیکی برای خیمه رفتن برگزینم
راه نخلستان گرفتم لیک از شمشیر دشمن
قطع شد دست علم گیر از یسار و از یمینم
فکر کردم دست دادم آب دارم غم ندارم

سرفرازم ساقی عطشان طفلان حسینم
 ناگهان دیدم که در ره ریخت آب و سوخت قلبم
 تیر زد بر مشک، آن خصمی که بود اندر کمینم
 دیگر از دیدار آن لب تشنگان شرمنده بودم
 تیر زد دشمن به چشمم تا که طفلان را نبینم
 گفتم اکنون خوب باشد تا که برگردم به خیمه
 ناگهان بر سرفرود آمد عمود آهنینم
 ای علمدار ولی الله اعظم یا ابالفضل
 وی به یادت جاری از چشمان تر، دُرّ ثمینم^۱.

حضرت زینب علیها السلام

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا
 الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾^۲.

پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه‌ای
 که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را برپای دارند تو قلب‌های گروهی از مردم را
 متوجه آن‌ها ساز و از ثمرات به آن‌ها روزی ده شاید آنان شکر تو را به جا آورند.

دلیل همراهی حضرت زینب با امام حسین علیه السلام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَارَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي

۱. حاج غلام رضا سازگار.

۲. ابراهیم/۳۷.

أَرَادَ الْخُرُوجَ صَبِيحَتَهَا عَنْ مَكَّةَ فَقَالَ يَا أَخِي إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ مَنْ قَدْ عَرَفْتَ غَدْرَهُمْ بِأَبِيكَ وَأَخِيكَ وَقَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ حَالِكٍ كَحَالِ مَنْ مَضَى فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُقِيمَ فَإِنَّكَ أَعَزُّ مَنْ فِي الْحَرَمِ وَأَمْنَعُهُ فَقَالَ يَا أَخِي قَدْ خِفْتُ أَنْ يُعْتَلِنِي يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ فِي الْحَرَمِ فَأَكُونَ الَّذِي يُسْتَبَاحُ بِهِ حُرْمَةُ هَذَا الْبَيْتِ فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْحَنَفِيَّةِ فَإِنْ خِفْتَ ذَلِكَ فَصِرْ إِلَى الْيَمَنِ أَوْ بَعْضِ نَوَاحِي الْبَرِّ فَإِنَّكَ أَمْنَعُ النَّاسِ بِهِ وَلَا يُقَدِّرُ عَلَيْكَ فَقَالَ أَنْظِرْ فِيمَا قُلْتَ فَلَمَّا كَانَ فِي السَّحْرِ ارْتَحَلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَبَلَغَ ذَلِكَ ابْنَ الْحَنَفِيَّةِ فَأَتَاهُ فَأَحَدَ زِمَامَ نَاقَتِهِ الَّتِي رَكَبَهَا فَقَالَ لَهُ يَا أَخِي أَلَمْ تَعِدْنِي النَّظْرَ فِيمَا سَأَلْتُكَ قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا حَدَاكَ عَلَى الْخُرُوجِ عَاجِلًا فَقَالَ أَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ مَا فَارَقْتُكَ فَقَالَ يَا حُسَيْنُ اخْرُجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْحَنَفِيَّةِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ فَمَا مَعْنَى حَمْلِكَ هَؤُلَاءِ النِّسَاءَ مَعَكَ وَأَنْتَ تَخْرُجُ عَلَى مِثْلِ هَذِهِ الْحَالِ قَالَ فَقَالَ لَهُ قَدْ قَالَ لِي إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَاً وَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ مَضَى .

امام صادق عليه السلام نقل فرمودند: محمد بن حنفیه (برادر امام حسین عليه السلام) در شبی که امام عليه السلام صبح آن عازم خروج از مکه به سوی عراق بودند، نزد امام حسین عليه السلام آمد، و بینشان چنین گفتگو شد:

محمد: برادرم! شما به نیرنگ و فریبکاری مردم کوفه نسبت به پدرت و برادرت (امام حسن عليه السلام) آگاهی داری، ترس آن دارم که با تو نیز همانند آن‌ها رفتار کنند، اگر صلاح می‌دانی در مکه ماندگار باش که در این صورت عزیزترین فردی هستی که در حرم خدا است.

امام حسین عليه السلام: نگران آن هستم که یزید (به وسیله مأموران) در حرم خدا مرا

غافل گیر کند، آنگاه احترام و امنیت این خانه با کشته شدن من از میان برود. محمد: اگر این نگرانی را داری به سوی یمن، یا به یکی از بیابان‌های دور دست برو که دشمن در آن جا به تو دست نیابد.

امام حسین علیه السلام: در آن چه گفتمی می‌اندیشم. وقتی که سحر آن شب فرا رسید امام حسین علیه السلام با همراهان از مکه به سوی عراق خارج شدند، محمد بن حنفیه از این حادثه با خبر شد، با شتاب حرکت کرد و خود را به امام حسین علیه السلام رسانید، مهار شتر امام را که بر آن سوار بود، گرفت و عرض کرد: برادرم مگر به من وعده ندادی که در مورد آن چه را به عرض رساندم بیندیشی؟ امام حسین علیه السلام: آری.

محمد: پس چرا با شتاب از مکه خارج شدی؟ امام حسین علیه السلام: بعد از آن که از تو جدا شدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم [در بیداری یا در خواب] نزد من آمده و فرمودند: ای حسین! خارج شو، همانا خداوند خواسته است تو را کشته ببیند.

محمد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾، اکنون که تو با این وضع حرکت می‌کنی، همراه بردن این زنان با تو چه معنی دارد؟

امام حسین علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: همانا خداوند چنین خواسته که آنان را اسیر و گرفتار بنگرد. آنگاه امام حسین علیه السلام با محمد خداحافظی کرد و به سوی عراق حرکت نمود.

مدیریت بحران

نقش بی بدیل و بی نظیر حضرت زینب علیها السلام در نهضت عاشوراء و حادثه کربلا

هم سنگ امام حسین علیه السلام است. حادثه کربلا دارای دو بخش مهم است: ۱. هجرت از مدینه تا ورود به کربلا و شهادت همه یاران که بر عهده امام حسین علیه السلام بود. ۲. حرکت از کربلا تا کوفه و شام و بازگشت به کربلا در روز اربعین و حرکت به سمت مدینه که بر عهده حضرت زینب علیها السلام با مدیریت پنهان حضرت امام زین العابدین علیه السلام است.

وظایف سنگین حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام توانستند با درایت کامل و مدیریت در شرایط بحرانی، همراه با موقعیت شناسی در کنار صبر و شکیبایی، سه وظایف مهمی را که پس از امام حسین علیه السلام بر عهده داشتند به نحو احسن و کامل به انجام برسانند. آن سه وظیفه مهم عبارتند از:

۱. حفظ جان حجت خدا

در موارد متعددی جان بازمانده امامت و حجت الهی، حضرت امام سجاد علیه السلام به خطر افتاد که حضرت زینب توانستند با مدیریت و درایت جان حجت الهی را نجات دهند.

۲. سرپرستی و حمایت از بانوان حرم

حضور خانواده‌های شهدای کربلا در جریان حادثه عاشوراء از برگ‌های زرین نهضت امام حسین علیه السلام بود. سرپرستی و حمایت و دفاع از جان این خانواده‌ها که بالغ بر ۸۴ نفر بودند طبق توصیه و وصیت امام حسین علیه السلام بر عهده حضرت

زینب علیها السلام بود که از عهده این وظیفه خطیر به خوبی برآمدند.

۳. ابلاغ پیام عاشوراء به عالم هستی

مهم ترین وظیفه حضرت زینب علیها السلام، جلوگیری از دفن و نابودی پیام نهضت حسینی در کربلا بود و خطبه‌های غزّاء حضرت زینب علیها السلام در طول مسیر اسارت به ویژه در کاخ ابن زیاد در کوفه و یزید لعنة الله علیهما در شام توانست تمام نقشه‌های بنی امیه در هدم اسلام واقعی را نقش بر آب سازد. بی جهت نبود که امام حسین علیه السلام اهل خيام و حرم خویش را با خود به کربلا آوردند و به قول شاعر:

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود....

در حقیقت امام حسین علیه السلام با حضرت زینب علیها السلام تقسیم کار نمودند و هر یک وظیفه خطیر خویش را به نحو احسن و تمام و کمال انجام دادند.

ماندن از تو رفتن از من

برادر ماندن از تو رفتن از من	به خون غلتیدن از تو دیدن از من
دو دست ساربان ببردن از تو	دو کتف از ریسمان بر بستن از من
زمین کربلا خوابیدن از تو	به همراه یتیمان رفتن از من
ز تو قنداقه پر خون اصغر	رقیه در خرابه بردن از من
علی اکبر، تن صدپاره از تو	زلیلا شیون و نالیدن از من
تنور خولی و خاکستر از تو	به دنبال سرت نالیدن از من
سرت بر نیزه قرآن خواندن از تو	به روی ناقه‌ها نالیدن از من

به لبها چوب در طشت زر از تو به ناخن سینه بخراشیدن از من

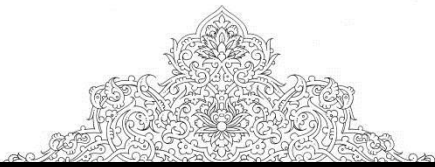
پیش‌بینی حضرت زینب علیها السلام از آینده کربلا

حضرت امام سجاد علیه السلام حادثه عاشورا را چنین نقل فرمودند:

فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا بِالطَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَقُتِلَ أَبِي عليه السلام وَقُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وُلْدِهِ وَ
إِخْوَتِهِ وَ سَائِرِ أَهْلِهِ وَ حِمَلَتْ حَرْمُهُ وَ نِسَاؤُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يُرَادُ بِنَا الْكُوفَةَ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ
إِلَيْهِمْ صَرَخِي وَ لَمْ يُؤَارُوا فَعَظُمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَ اشْتَدَّ لِمَا أَرَى مِنْهُمْ قَلْبِي فَكَادَتْ
نَفْسِي تَخْرُجُ وَ تَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَتْ مَا لِي أَرَاكَ
تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي فَقُلْتُ وَ كَيْفَ لَا أَجْرَعُ وَ أَهْلَعُ وَ قَدْ أَرَى
سَيِّدِي وَ إِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَ وُلْدَ عَمِّي وَ أَهْلِي مُصْرَعِينَ بِدِمَائِهِمْ مُرْمَلِينَ بِالْعِرَاءِ
مُسَلِّبِينَ لَا يُكْفَنُونَ وَ لَا يُؤَارُونَ وَ لَا يُعْرَجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ وَ لَا يُقْرَبُهُمْ بَشَرٌ كَانَهُمْ أَهْلُ بَيْتِ
مِنَ الدَّيْلَمِ وَ الْخَزَرِ فَقَالَتْ لَا يُخْرَعَنَّكَ مَا تَرَى فَوَ اللَّهُ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله
إِلَى جَدِّكَ وَ أَبِيكَ وَ عَمِّكَ وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ أَنَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ فَرَاعَنَتِ
هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ هُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ
فَيُؤَارُونَهَا وَ هَذِهِ الْجُسُومَ الْمُصْرَجَةَ وَ يَنْصُبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ
لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ لَيَجْتَهِدَنَّ أُمَّتُهُ الْكُفْرَ وَ
أَشْيَاعَ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَ تَطْمِيسِهِ فَلَا يَزْدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُورًا وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُورًا.

زمانی که در طف (کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم علیه السلام و تمام
فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن

حضرت را بر روی شتران بی‌جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و بدن‌های طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده‌اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه‌ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره‌ای را مشاهده کردم اضطراب و بی‌آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود، این هیئت و حالت را وقتی عمّه‌ام زینب کبری دختر علی بن ابی طالب علیه السلام از من مشاهده نمود فرمود: این چه حالی است از تو می‌بینم، ای یادگار جدّ و پدر و برادرم چرا با جان خود بازی می‌کنی؟! من گفتم: چگونه جزع و بیتابی نکنم در حالی که می‌بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه‌هایشان را از بدن بیرون آورده‌اند، بدون این که کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی‌شود گویا ایشان از خاندان دیلم و خزر می‌باشند؟! عمّه‌ام فرمود: آن چه می‌بینی تو را به جزع نیاورد، به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله با جدّ (امیر المؤمنین علیه السلام) و پدر (سید الشهداء علیه السلام) و عمویت (حضرت مجتبی علیه السلام) نموده و خداوند متعال نیز از گروهی از این امت که در عداد ستمکاران و سرکشان نمی‌باشند پیمان گرفته است ایشان در بین اهل آسمان‌ها معروف و مشهورند که این اعضاء قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجسام آغشته به خون را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت سید الشهداء نشانه‌ای نصب کرده که اثرش هیچ‌گاه کهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی‌کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می‌نمایند ولی به جای این که رسم و نشانه آن از بین رود ظاهرتر و آشکارتر می‌گردد.



بخش دوم:

**آیاتی که در شأن امام حسین علیه السلام
نازل شده است**

شان نزول آیات حسینی

الف) آیات مشترک

تمام آیاتی که در شان حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شده است، شامل حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز می شود. امام حسین علیه السلام در تمامی فضائل با اهل بیت علیهم السلام شریک هستند چرا که ایشان خامس آل عبا می باشند.

از میان صدها آیه ای که در شان حضرات اهل بیت علیهم السلام نازل شده تنها به عنوان نمونه برخی از آیات مشترک نقل می شود و برای توضیح و تفسیر آن به کتب حدیثی و تفسیری فریقین (شیعه و سنی) مراجعه شود^۱.

۱. یکی از کتاب هایی که شان نزول آیات قرآنی درباره اهل بیت علیهم السلام را جمع آوری نموده، کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم»، تألیف حاکم حسکانی (قرن پنجم) از علمای اهل سنت است. وی انگیزه خود از تألیف این کتاب را ادعای یکی از پیروان مذهب کرامیه دانسته که نزول سوره انسان در شان امام علی علیه السلام و خاندان وی را منکر شده است. بلکه ادعا کرده که هیچ آیه ای در قرآن در شان اهل بیت نازل نشده است. از سوی دیگر عالمان اسلامی به این ادعا هیچ اعتراضی نکرده و هیچ فریادی از آنان به گوش نرسید. جز یکی از اساتید مؤلف که شاگردان حاضر در آن جلسه را سرزنش نمود و به این مقدار بسنده کرد. حسکانی از این موضوع ناراحت شده و بنا به احساس

۱. آیه تطهیر

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱.

خداوند اراده کرده پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

فَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجِيءُ كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى يَأْتِيَ بَابَ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ﷺ فَيَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» فَيَقُولُ عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ثُمَّ يَأْخُذُ بَعْضَادَتِي الْبَابِ وَ يَقُولُ الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ يَوْحَمُكُمُ اللَّهُ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ فَلَمْ يَزَلْ يَفْعَلُ ذَلِكَ كُلَّ يَوْمٍ إِذَا شَهِدَ الْمَدِينَةَ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا وَ قَالَ أَبُو الْحَمْرَاءِ خَادِمُ النَّبِيِّ ﷺ أَنَا أَشْهَدُ بِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ^۲.

خادم رسول خدا ﷺ می‌گوید: زمانی که آیه تطهیر نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ هر روز هنگام نماز صبح به در خانه علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ می‌آمدند و می‌فرمودند: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد و ایشان در جواب می‌گفتند: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد ای رسول خدا! آن گاه رسول

ووظیفه تصمیم گرفت پاسخ این شبهه را به صورت مستدل و مستند بدهد؛ لذا به جمع‌آوری روایات پرداخته و شواهد التنزیل را تدوین کرده است. البته مؤلف در پایان کتاب متذکر این نکته می‌شود که چون با شتاب این کار علمی را انجام داده، توفیق جمع‌آوری کلیه احادیث در شأن نزول فضائل امام علی ﷺ را به دست نیاورده و در واقع آن چه که در دسترس وی بوده مطرح شده و از منابع دور از دسترس چشم پوشی کرده است.

۱. احزاب/۳۳.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۷.

خدا تعالی آستانه در خانه اهل بیت علیهم السلام را گرفته و می فرمودند: نماز! نماز! رحمت خدای بر شما و سپس آیه تطهیر را می خواندند ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ و تا زمانی که در مدینه حضور داشتند و تا پایان عمر شریف خویش این عمل را تکرار می کردند و من هر روز شاهد این ماجرا بودم.

۲. آیه اطاعت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولو الامر خویش فرمان برید.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ مِنْكُمْ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ صلی الله علیه و آله خَلْفَانِي وَ أَمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنِ ثُمَّ الْحُسَيْنِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ وَ سُدْرُكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيِّ وَ كُنْيَى حَجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يُثْبِتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ

قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لَشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فَقَالَ ﷺ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ إِنْ سَتَرَهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْرُوجِ عِلْمِ اللَّهِ فَكَتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ.

جابر ابن عبد الله انصاری می‌گوید: چون خدای تعالی «یا ایُّها الذِّیْنَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» را بر پیغمبر ﷺ فرستاد گفتم: یا رسول الله خدا و رسول او را شناختیم، اولی الامر و فرمانداران را که خدا طاعت ایشان را به طاعت تو پیوسته کدامند؟ حضرت فرمودند: ایشان جانشینان و پیشوایان هدایت و رستگاری پس از من هستند، اول آنان علی ابن ابی طالب است، پس از او حسن، پس از او حسین، پس از او علی ابن الحسین، پس از او محمد ابن علی که در تورات مشهور به باقر «شکافنده علم» است، و به زودی ای جابر تو او را خواهی دریافت، چون او را دیدار نمودی از جانب من به او سلام برسان، پس از او صادق جعفر ابن محمد، پس از او موسی ابن جعفر، پس از او علی ابن موسی، پس از او محمد ابن علی، پس از او علی ابن محمد، پس از او حسن ابن علی، پس از او هم نام و هم کنیه من حجت و دلیل خدا در زمین و بازمانده او در بین بندگانش: محمد ابن حسن ابن علی، او است که خدای عز و جل بر دست‌های او مشارق و مغارب زمین «هر کجا که خورشید طلوع و غروب نماید یعنی همه جهان» را می‌گشاید، و او است که از پیروان و دوستان خود غیبت نموده پنهان می‌گردد و چنان پنهانی که در آن بر امامت او ثابت و پابرجا نمی‌ماند

جز کسی که خدا دل او را برای ایمان آزمایش نموده «ایمانش محکم و استوار» است، جابر گفت گفتم: یا رسول الله آیا شیعه آن بزرگوار از او در زمان غیبتش سود می برد؟ فرمودند: آری قسم به آن کسی که مرا به حق و درستی برانگیخت از نور و روشنائی «وجود مقدّس» او روشنائی می طلبند و از ولایت و دوستی او در غیبتش بهره مند می گردند مانند بهره بردن مردم از خورشید هر چند ابر در جلو آن بر آید، ای جابر این «گفتار» از راز و علم خدا است که «از دیگران» پنهان می باشد، پس تو آن را پنهان کن جز از کسی که شایسته آن است.

۳. آیه مباهله

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^۱

هرگاه بعد از علم و دانشی که درباره مسیح به تو رسیده باز کسانی با تو به ستیز برخیزند، به آن ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می نمایم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه در حق یکدیگر نفرین کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم.

وَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ قَالَ وَقَدْ وَفَدَ نَجْرَانُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ فِيهِمُ السَّيِّدُ وَ الْعَاقِبُ وَ أَبُو الْحَرْثِ وَ هُوَ عَبْدُ الْمَسِيحِ بَنُ نُونَانَ أَسْفُتُ نَجْرَانَ سَادَةً أَهْلِ نَجْرَانَ فَقَالُوا لِمَ تَذْكُرُ صَاحِبَتَنَا قَالَ وَ مَنْ صَاحِبُكُمْ قَالُوا

عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ تَرْعَمُ أَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ قَالَ أَجَلُ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ قَالُوا فَأَرِنَا فِيمَنْ خَلَقَ اللَّهُ عَبْدًا مِثْلَهُ فَأَعْرَضَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْهُمْ فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ ﷺ بِقَوْلِهِ تَعَالَى «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ إِلَى قَوْلِهِ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» فَقَالَ لَهُمْ «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلُ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» قَالُوا نَعَمْ نُلَاعِنُكَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ وَ مَعَهُ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ﷺ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَؤُلَاءِ أَبْنَاؤُنَا وَ نِسَاؤُنَا وَ أَنْفُسُنَا فَهَمُّوا أَنْ يَلَاعِنُوهُ ثُمَّ إِنَّ السَّيِّدَ قَالَ لِابْنِ الْحَارِثِ وَ الْعَاقِبِ مَا تَصْنَعُونَ بِمِلَاعِنَتِهِ هَذَا لِأَنَّهُ إِنْ كَانَ كَاذِبًا مَا نَصْنَعُ بِمِلَاعِنَتِهِ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ صَادِقًا لَتَهْلِكُنَّ فَصَالِحُوهُ عَلَى الْجَزِيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَاعَنُونِي مَا حَالَ الْحَوْلُ وَ بَحْضَرْتِهِمْ بَشْرًا!

ابن عباس در تفسیر این آیه: «بگو بیایید پسران ما و پسران شما را فراخوانیم» می‌گوید: نمایندگان مسیحیان نجران به حضور پیامبر ﷺ آمدند و سید و عاقب و ابو الحرث که همان عبدالمسیح بن نونان است همراه ایشان بودند و این شخص اسقف نجران بود که همراه سران مردم نجران به حضور پیامبر ﷺ آمده بودند و به ایشان گفتند: چرا از پیامبر ما چنین یاد کرده‌ای؟ فرمودند: پیامبر شما کیست؟ گفتند: عیسی بن مریم و تو چنان پنداشته‌ای که او بنده خداست.

فرمودند: آری او بنده خداست. گفتند: میان آفریده‌های خداوند بنده دیگری چون او به ما نشان بده (یعنی بدون پدر متولد شده باشد). پیامبر ﷺ سکوت فرمودند و پاسخی ندادند تا آن که جبریل این آیات را آورد: «همانا مثل عیسی نزد

خداوند چون مثل آدم است که او را از خاک آفرید.» تا آخر آیه مباحله، و پیامبر به ایشان فرمودند: بیایید مباحله کنیم. گفتند: آری می‌آییم و مباحله می‌کنیم. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمدند در حالی که دست علی را در دست گرفته بودند و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هم همراهشان بودند و به مسیحیان فرمودند: اینان پسران و زنان ما و خود ماییم. آنان نخست خواستند مباحله کنند ولی سید به ابو الحرث و عاقب گفت: می‌خواهید در مورد مباحله با این مرد چه کنید؟ اگر دروغگو باشد مباحله با او چه فایده دارد؟ ولی اگر راستگو و پیامبر باشد همه شما نابود خواهید شد و با قبول پرداخت جزیه با پیامبر صلح کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، اگر با من مباحله می‌کردند يك سال نمی‌گذشت که در منطقه ایشان يك نفر هم زنده نمی‌ماند.

۴. آیه صادقین

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۱.

ای اهل ایمان! از خدا بترسید و همراه با راستگویان باشید.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ قَوْلُهُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عليهم السلام خَاصَّةً^۲.

ابن عباس در مورد آیه «صادقین» می‌گوید: این آیه تنها در مورد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و خاندان او علیهم السلام نازل شده است.

۱. توبه/۱۱۹.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۷۴.

۵. آیه خمس

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَاقُحِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

بدانید هر نوع غنیمتی نصیب شما می‌شود، یک پنجم آن، از آن خدا و رسول و خویشان رسول و یتیمان و بینویان و در راه‌ماندگان می‌باشد. اگر شما به خدا و آن چه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل؛ روزی که دو گروه مؤمن و کافر در مقابل هم قرار می‌گیرند نازل کردیم ایمان آورده‌اید، خدا بر همه چیز تواناست.

وَجَاءَ شَيْخٌ وَدَنَا مِنْ نِسَاءِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ عِيَالِهِ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَتَلَكُمْ وَ أَهْلَكَكُمْ وَ أَرَاخَ الْبِلَادَ عَنْ رِجَالِكُمْ وَ أَمَكَّنَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْكُمْ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَا شَيْخُ هَلْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ عَرَفْتَ هَذِهِ الْآيَةَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ قَالَ الشَّيْخُ نَعَمْ قَدْ قَرَأْتُ ذَلِكَ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام لَهُ فَتَحْنُ الْقُرْبَىٰ يَا شَيْخُ فَهَلْ قَرَأْتَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ آتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ فَقَالَ الشَّيْخُ قَدْ قَرَأْتُ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَتَحْنُ الْقُرْبَىٰ يَا شَيْخُ فَهَلْ قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ وَ أَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عليه السلام فَتَحْنُ الْقُرْبَىٰ يَا شَيْخُ فَهَلْ قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ قَالَ الشَّيْخُ قَدْ قَرَأْتُ ذَلِكَ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام فَتَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ حَصَّصْنَا اللَّهُ بِآيَةِ الطَّهَارَةِ يَا شَيْخُ. فَبَقِيَ الشَّيْخُ سَاكِنًا تَادِمًا عَلَىٰ مَا تَكَلَّمَ بِهِ وَ قَالَ بِاللَّهِ إِنَّكُمْ هُمْ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَاللَّهِ إِنَّا لَتَحْنُ هُمْ مِنْ غَيْرِ شَكِّ

وَحَقِّ جَدَّنَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّا لَنَحْنُ هُمْ فَبِكِي الشَّيْخِ وَرَمَى عِمَامَتَهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ عَدُوِّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ جِنٍّ وَإِنْسٍ ثُمَّ قَالَ هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ فَقَالَ لَهُ نَعَمْ إِنْ تَبْتَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ مَعَنَا فَقَالَ أَنَا تَائِبٌ فَبَلَغَ يَزِيدَ بَنَ مُعَاوِيَةَ حَدِيثَ الشَّيْخِ فَأَمَرَ بِهِ فُقْتِلَ^۱.

هنگام ورود خاندان نبوت به شام، پیرمردی از مردم شام، به آنها نزدیک شد و گفت: «سپاس خدا را که شما را کشت و نابود ساخت، و شهرها را از مردان شما آسوده کرد، و یزید را بر شما مسلط نمود.» امام سجّاد علیه السلام فرمودند: ای پیرمرد! آیا قرآن خوانده‌ای؟ پیرمرد گفت: آری. امام سجّاد علیه السلام: آیا معنی این آیه را فهمیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، بگو ای پیامبر، من برای رسالت مزدی جز دوستی با خویشانم را از شما نمی‌خواهم؟ پیرمرد: آری خوانده‌ام.

امام سجّاد علیه السلام: «منظور از خویشان پیامبر ﷺ در این آیه ما هستیم.» ای پیرمرد! آیا این آیه را خوانده‌ای؟ «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»، حق خویشان را ادا کن.» پیرمرد: آری خوانده‌ام. امام سجّاد علیه السلام: «خویشان در این آیه ما هستیم.» ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده‌ای؟ «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى»، بدانید از هر آن چه سود بردید یک پنجم آن مخصوص خدا و رسول و خویشان است.» پیرمرد: آری خوانده‌ام. امام سجّاد علیه السلام: «ای پیرمرد! خویشان در این آیه ما هستیم.» ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده‌ای؟ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، همانا خداوند خواسته است که ناپاکی را از

شما خاندان بر دارد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. پیرمرد: آری خوانده‌ام. امام سجّاد علیه السلام: این آیه در شأن ما نازل شده است.

در این هنگام پیرمرد در سکوت فرو رفت و از گفتار جسورانه خود پشیمان شد و گفت: «تو را به خدا شما همانید که گفتید؟» امام سجّاد علیه السلام: آری سوگند به خدا بدون تردید ما همان خاندانیم، به حقّ پیامبر صلی الله علیه و آله ما همان خویشاوندان او هستیم. پیرمرد پس از شناخت آن‌ها، گریه کرد و از شدّت ناراحتی، عمامه خود را از سر گرفت و بر زمین زد و دستهایش را به سوی آسمان بلند نموده و گفت: «خدایا! ما از دشمنان جتّی و انسی آل محمد صلی الله علیه و آله بیزاریم.» سپس به امام سجّاد علیه السلام عرض کرد: «آیا توبه‌ام پذیرفته است؟» امام سجّاد علیه السلام: آری اگر توبه کنی، خداوند توبه‌ات را می‌پذیرد و با ما خواهی بود. پیرمرد: «من توبه کردم.» این خبر به یزید رسید، یزید فرمان داد آن پیر را بکشید، جلّادان یزید او را به شهادت رساندند.

۶. آیه اطعام

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۱.

و غذای خود را با وجودی که به آن نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند. امام حسن و امام حسین علیهما السلام در کودکی بیمار شدند. حضرت علی و فاطمه علیهما السلام نذر کردند برای شفای فرزندان‌شان سه روز روزه بگیرند. حضرت علی علیه السلام مقداری گندم قرص کردند و حضرت فاطمه علیهما السلام آن را آرد کرده و با قسمتی از آن پنج قرص نان برای افطار روز اول تهیه کردند. هنگام افطار فقیری در خانه آمد و هر پنج قرص

نان را به او بخشیدند و خود با آب افطار نمودند. روز دوم حضرت فاطمه علیها السلام با قسمت دیگری از آردها پنج قرص نان تهیه کردند، اما هنگام افطار یتیمی در خانه آمده و هر پنج قرص نان را به او دادند و با آب افطار نمودند و روز سوم هم این جریان با آمدن یک اسیر تکرار شد و هر سه شب را با آب افطار نمودند و این آیات در شأن ایشان نازل شد^۱.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ علیه السلام. وَعَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: نَزَلَ فِي عَلِيٍّ علیه السلام سَبْعُونَ آيَةً. وَقَوْلُهُ تَعَالَى وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا السُّورَةُ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ علیهم السلام^۲.

ابن عباس می گوید: آن چه از قرآن که در باره علی علیه السلام نازل شده در باره هیچ کس نیامده است. و از مجاهد نقل شده است که گفت: هفتاد آیه در قرآن، در شأن علی علیه السلام نازل شده است و یکی از آن آیات، آیه شریفه: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ﴾ اسن که در شأن علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام، نازل شده است.

۷. آیه مودت

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾^۳.

بگو من هیچ پاداشی از شما برای رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هرکس عمل نیکی انجام دهد بر نیکی اش می افزائیم چرا که

۱. مراجعه کنید به تفاسیر شیعه و سنی.

۲. کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۳۵۶ الی ۳۷۱.

۳. شوری/۲۳.

خداوند آمرزنده و شکر گزار است.

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَتَيْتَ الْبُصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَاتَّبَعْتَهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ ثُمَّ قَالَ مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبُصْرَةَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا لِأَقْرَابِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ عليهم السلام .^۱

اسماعیل بن عبد الخالق می گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام به ابو جعفر احوول فرمودند: تو به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری. امام عليه السلام فرمود: شتاب مردم را در پذیرش امامت چگونه یافتی؟ او در پاسخ عرض کرد: به خدا سوگند آنها اندکند و اگر چه کوشش هم می کنند ولی کوشش آنها هم ناچیز است. حضرت عليه السلام فرمود: به جوانان روی آورید که آنها به هر کار خیری شتابان ترند. سپس امام عليه السلام فرمودند: مردم بصره پیرامون آیه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ چه می گویند؟ گفت: قربانت گردم آنها می گویند: ایشان نزدیکان پیامبر خدا هستند. امام عليه السلام فرمود: دروغ می گویند این آیه مخصوصا در باره ما اهل بیت، علی، فاطمه، حسن و حسین عليهم السلام که اصحاب کساء هستند نازل شده است.

ب) آیات اختصاصی

علاوه بر نزول آیات مشترک بین امام حسین علیه السلام و دیگر اهل بیت علیهم السلام، آیات دیگری به طور اختصاصی در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده است. بدیهی است برای به دست آوردن شأن نزول این آیات تنها به مفسران واقعی قرآن باید مراجعه کرد و حقیقت آیات را باید از ایشان اخذ نمود. هم آنان که طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین شریک القرآن هستند.

برخی از آیات اختصاصی عبارتند از:

۸. حمل و ولادت

﴿وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾^۱.

و ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون حضرت فاطمه علیها السلام به حسین آبستن شدند، جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: به راستی فاطمه علیها السلام به زودی پسری آورد که پس از تو امت او را بکشند، پس چون فاطمه به حسین آبستن شد در باره او نگرانی داشت و چون او را هم زائید در باره او ناراحت بود و نگرانی داشت سپس امام صادق علیه السلام فرمود: در دنیا مادری دیده نشده که پسر زاید و این چنین ناراحت و

نگران باشد ولی نگرانی فاطمه از این راه بود که می‌دانست کشته می‌شود پس درباره او این آیه نازل شد: «ما وصیت کردیم انسان را به والدینش نیکی کند، مادرش او را به ناخوشی باردار شد و به ناخوشی زائید، و آبستنی و از شیر بازگرفتنش سی ماه است»^۱.

امام حسین علیه السلام همانند حضرت یحیی بن زکریا شش ماهه متولد شدند و طبق آیه فوق با دو سال شیرخواری، مدت حمل و شیرخواری ۳۰ ماه می‌شود.^۲

۹. نفس مطمئنه

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾^۳.

ای صاحب نفس مطمئن! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از خدا راضی هستی و هم خدا از تو راضی است پس در جمع بندگانم وارد شو و در بهشت مخصوص من در آی.

ابن فرقد می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید زیرا آن سوره حسین علیه السلام است. به آن سوره کمال اشتیاق را داشته باشید خدا شما را رحمت کند. ابو اسامه که حضور داشت عرض کرد: چه شد که این سوره اختصاص به حضرت حسین علیه السلام یافت؟ فرمودند: مگر

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۴.

۲. خصائص الحسينيه، ص ۳۴۶، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۳ و کامل الزیارات، باب ۱۶، ص ۵۵.

۳. فجر/ ۲۷ الی ۳۰.

این آیه را ننشیده‌ای در آن سوره ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾؟ منظور از «نفس مطمئنه»، حسین علیه السلام است چرا که او دارای نفس مطمئن و راضی و مرضی بود و اصحاب او از آل محمد علیهم السلام راضی از خدایند و خداوند نیز روز قیامت از ایشان راضی است. این سوره درباره حسین بن علی و پیروان او و پیروان آل محمد علیهم السلام است. هر که ادامه دهد خواندن سوره فجر را، در بهشت با حضرت حسین علیه السلام خواهد بود در همان درجه‌ای که او هست و خداوند عزیز و حکیم است!

۱۰. ذبح عظیم

﴿وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾^۲.

و قربانی بزرگی را در عوض او قرار دادیم.

فضل بن شاذان گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: زمانی که خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام امر فرمود که به جای فرزندش اسماعیل، گوسفندی را که خداوند فرستاده بود ذبح نماید، حضرت ابراهیم علیه السلام در دل آرزو کرد که ای کاش فرزندش اسماعیل علیه السلام را به دست خود ذبح می‌کرد و دستور ذبح گوسفند به جای ذبح فرزندش به او داده نشده بود، تا به این وسیله احساس پدری را که عزیزترین فرزندش را به دست خود ذبح می‌کند، داشته باشد و در نتیجه شایسته رفیع‌ترین درجات ثواب در صبر بر مصائب شود، خداوند عزّ و

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۶۹.

۲. صافات/۱۰۷.

جلّ نیز به او وحی فرمود که: ای ابراهیم! محبوب ترین خلق من، نزد تو کیست! ابراهیم گفت: خدایا! مخلوقی خلق نکرده‌ای که از حییت محمد ﷺ نزد من محبوب تر باشد، خداوند به او وحی فرمود که: ای ابراهیم آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟ او گفت: نه، او را بیشتر دوست دارم، خداوند فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد: فرزند او را، خداوند فرمود: آیا بریده شدن سر فرزند او از روی ظلم، به دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می‌آورد یا بریدن سر فرزندت به دست خودت به خاطر اطاعت از فرمان من؟ گفت: بریده شدن سر فرزند او به دست دشمنانش دل مرا بیشتر به درد می‌آورد، خداوند فرمود: گروهی که خود را از امت محمد ﷺ می‌دانند، فرزندش حسین را به ظلم و ستم مانند گوسفند ذبح خواهند کرد و با این کار مستوجب خشم و غضب من خواهند شد، ابراهیم ﷺ بر این مطلب جزع و فزع نموده، دلش به درد آمد و شروع به گریه کرد، خداوند عزّ و جلّ هم به او چنین وحی فرمود: ای ابراهیم! به خاطر این ناراحتی و جزع و فزع بر حسین و قتل او، ناراحتی و اندوهت بر اسماعیل را (در صورتی که اگر او را ذبح می‌کردی) پذیرفتم، و رفیع‌ترین درجات ثواب، در صبر بر مصائب را به تو خواهم داد، و این همان مطلبی است که آیه ﴿وَقَدْ نَبَأَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ﴾ (ذبح بزرگی را جایگزین او کردیم) بدان اشاره دارد. و لا حول و لا قوّة إلا بالله العلیّ العظیم^۱.

۱۱. بیمار حسین علیه السلام

﴿فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾^۱. در این هنگام ابراهیم نظر مخصوصی به ستارگان کرد و گفت: من بیمارم.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ قَالَ حَسَبَ فَرَأَى مَا يُحَلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ لِمَا يُحَلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام^۲.

امام جعفر صادق علیه السلام در قول خدای عزوجل: ﴿فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾، یعنی: «پس ابراهیم نگاه کرد نگاه کردنی در ستارگان و گفت: به درستی که من بیمارم». حضرت فرمودند: «ابراهیم حساب نمود و دید آن چه را که بر امام حسین علیه السلام فرود می آید، پس گفت که: من بیمارم از برای آن چه بر امام حسین علیه السلام فرود خواهد آمد.

۱۲. نام یگانه

﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾^۳. ای زکریا ما تو را به فرزندی که نام او یحیی است مژده می دهیم که تا حال کسی را چنین نامی نداده ایم.

عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ عَبْدِ الْخَالِقِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا وَيَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا وَلَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَيْهِمَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا قَالَ قُلْتُ مَا بُكَوْهَا

۱. صافات/ ۸۸ و ۸۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳. مریم/ ۷.

قَالَ كَانَتْ تَطْلُعُ حَمْرَاءَ وَتَعْرُبُ حَمْرَاءَ^۱.

عبد الخالق روایت می‌کند: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم در تفسیر این آیه فرمودند: منظور امام حسین و یحیی بن زکریا است که قبل از ایشان، هم نامی نداشتند و آسمان فقط بر آن دو، چهل روز گریه کرد. سؤال شد: گریستن آسمان چگونه بود؟ فرمودند: به سرخی طلوع و به سرخی، غروب می‌کرد.

۱۳. خروج از مدینه

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾^۲.

به آن‌ها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خداوند قادر بر نصرت آن‌ها است. آنان که به ناحق از شهر و دیار خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز این که می‌گفتند پروردگار ما الله است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در شأن حضرت علی و جعفر و حمزه علیهم السلام نازل شد سپس در حق امام حسین علیه السلام جاری گشت زمانی که یزید لعنة الله علیه او را به شام فرا خواند و او به سمت کوفه حرکت کرد و در طف (کربلا) به شهادت رسید^۳.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱۱.

۲. حج/ ۳۹ و ۴۰.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۴.

۱۴. قیام امام حسین علیه السلام

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۱.

آیا ندیدی حال کسانی که به آن‌ها گفته شد اکنون از جنگ خود داری کنید و دست بکشید و به نماز و دادن زکات اقدام کنید پس زمانی که حکم جهاد بر آن‌ها نوشته شد مانند آن که از خدا بترسند از دشمنان ترسیدند و گفتند پروردگارا چرا بر ما حکم جهاد را واجب فرمودی و چرا عمر ما را تا هنگام مرگ طبیعی به تاخیر نینداختی؟! به آنان بگو زندگانی دنیا متاعی است اندک و آخرت برای هر که خدا ترس باشد بهتر از دنیاست و در آن جا کمترین ستمی به کسی نخواهد شد.

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: ابتدای این آیه ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ در مورد امام حسن علیه السلام نازل شد و ادامه آیه ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ﴾ در مورد امام حسین علیه السلام نازل و انتهای آیه ﴿لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾ در مورد قیام حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است و منظور اطاعت از امام است هرگاه امر به صلح یا قیام نمود^۲.

۱. نساء/۷۷.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۳۰.

۱۵. انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا﴾^۱.

کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مکشید مگر به حق. و هر کس که به ستم کشته شود، به طلب‌کننده خون او قدرتی داده‌ایم. ولی در انتقام از حد نگذرد، که او از جانب خدا مؤید و منصور خواهد بود.

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً﴾ فرمودند: منظور از این آیه امام حسین علیه السلام می‌باشد، زیرا آن بزرگوار مظلومانه شهید شد و ما امامان خون خواه آن حضرت هستیم. هنگامی که قائم ما خاندان قیام کند خون امام حسین را طلب خواهد کرد. او به قدری از قاتلان امام حسین علیه السلام را می‌کشد که خواهند گفت: در قتل اسراف می‌کند. امام باقر علیه السلام فرمودند: منظور از مقتول، امام حسین و منظور از خون خواه حضرت قائم و منظور از اسراف در قتل کشتن غیر قاتل می‌باشد و منظور از یاری شدن این است که مردی از آل رسول صلی الله علیه و آله زمین را پر از عدل و داد کند همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد و او را یاری نماید.^۲

کیفر گناه پدران بر عهده کدام فرزندان است؟

عبدالسلام هروی می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: یا ابن رسول الله! چه می‌فرمائید در باره این حدیث که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه قائم قیام

۱. اسراء/۳۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸.

کرد، بازماندگان کشتگان امام حسین علیه السلام به کیفر اعمال پدرانشان کشته می‌شوند؟ فرمودند: همین طور است. عرض کردم: پس این که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^۱. گناه کسی را به پای کسی نمی‌نویسند؛ یعنی چه؟ فرمودند: آن چه خدا فرموده صحیح است ولی بازماندگان کشتگان امام حسین از اعمال پدرانشان راضی هستند و به کار آنان افتخار می‌کنند و هر کس از چیزی راضی باشد مثل آن است که آن را انجام داده است. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب راضی به کشته شدن او باشد، در نزد خدا شریک جرم قاتل است! به این علت است که حضرت قائم اولاد قاتلان امام حسین علیه السلام را هنگام ظهورش به قتل می‌رساند.^۲

۱۶. تفسیر حروف مقطعه قرآن

﴿كهيعص﴾^۳. (کاف، ها، یا، عین، صاد).

این حروف رموز و اسراری است در میان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم.

سعد بن عبد الله می‌گوید: همراه با احمد بن اسحاق به سامراء رفته و خدمت امام حسن عسکری علیه السلام مشرف شدیم. من سؤالاتی داشتم که حضرت به فرزندشان امام مهدی علیه السلام اشاره کرده و فرمودند: از او سؤال کن! و من از ایشان پرسیدم: مرا از تأویل «كهيعص» با خبر بفرمایید؟ فرمودند: این حروف از اخبار غیب است، خداوند بنده خود زکریا را بر آن واقف فرمود، سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم نقل

۱. اسراء/ ۱۵.

۲. مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)، ص ۱۱۰۶.

۳. مریم/ ۱.

فرمود، و داستانش از این قرار بود که زکریا علیه السلام از پروردگارش خواست که نام‌های پنج گانه را به او بیاموزد، پس جبرئیل نازل شده و آن‌ها را به او آموخت، و زکریا را رسم بر این بود که هر گاه یاد محمد و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام می‌افتاد اندوهش برطرف می‌شد و گرفتاریش زایل می‌گشت، ولی هر گاه نام مبارك حسین علیه السلام را ذکر می‌کرد بغض و اندوه گلویش را می‌گرفت و می‌گریست و نفسش بند می‌آمد. روزی عرضه داشت: بار إلهای! چرا وقتی نام آن چهار بزرگوار را یاد می‌کنم با ذکر نام ایشان تسلیت یافته و اندوهم بر طرف می‌شود، ولی به محض یاد حسین سرشک غم از دیدگانم روان شده و ناله‌ام بلند می‌شود؟! پس خداوند این گونه او را از قصه‌اش باخبر ساخته و فرمود: «کهیعض»، پس حرف کاف نام «کریلا» است، و حرف هاء «هلاک شدن عترت» است، و یاء «یزید» هم او که به حسین ظلم می‌کند، و «ع» «عطش و تشنگی» است، و صاد «صبر» و مقاومت او است. زکریا به محض شنیدن آن فرمایشات تا سه روز نمازگاه خود را ترك نگفت و مانع مردم از ورود به آن جا شد، و پیوسته زار زار گریست و نالید، و نوحه او چنین بود: خدایا! آیا بهترین فرد خلقت را به مصیبت اولادش دردمند می‌سازی؟! خدایا! مگر این مصیبت را در آستان او نازل می‌کنی؟! خدایا! مگر جامه این مصیبت و اندوه را بر علی و فاطمه می‌پوشانی؟! خدایا! آیا اندوه و درد این مصیبت را بر ساحت آن دو نازل می‌کنی؟! سپس عرضه داشت: خدایا! فرزند پسری روزی ام فرما تا در کهنسالی دیدگانم بدان روشن شود، سپس مرا شیفته او گردان، آن گاه مرا به واسطه آن هم چنان که محمد حبیب خود را دردمند ساختی سرا پای وجودم را دردمند

ساز! پس خداوند نیز یحیی را روزی اش ساخته و زکریا را بدو دردمند نمود. و مدت بارداری یحیی هم چون حسین شش ماه بود.^۱

۱۷. پشتوانه امامت

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲. و آن را کلمه‌ای پایدار در میان فرزندان او قرار داد، باشد که ایشان به راه آیند.

مفضل می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام عرض کرد:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾ قَالَ يُعْنِي بِذَلِكَ الْإِمَامَةَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ صَارَتِ الْإِمَامَةُ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ دُونَ وُلْدِ الْحَسَنِ عليه السلام وَهُمَا جَمِيعاً وَلَدَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ سِبْطَاهُ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ عليه السلام إِنَّ مُوسَى وَ هَارُونَ كَانَا نَبِيِّنِ مُرْسَلَيْنِ أَخَوَيْنِ فَجَعَلَ اللَّهُ التُّبُوَّةَ فِي صُلْبِ هَارُونَ دُونَ صُلْبِ مُوسَى وَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ الْإِمَامَةَ خَلَافَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي صُلْبِ الْحُسَيْنِ دُونَ صُلْبِ الْحَسَنِ لِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَكِيمُ فِي أَفْعَالِهِ ﴿لَا يُسْتَلَّ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْتَلُونَ﴾^۳. یا ابن رسول الله مرا از معنای فرمایش خدای عز و جل در قرآن آگاه فرما که می‌فرماید: خداوند آن را کلمه‌ای پایدار مقرر فرمود. امام صادق علیه السلام فرمودند: مقصود از آن «کلمه»، امامت است که خداوند آن را در فرزندان حسین تا روز قیامت مقرر فرمود. مفضل گوید

۱. احتجاج طبرسی، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۵۶۳.

۲. زخرف/۲۸.

۳. انبیاء/۲۳.

عرض کردم: یا ابن رسول الله چگونه امامت در فرزندان حسین مقرر شد نه فرزندان حسن با این که هر دو فرزندان رسول خدایند و نواده‌گان پیغمبر و سرور جوانان بهشتی؟ فرمودند: همانا موسی و هارون هر دو پیغمبر فرستاده شده از جانب خدا بودند و هر دو برادر يك دیگر ولی خداوند نبوت را در نسل هرون قرار داد نه موسی! و کسی را نرسد که بگوید چرا خداوند این چنین کرد. امامت نیز منصب و جانشینی از جانب خدا است کسی را نرسد که بگوید چرا خداوند آن را در نسل حسین قرار داد نه نسل حسن علیه السلام زیرا کارهای خداوند حکیمانه است. سپس این آیه را قرائت فرمودند: خداوند در کارهایش مورد سؤال واقع نمی‌شود بلکه مردم مسئول کردارشان هستند^۱.

۱۸. بازگشت امام حسین علیه السلام به دنیا

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾^۲. روزی که حادثه ای به شدت لرزان همه

چیز را بلرزاند در حالی که حادثه لرزاننده دیگری از پی آن در آید.

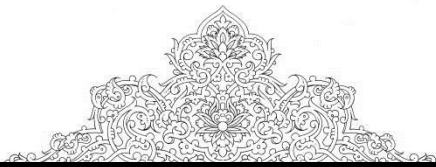
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾ قَالَ الرَّاجِفَةُ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَ الرَّادِفَةُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذرتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾^۳.

۱. الخصال، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. نازعات/ ۶ و ۷.

۳. غافر/ ۵۱ و ۵۲.

امام صادق علیه السلام در تأویل این آیه شریفه: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ تَتَّبِعَهَا الرَّادِفَةُ»^۱ یعنی: بیاد آور روزی را که کسی با حرکت سریع و اضطراب از جا برمی خیزد و دیگری نیز از پی او می آید. فرمودند: «راحفه» حسین بن علی و «رادفه» دیگری که از پی او می آید علی بن ابی طالب علیه السلام است. نخستین کسی که در رجعت از قبر بیرون می آید و خاک از سر و روی خود می تکاند، حسین بن علی است که با هفتاد و پنج هزار نفر برانگیخته می شوند. چنان که خداوند در قرآن می فرماید: ما پیغمبران خود و مردم با ایمان را در زندگی دنیا و در روزی که شهیدان برمی خیزند یاری می کنیم روزی که عذر ستمگران سودی به حال آن ها ندارد، لعنت خدا و عاقبت بد؛ برای آنان است.^۱



بخش سوم:

**آیاتی که امام حسین علیه السلام در جریان
حادثه عاشوراء قرائت فرمودند**

استناد قرآنی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام

قرآن در خانه اهل بیت علیهم السلام نازل شد و به همین دلیل سخن گفتن حضرات اهل بیت علیهم السلام آمیخته با آیات قرآنی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر به یکصد آیه قرآن استناد می‌کنند و در خطبه فدکیه حضرت زهراء علیها السلام آیات قرآنی می‌درخشد و نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر آیات قرآنی است. هم چنان که هیچ یک از دعا‌های صحیفه سجاده امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام نیز خالی از آیات الهی نیست. امام حسین علیه السلام نیز در مسیر حرکت و قیام جاودانه خود که برگرفته از قرآن است، از ابتدای حرکت خود از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا با قرآن سخن گفته و خطبه خواندند و آیات الهی را تفسیر نمودند. شگفت تر از آن قرائت قرآن از رأس از تن جدای حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در منازل گوناگون است.

بدیهی است حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، مفسّر، مترجم، مبیین و حقیقت قرآن بلکه شریک القرآن است و تمام سخنان ایشان از کلام عصمت و برگرفته از آیات الهی است چه با آیات قرآن سخن بگویند و چه کلام معمولی داشته باشند و این مواردی که ذکر شد تنها به عنوان نمونه ای کوچک از لسان وحی گونه حضرت

سید الشهداء علیه السلام است.

برخی از این آیات در ادامه می آید:

۱. آغاز حرکت

هنگامی که مروان حکم در مدینه پیشنهاد بیعت با یزید را به امام حسین علیه السلام داد، حضرت آیه استرجاع را خواندند:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱. ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم.

سپس فرمودند: دیگر باید فاتحه اسلام و مسلمانی را خواند و با آن وداع گفت، آن گاه که جامعه و مردم دچار زمامدار و رهبری همانند یزید گردند^۲.

در این هنگام مروان عصبانی شده و با خشم گفت شما را رها نمی کنم مگر آن که با یزید بیعت کنید!

امام حسین علیه السلام فرمودند: وای بر تو ای مروان! از من دور شو که تو پلیدی و ما خاندان طهارت هستیم و خداوند این آیه را در شأن ما نازل فرموده است:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۳. همانا

خداوند می خواهد که از شما اهل بیت هر ناپاکی و پلیدی را دور کند و شما را پاک و پاکیزه نماید^۴.

۱. بقره/۱۵۶.

۲. لهوف، ص ۱۲.

۳. احزاب/۳۳.

۴. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۲۲.

۲. وصیت نامه

حضرت امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مدینه در خلال وصیت نامه ای که به برادرشان محمد حنفیه نوشتند به این آیه قرآن اشاره نمودند:

﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾^۱. بدون تردید روز رستاخیز خواهد رسید و خداوند تمام مردگان را از قبرها برانگیزد.

و در پایان وصیت نامه خویش این آیه را نگارش نمودند:

﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾^۲. و توفیقات من فقط از ناحیه پروردگار است. بر او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم.^۳

۳. جواب نامه یزید

یزید بن معاویه لعنة الله عليهما نامه ای به مردم مدینه، قریش و بنی هاشم نوشت و در خلال اشعاری به زعم خود آنان را از جنگ و ریاست طلبی بر حذر داشت. مردم مدینه نامه یزید را خدمت امام حسین علیه السلام آوردند و آن حضرت در جواب نوشتند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بِرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۴. وَالسَّلَام.

اگر تو را انکار کردند، بگو: عمل من برای من و عمل شما برای خودتان؛ شما از

۱. حج/۷.

۲. هود/۸۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۴. یونس/۴۱.

عمل من بیزارید و من هم از عمل شما بیزارم^۱.

۴. درخواست جنیان از امام حسین علیه السلام

هنگام حرکت به سوی مکه گروهی از جن که مسلمان بودند به حضور امام حسین علیه السلام مشرف شدند و گفتند: ای سید ما! ما از پیروان و انصار تو هستیم. هر امری که داری و هر چه خواهی به ما بفرما! اگر تو ما را به قتل تمام دشمنانت امر فرمائی و در همین مکان باشی ما برای تو کافی خواهیم بود.

امام حسین علیه السلام برای آنان دعای خیر نموده و فرمودند: آیا قرآنی را که خدا بر جدم نازل کرده قرائت نکرده‌اید که می‌فرماید:

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسَيَّدَةٍ﴾^۲. هر کجا باشید مرگ به سراغ شما خواهد آمد هر چند در برج‌ها و قلعه‌های بسیار محکم باشید.

آن‌گاه این آیه را قرائت فرمودند:

﴿لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ﴾^۳. کسانی که کشته‌شدن بر آنها مقرر شده است از خانه خود به قتلگاه خود بیرون می‌روند.

سپس فرمودند: اگر من در مکان خود بمانم پس این مردم چگونه آزمایش خواهند شد؟

گروه جن در جواب آن بزرگوار گفتند: ای حبیب خدا و پسر حبیب خدا! اگر اطاعت امر تو واجب نبود و جایز بود که ما با دستور تو مخالفت کنیم بخدا قسم

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۶۷.

۲. نساء/۷۸.

۳. آل عمران/۱۵۴.

کلیه دشمنان تو را قبل اینکه بتو برسند نابود می‌کردیم.

امام حسین علیه السلام در جواب آنان فرمود: به خدا قسم که ما از شما بر ایشان مسلط تر می‌باشیم و این آیه را خواندند: ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾^۱. تا هرکس هلاک شود از روی حجت و آگاهی هلاک شود و هرکه حیات واقعی می‌یابد از روی دلیل حیات یابد^۲.

۵. به سوی مکه

هنگامی که امام حسین متوجه مکه شدند، آیه ای را قرائت فرمودند که حضرت موسی هنگام خروج از مصر و حرکت به سمت مدائن گفت: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۳. پس خارج شد از شهر درحالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای بود و چنین گفت پروردگارا مرا از این قوم ظالم رهائی بخش.

وقتی امام حسین در روز جمعه که سوم ماه شعبان بود داخل مکه معظمه شدند این آیه را خواندند: ﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾^۴. وقتی موسی متوجه شهر مدین شد گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه صحیح هدایت نماید^۵.

۱. انفال/۴۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۱.

۳. قصص/۱۸.

۴. قصص/۲۲.

۵. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۵.

۶. خروج از مکه

زمانی که امام حسین علیه السلام در مکه بودند، ابن عباس چند نوبت خدمت حضرت رسیده و در خواست نمودند که در مکه بمانند و هنگامی که متوجه عزم امام علیه السلام بر خروج از مکه شد با اصرار زیاد خواستند که به سمت کوفه حرکت نکنند. امام حسین علیه السلام برای آرام کردن ابن عباس به قرآن تفأل زدند و این آیه آمد:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۱. هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید و شما پاداش خود را در روز قیامت کامل خواهید گرفت.

آن گاه امام حسین علیه السلام به ابن عباس فرمودند: دیگر اصرار مکن که قضای خدای عزوجل برگشت ندارد.^۲

۷. امام نور، امام نار

پس از خروج از مکه هنگامی که امام حسین علیه السلام به منزل ثعلبیه رسیدند مردی به نام بشر بن غالب نزد ایشان آمده و عرض کرد یا ابن رسول الله به من خبر دهید منظور از این گفتار خدای عز و جل چیست؟ ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِسْمِهِمْ﴾^۳. «به یاد آورید روزی را که هر گروهی از مردم را با امام خودشان بخوانیم».

امام حسین علیه السلام فرمودند: منظور آن امامی است که به حق دعوت کرده و او را اجابت کردند و امامی دیگر که به گمراهی دعوت کرده و او را اجابت کردند آن دسته در بهشتند و اینان در دوزخ و این همان فرمایش خداوند است که فرمود:

۱. آل عمران/۱۸۵.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۶۱، به نقل از معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. اسراء/۷۱.

﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾^۱. گروهی به بهشت و گروهی به آتش سوزان وارد خواهند شد.^۲

۸. اتمام حجت با همه

امام حسین علیه السلام قبل از ورود به سرزمین کربلا به عبد الله بن حر فرمودند: ای مرد! اگر در این ساعت مرا یاری کنی جدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد خدا شفیع تو خواهد بود در غیر این صورت گنه‌کار و خطاکار می‌شوی و خدا از تو مؤاخذه می‌نماید. عبد الله گفت: یا بن رسول الله! اگر من تو را یاری کنم اول کسی خواهم بود که در پیش تو کشته‌گردم. ولی اسب خود را به تو می‌دهم. به خدا قسم تا به حال بر این اسب سوار نشدم مگر این که مرا به مقصدم رسانده است و هیچ کس مرا تعقیب ننموده مگر این که مرا نجات داده. این اسب را قبول کن. امام حسین علیه السلام فرمودند: ما به تو و اسب تو احتیاجی نداریم. سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾^۳. من گمراه‌کنندگان را به یاری نمی‌گیرم.

آن‌گاه فرمودند: از این جا فرار کن که هر که صدای استغاثه ما اهل بیت را بشنود و ما را یاری نکند خدای توانا او را با صورت در آتش جهنم می‌اندازد. امام حسین پس از این جریان حرکت نمودند تا وارد کربلاء شدند و فرمودند: این جا چه موضعی است؟ گفته شد: یا بن رسول الله! این جا کربلاء می‌باشد فرمودند:

هَذَا وَاللَّهِ يَوْمَ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ وَهَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي يُهْرَاقُ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَيُبَاخُ فِيهِ حَرِيمُنَا بِهِ

۱. شوری/ ۷.

۲. الأمالی (للصدوق)، ص ۱۵۳.

۳. کهف/ ۵۱.

خدا قسم که امروز روز کرب و بلاء می باشد، و این همان موضعی است که خون های ما در آن ریخته خواهد شد، و حرمت ما در این جا از بین خواهد رفت^۱.

۹. نامه ای به کوفیان

امام حسین پس از ورود به کربلا دوات و کاغذ خواسته و نامه ای برای بزرگان کوفه نوشتند. مضمون آن نامه این است:

بسم الله الرحمن الرحيم اما بعد؛ شما می دانید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که ببیند سلطان ستم کاری را که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول الله باشد، در میان مردم با گناه و عدوان رفتار نماید، و با قول و رفتار خود با او مبارزه نکند، خدا حق دارد که او را در جایگاه عذاب آن ستمگر وارد کند.

نامه های شما به من رسید، فرستادگان شما بیعت های شما را به من رساندند که مرا تسلیم دشمن نکنید و رها ننمائید. اگر شما به بیعت خود وفا کنید بهره و هدایت خود را یافته اید. جان من با جان شما اهل و فرزندان من با اهل و فرزندان شما خواهد بود. اگر عهد و پیمان خود را بشکنید، بیعت خود را خلع نمائید که به جان خودم سوگند این اعمال از شما بعید نیست، زیرا شما این گونه بی وفائی ها را با پدر و برادر و پسر عمویم مسلم کردید این را بدانید... سپس این آیه را در فراز پایانی نامه خویش نگاشتند:

﴿فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ﴾^۱. پس هرکس که پیمان شکند همانا به زیان خویش پیمان شکسته است.

آن گاه نامه را در هم پیچیده و مهر کردند و به قیس بن مسهر صیداوی داده و به سوی کوفه فرستادند.^۲

و هنگامی که خبر شهادت نامه رسان خود «قیس بن مسهر صیداوی» را شنیدند، اشک در چشمان مبارکشان حلقه زده و این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۳. در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغیر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.^۴

سپس فرمودند: خداوندا! برای ما و آنها بهشت را کرامت فرما، و ما و آنان را در جایگاه رحمت و پاداش ذخیره‌شده مرغوب خویش جمع بفرما.

۱۰. شب عاشورا و بیان فضائل آل عبا

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: وقتی امام حسین علیه السلام بیعت خویش را از اصحاب برداشتند، جمعی از ایشان پراکنده شدند و رفتند، اما خویشان و یاران نزدیک ماندند و گفتند: ما از تو جدا نخواهیم شد تا اندوه و مصیبتی که به شما

۱. فتح/۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.

۳. احزاب/۲۳.

۴. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۰۸.

می‌رسد به ما هم برسد چرا که نزدیک ترین حالات ما به خدا زمانی است که با تو باشیم. امام حسین علیه السلام فرمودند: حال که خود را همانند من آماده شهادت کرده اید بگذارید از آغاز امر ما و شما برایتان بگویم. خداوند وقتی آدم را آفرید و آراست و به او اسماء هر چیز را آموخت و بر ملائکه آنها را عرضه داشت، اشباح محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین این پنج نور را در نهاد آدم قرار داد و انوار آنها در آسمانها و حجب و بهشت و کرسی و عرش می‌درخشیدند، آن گاه به ملائکه دستور داد برای آدم سجده کنند به احترام او چرا که آدم ظرفیت پذیرش این انوار که نورشان جهان را فرا گرفته بود دارا شد. سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^۱. و زمانی که به فرشتگان فرمان دادیم که به آدم سجده کنید، همه سجده کردند جز شیطان که سرپیچی کرد و کبر ورزیده و از گروه کافران شد.

ملائکه سجده نمودند به جز ابلیس که امتناع ورزید از تواضع نسبت به جلال خدا و این که برای انوار اهل بیت تواضع نماید با وجودی که تمام ملائکه تواضع نمودند اما او تکبر کرد و خود را بالا گرفت و به واسطه همین امتناع و تکبر از کفار شد.^۲

۱۱. غم و اندوه بانوان اهل حرم

حضرت سکینه دختر امام حسین علیه السلام می‌گوید: هنگامی که بسیاری از همراهان

۱. بقره/۳۴.

۲. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، ص ۲۱۸.

پدرم بازگشتند و جز اندکی از اصحاب خاص در کنار ایشان نماندند، گریه و اندوه مرا فرا گرفت و جریان را به اطلاع عمه ام «ام کلثوم» رساندم ایشان هم سخت گریستند. پدرم صدای ما را شنید و گریان نزد ما آمد و فرمود: چرا می‌گریید؟ ام کلثوم عرض کرد: برادر جان ما را به حرم جدمان بازگردان. امام حسین علیه السلام فرمودند: خواهر جان من راهی برای بازگشت ندارم. آنان قصدی جز کشتن من ندارند و لازم است که شما بر این مصیبت‌ها و نزول بلاها صبر کنید. ساعتی همراه امام گریستیم و ایشان این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^۱. و آنان بر ما ستم نکردند، بلکه بر خود ستم می‌کردند.^۲

۱۲. شب عاشوراء

شمر بن ذی الجوشن لعنة الله عليه در شب عاشوراء با گروهی از همراهان خود به خیمه‌های امام حسین علیه السلام نزدیک شد. در این هنگام صدای زیبای امام حسین علیه السلام با قرائت این آیات به گوش رسید:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّنا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرًا لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّما نُمَلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهِينٌ ما كانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ على ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۳. آنان که کافر شدند، گمان نکنند که مهلت دادن و ادامه زندگی برای آن‌ها سودمند است؛ بلکه مهلت می‌دهیم تا به گناه خود بیفزایند و برای آن‌ها عذابی

۱. بقره/۵۷.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۵۱.

۳. آل عمران/۱۷۸ و ۱۷۹.

خوارکننده خواهد بود. خداوند اهل ایمان را به این حالی که شما هستید نمی‌گذارد، تا ناپاک را از پاک جدا سازد.

یکی از همراهان شمر فریاد زد: به خدای کعبه سوگند که ما همان پاکیزگان و شما ناپاکان هستید! بُریر از اصحاب امام حسین علیه السلام که در حال خواندن نماز بود، نماز خود را رها کرد و فریاد کشید: ای فاسق! ای تبهکار! ای دشمن خدا! آیا تو جانور جزء پاکیزگانی پس تو را به آتش و عذاب دردناک قیامت نویدت باد... امام حسین علیه السلام فرمودند: به جای خود برگرد و با اینان سخن مگو به جانم سوگند! چنان چه مؤمن آل فرعون به قوم خود اندرز داد و در دعوت آنان کوتاهی نکرد تو نیز اندرز دادی و در آن کوتاهی نکردی.^۲

۱۳. روز عاشوراء

امام حسین علیه السلام روز عاشورا در گفتگویی که با کوفیان داشتند فرمودند: مگر شما برایم ننوشته بودید: میوه‌ها رسیده، باغ‌ها سرسبز شده و نهرها لبریز گردیده، اگر بیایی بر سپاهی که برایت آماده شده، وارد خواهی شد، بیا؟! ولی آن‌ها در پاسخ امام حسین علیه السلام گفتند: ما چنین کاری نکرده‌ایم! حضرت با تعجب فرمودند! نه و الله شما بودید که این عمل را انجام داده‌اید. اگر مرا نمی‌خواهید، رهایم کنید تا به محل

۱. اوج خیانت و رذالت انسان به کجا می‌رسد که به مصداق بارز آیه تطهیر چنین جسارتی بنماید و این خبیث مصداق آیه: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم/۱۰). آخر کار سرانجام آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب نموده و مسخره کردند.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۵۵.

امنی بر روی زمین برگردم! قیس بن أشعث گفت: آیا تحت فرمان پسر عموهایت در نمی‌آیی؟! آن‌ها رفتاری جز آن چه شما دوست داری نشان نخواهند داد و از آن‌ها آزاری به تو نخواهد رسید! امام حسین علیه السلام فرمودند: نه و الله من مانند فرد ذلیل، دست در دستشان نخواهم گذارد، و هم چون غلام و برده فرمانبردارشان نخواهم شد! آن گاه این آیات را قرائت فرمودند:

﴿إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ﴾^۱. و من به پروردگارم و پروردگار شما پناه

می‌برم از این که سنگسارم کنید.

﴿إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾^۲. از هر متکبری

که به روز حساب ایمان نمی‌آورد به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می‌برم.^۳

و در زمانی دیگر ضمن سخنرانی که برای لشکر یزید نموده فرمودند: اگر مرا

تصدیق کنید با من از راه انصاف در آمده اید و در غیر این صورت (سپس آیات زیر

را قرائت فرمودند):

﴿فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا

تُنظَرُونَ﴾^۴. و شما و شریکانتان یکدل شوید؛ آن چنان که هیچ چیز بر شما پوشیده

نباشد. آنگاه درباره من هر چه می‌خواهید، انجام دهید و مهلتم ندهید.

﴿إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾^۵. ولی و سرپرست من

۱. دخان/ ۲۰.

۲. مؤمن/ ۲۷.

۳. وقعة الطف، ص: ۲۰۹ و ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۷.

۴. یونس/ ۷۱.

۵. اعراف/ ۱۹۶.

خدایی است که قرآن را نازل فرموده و او سرپرست بندگان صالح است.^۱
﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲.

همانا من توکل بر الله که پروردگار من و شما است کرده‌ام هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او بر وی تسلط دارد پروردگار من بر صراط مستقیم است.
﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾^۳.

بار الها، ما بر تو توکل کردیم و رو به درگاه تو آوردیم و بازگشت تمام خلق به سوی توست.^۴

۱۴. تشنگی شدید و در خواست آب

ابن حصین همدانیکه مردی عابد و زاهد بود در خلال جنگ از امام حسین علیه السلام درخواست نمود با عمر سعد لعنة الله عليه برای باز کردن آب سخن گوید امام اجازه دادند. او نزد عمر بن سعد آمد و سلام نکرد! عمر سعد گفت: چه مانع آید تو را از سلام بر من مگر من مسلمان نیستم و خدای تعالی و رسول او را نمی شناسم؟ همدانی گفت: اگر تو مسلمانی چنان که می گویی به جنگ عترت رسول الله نمی آمدی و اراده قتل ایشان نمی نمودی، و آب فرات که بر ددان بادیه جهالت و خوکان وادی ضلالت مباح است بر ایشان نمی بستی، و اینک حسین بن علی علیه السلام و

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۷۳.

۲. هود/۵۶.

۳. ممتحنه/۴.

۴. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۷۸ و ۴۷۹.

برادران و زنان و طفلان او با تمامی اهل بیت از تاب تشنگی به بیم جان و هلاک رسیده‌اند، و گمان تو آن است که خدای و رسول او را می‌شناسی و مسلمانی. اما عمر سعد و همراهانش اصرار بر منع آب نمودند، امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خویش فرمودند: آنان را رها کنید، سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿سَتَحَوِّدَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۱. شیطان بر آنها مسلط شده؛ در نتیجه یاد خدا را فراموش کرده‌اند. آن‌ها از حزب شیطانند. بدانید که حزب شیطان از زیان‌کارانند.^۲

۱۵. رجعت امام حسین علیه السلام

جابر جعفی از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمودند: امام حسین علیه السلام پیش از آن که شهید شوند خطاب به یارانش فرمودند: جدم پیغمبر خدا به من فرمودند: ای فرزند! تو را به عراق می‌برند و تو در آن جا شهید می‌شوی و جماعتی از اصحاب تو که درد اسلحه و آهن را درک نخواهند کرد نیز با تو به شهادت می‌رسند. به خدا قسم اگر این قوم ما را به قتل برسانند، ما نزد پیغمبرمان برمی‌گردیم. آن گاه من تا مدت زمانی که خداوند بخواهد خواهم ماند. من نخستین کسی خواهم بود که قبرش شکافته گردد و هم زمان با برانگیخته شدن امیرالمؤمنین علیه السلام از قبر و قیام قائم ما از قبرم بیرون می‌آیم.

آن گاه امام حسین علیه السلام از دوران پس از رجعت و نزول برکات فراوان بر شیعیان و

۱. مجادله/۱۹.

۲. کشف الغمّة في معرفة الأئمّة، ج ۲، ص ۴۷.

بر طرف شدن گرفتاری‌ها و ابتلائات ایشان مطالبی را فرموده و این آیه را قرائت فرمودند:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱. و اگر ساکنین شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا را پیشه خود می‌ساختند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشودیم؛ و لکن تکذیب کردند و ما هم آنها را به واسطه کارهایی که انجام می‌دادند، مجازات نمودیم.^۲

معجزه سر

اگر مجاهدان راه خدا با شهادت برگزیده می‌شوند و به آن افتخار می‌کنند، شهادت به وجود امام حسین علیه السلام افتخار می‌کند که او را برگزید و او را مطرح و مفتخر نمود. امام حسین علیه السلام حقیقت شهادت را معنا نمودند و با معجزات پی در پی پس از شهادت خویش، حیات واقعی شهید را عینیت بخشیدند.

سخن گفتن امام حسین علیه السلام با سر خونین از بدن جدا و تلاوت آیات الهی از رأس بریده، همانند شیشه عطری گران بها و خوش بو که سر آن را گشوده باشند و بوی خوش و معطر آن، فضای آلوده را معطر ساخت و معجزه ای بود که این آیه قرآن را به زیبایی ترجمه نمود: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۳. گمان نبرید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند؛

۱. اعراف/۹۶.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۸۷.

۳. آل عمران/۱۶۹.

بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.
و این حقیقتی است که پذیرش آن جز بر حرامیان ممکن و آسان است. به نمونه
ای از این آیات اشاره می‌شود:

۱۶. خواندن قرآن در کوفه

هنگامی که امام حسین و اصحاب گران قدر ایشان صلوات الله علیهم اجمعین
را به شهادت رساندند، سرهای مقدس ایشان را از تن جدا نموده و بر فراز نیزه‌ها
شهر به شهر و منزل به منزل گرداندند. زید بن ارقم می‌گوید: من در کوفه و در غرفه
خود نشسته بودم که سر مقدس امام حسین علیه السلام را که بر نیزه بود بر من عبور دادند و
چون برابر من رسید شنیدم که آن سر نورانی این آیه را تلاوت می‌فرماید: ﴿أُمَّ
حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾^۱. تو پنداری که داستان
اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ماست؟!.

پس به خدا قسم از هراس موی تنم راست شده داد زدم: به خدا ای پسر رسول
خدا حکایت سر تو شگفت‌تر و حیرت‌انگیزتر است^۲.

ابو مخنف نیز می‌گوید: سر مقدس امام حسین علیه السلام را در بازار کوفه می‌گرداندند
که شنیدم آن سر مقدس سوره کهف را خواندند تا به این آیه رسیدند:
﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾^۳. آن‌ها جوان مردانی بودند که به
پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم.

۱. کهف/۹.

۲. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳. کهف/۱۳.

و هنگامی که آن سر نورانی را بر درختی آویختند این آیه را تلاوت فرمود:
﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۱. و آنان که ظلم و ستم کردند به
زودی خواهند دانست که به چه کیفر گاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند.

حکمت خواندن آیاتی از سوره کهف

سر مبارک امام حسین علیه السلام در چند نوبت، آیاتی از سوره کهف را تلاوت فرمودند
و این امر علاوه بر معجزه ای بزرگ، حکمتی به دنبال دارد و می تواند اشاره به این
نکته باشد که حضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفای خویش همانند اصحاب
کهف در آن عصر ظلمت خیز و تاریک راه هجرت و مبارزه را در پیش گرفت و البته
مبارزه و قیام امام حسین کجا و هجرت اصحاب کهف کجا! و با توجه به پایان
داستان کهف و پیروزی آن ها، امام این آیه را خوانده تا پیروزی نهایی خود را به
گوش آنان که اهل درک هستند برساند، و این چنین هم شد و امام حسن علیه السلام نام و
یادش در عالم هستی ماندگار شد.

بود بر لب، آیه کهفش سخن یعنی ای دشمن، تو در خوابی نه من

معجزه سر و هدایت راهب مسیحی

سر مبارک امام حسین علیه السلام، به همراه کاروان اسرا، منزلگاه های مختلفی را طی
می کند تا آن که در یکی از منزل ها که دیر راهبی در آن بود، فرود آمدند. نیمه شب،
راهب، نوری از جایگاه سر مبارک امام حسین، تا دوردست آسمان دید. از بالای

دیر به آن قوم، رو کرد و گفت: شما کیستید؟ گفتند: ما یاران ابن زیاد هستیم. راهب گفت: این، سر کیست؟ گفتند: سر حسین بن علی بن ابی طالب، پسر فاطمه، دختر پیامبر خدا ﷺ. راهب مسیحی، گفت: پیامبرتان؟! گفتند: آری. راهب گفت: قوم بدی هستید! اگر مسیح ﷺ، فرزندی داشت، او را بر بالای چشمانمان جای می‌دادیم. آن گاه راهب مسیحی گفت: ده هزار دینار، نزد من است. آن را بگیرید و در عوض امشب، سر را به من دهید و آن را هنگام حرکت، از من پس بگیرید. گفتند: برای ما زبانی ندارد. سر را به او دادند. و دینارها را داد و سر را گرفت و آن را شست و خوشبو کرد و روبروی خود قرار داد و همه شب را به گریه نشست.

راهب، سرش را بلند کرد و گفت: پروردگارا! به حق عیسی، به این سر بگو که با من، سخن بگوید. سر به سخن آمد و گفت: «ای راهب! چه می‌خواهی؟». گفت: تو کیستی؟

قال: أَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَأَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَأَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الرَّهْمَاءِ، وَأَنَا الْمَقْتُولُ بِكَرْبَلَاءَ، أَنَا الْمَظْلُومُ، أَنَا الْعَطْشَانُ، فَسَكَتَ.

گفت: «من، فرزند محمد مصطفی و پسر علی مرتضی هستم. پسر فاطمه زهرا و مقتول کربلایم. من، مظلوم و تشنه کامم» و ساکت شد.

هنگام صبح راهب خطاب به سر مقدس حضرت ابا عبدالله الحسین ﷺ گفت: ای سر! من اختیاردار جز خود نیستم، سپس صورت به صورتش نهاد و گفت: صورتم را از صورت تو بر نمی‌دارم تا بگویی: «من، شفیع تو در روز قیامت هستم». سر به سخن در آمد و گفت: «به دین جدّم محمد، در آی». راهب گفت: گواهی می‌دهم که خدایی جز خداوند نیست و گواهی می‌دهم که محمد، پیامبر خداست. آن گاه سر مبارک حسین ﷺ پذیرفت که شفاعتش کند.

آن گاه راهب، از عبادت گاه خود و راه و عقیده‌ای که در آن بود، خارج شد و خادم اهل بیت علیهم السلام گردید.^۱

۱۷. تلاوت قرآن در شام

حرث بن وکیده می‌گوید: هنگامی که در شام می‌گردانند شنیدم که سوره کهف را تلاوت می‌کند. با خود گفتم آیا این صدای دل‌نشین ابا عبد الله الحسین علیه السلام است که می‌شنوم؟! ناگاه امام حسین علیه السلام فرمودند: آیا نمی‌دانی که ما امامان نزد پروردگار خود زنده ایم؟ با خود گفتم این سر را از دست آنان می‌ریایم. آن حضرت فرمودند: ریختن خونم نزد خداوند عظیم تر از گرداندن سر من است. آنان را به حال خود واگذار سپس این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ﴾^۲. آن زمان که غل و زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته و با این غل و زنجیر آنها را می‌کشند.

و سلمة بن کهیل نیز می‌گوید: سر امام حسین علیه السلام را دیدم در حالی که بر نیزه بود و این آیه را می‌خواند:

﴿فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۳. و در برابر آنها خدا تو را کافی است که او شنوا و داناست.

۱. الخرائج و الجرائح راوندی، ج ۲، ص ۵۷۹ و المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۰ و تذکرة الخواص ابن جوزی، ص ۲۶۳.

۲. غافر/۷۱.

۳. بقره/۱۳۷.

۱۸. مسلمان شدن یک نصرانی

سهل بن سعید می‌گوید: با رفیق نصرانی خود به قصد بیت المقدس وارد شام شدیم که دیدم کاروان اهل بیت علیهم‌السلام را در غل و زنجیر اسارت وارد شام کردند. خدمت ام کاثوم رسیده و سلام عرض کردم. فرمودند: ای سهل! از ساربان محمل‌ها بخواه که سرهای شهداء را جلوی محمل‌ها حرکت دهند، تا نگاه نامحرمان از ما برداشته شود. سهل نزد ساربان رفته و با او مطرح نمود، اما او با پرخاش وی را رانده و نپذیرفت. سهل می‌گوید: ناگاه سر مقدس امام حسین علیه‌السلام این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾^۱. ستمگران، گمان مبرند که خداوند از کارهایی که انجام می‌دهند غافل است؛ بلکه عذاب آن‌ها را برای روزی که چشم‌ها در آن (از ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستند به تأخیر می‌اندازد.

سهل می‌گوید: دوست نصرانی من از این معجزه شگفت زده شد و شهادتین را گفته مسلمان شد. سپس در حالی که منقلب و گریان بود شمشیر خویش را کشید و به نیزه داران حمله برد و تعداد زیادی از آنان را کشته و خود نیز به شهادت رسید. ام کلثوم علیها‌السلام فرمودند: شگفتا! که نصاری برای دین اسلام غیرت و خشم می‌گیرند و امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که خود را بر دین او می‌دانند، اولاد او را می‌کشند و خاندانش را اسیر می‌کنند.^۲

۱. ابراهیم/۴۲.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه‌السلام، ص ۵۹۱.

شنیدن صدای قرآن از رأس پدر

من نور دل پیمبر و زهرایم
افروخته تر ز شمع افروخته ام
با ذکر دعا و خطبه و اشک و پیام
آنم که به هر گام خطرها دیدم
با آن که ز کربلا، دلم خونین بود
با آن که به خاک و خون بدیدم
در باغ به خون نشسته کرب و بلا
یک سو، تن صد چاک پدرهای شهید
من دیده‌ام آن چه را که دیدن سخت است
هفتاد و دو تن ز بهترین یاران را
بار غل و زنجیر چهل منزل راه
جانبخش بود صدای قرآن اما
دردا که چه آورد قضا بر سر من
روشن گر بزم عترت طاهایم
دل سوخته تر ز لاله صحرایم
من حافظ انقلاب عاشورایم
در هر نفس از ستم شررها دیدم
در شام همی خون جگرها دیدم
بر عرشه نیزه نیز، سرها دیدم
افتاده، قلم قلم شجرها دیدم
یک سو، تن پامال پسرها دیدم
دیدن نه همین بلکه شنیدن سخت است
دیدن به زمین و دل بریدن سخت است
با پیکر تب دار کشیدن سخت است
از رأس پدر به نی شنیدن سخت است
ای کاش نمیزاد مرا مادر من^۱.

پایان خوش عاشوراء

﴿وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱.

زمین ملك خداست و به هر کس از بندگان خود که بخواهد واگذارد همانا عاقبت نیکو مخصوص پرهیزکاران و اهل تقوی است.

جنگ با امام حسین علیه السلام جنگ با اصل دین بود و هدف مقابله کنندگان با حضرت سید الشهداء علیه السلام نابودی دین و دیانتی بود که جد بزرگوار ایشان برای برپایی آن خون دل‌ها خورده بودند.

حکایتی را بزرگان اهل سنت نقل کرده اند که بسیار قابل توجه و تأمل است و نشان از آرزوی محو آثار نبوت توسط معاویه علیه الهاویه دارد.

مطرف بن مغیره می‌گوید: به همراه پدرم مغیره بن شعبه نزد معاویه رفتیم، پدرم با او سخن می‌گفت و سپس رو به من می‌کرد و از عقل او تعریف می‌کرد و از آن چه دیده بود تعجب می‌کرد، تا این که شبی از خوردن غذا خود درای کرد و او را غمگین دیدم، ساعتی منتظر ماندم و خیال می‌کردم کاری از ما سر زده که ناراحت

است. به او گفتم: چه شده تو را از سر شب غمگین می بینم، گفت: فرزندم! من از پیش خبیث ترین مردم می آیم. گفتم: چه شده؟ گفت: وقتی با معاویه خلوت کردم به او گفتم: ای امیر! شما دیگر پیر شده ای و اکنون لازم است راه عدل و داد در پیش گیری و به مردم احسان کنی اکنون لازم است نسبت به بنی هاشم عاطفه نشان دهی و از آنان دلجوئی کنی بخدا سوگند دیگر در دست آنها چیزی باقی نمانده که تو از آنها خوف داشته باشی، و اگر تو نسبت به آنها محبت نشان دهی ذکر خیری از خود به جای خواهی گذاشت. معاویه گفت: وای بر تو! این آروزی سخت دور از دست رس و انجام ناشدنی است. ابوبکر به حکومت رسید و عدالت ورزید و آن همه زحمت ها تحمل کرد، به خدای سوگند تا مُرد نامش نیز به همراهش مرد. البته گاهی ممکن است کسی بگوید: ابوبکر! آنگاه عمر به حکومت رسید، کوشش ها کرد، اما چند روزی بیش از مرگش نگذشت که هیچ چیز از او باقی نماند، جز این که گاهی بگویند: عمر!؛ پس برادر ما عثمان به خلافت رسید، مردی از نظر نسب چون او نبود! و کرد آنچه کرد و با او رفتار کردند آنچه کردند. اما تا کشته شد به خدای سوگند نامش نیز مرد و اعمال و رفتارش فراموش گشت. در حالی که نام این مرد، فرزند ابوکبشه را هر روز پنج مرتبه در سراسر جهان اسلام با فریاد بلند اعلام می کنند و می گویند: «اشهد ان محمداً رسول الله» تو فکر می کنی چه عملی در چنین شرایطی باقی خواهد ماند؟ و چه نام نیکی پایدار است؟ نه به خدا سوگند آرام نخواهم نشست مگر اینکه این نام را دفن کنم و این ذکر و یاد را به خاک بسپارم!

پس از او فرزند شومش یزید لعنة الله عليه نیز در سه سال حکومت نحس خود خانه کعبه را به منجنیق بست، مدینه را ویران ساخت و بسیاری از صحابی رسول خدا ﷺ را کشت و در کربلا نیز امام حسین ﷺ را به شهادت رسانده و اهل بیت رسول خدا ﷺ را اسیر و همراه با سرهای بریده شهدای کربلا به شام آورد، آن گاه در کاخ خود مستانه در برابر سر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین ﷺ این اشعار را سرود:

لَعِبْتُ هَاشِمًا بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ
لَسْتُ مِنْ خُنْدِفٍ إِنْ لَمْ أَنْتَقِمْ مِنْ بَنِي أَحْمَدَ مَا كَانَ فَعَل

بنی هاشم با حکومت بازی کردند، و گرنه! نه خبری از آسمان آمد و نه وحی نازل شد.

من اگر از آل احمد انتقام نگیرم، از دودمان خندف^۱ نخواهم بود^۲.

حال اگر بخواهیم بدانیم نتیجه قیام عاشوراء چه شد و آیا یزید و معاویه لعنة الله علیهما با اقدامات جنایت بار خود به اهداف شوم خود رسیدند یا خیر باید به کلام اهل بیت ﷺ که بهترین و مستدل ترین کلام است مراجعه کنیم.

امام جعفر صادق ﷺ فرمودند:

لَمَّا قَدِمَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا
اسْتَقْبَلَهُ إِبْرَاهِيمُ بْنُ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، وَ قَالَ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، مَنْ غَلَبَ وَ هُوَ
مُعْطَى رَأْسُهُ، وَ هُوَ فِي الْمَحْمِلِ. قَالَ: فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ

۱. خندف جدّه پدری یزید بود و در زمان خود، مشهور بود.

۲. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۵، ص ۱۷۸.

غَلَبَ، وَ دَخَلَ وَقُتُّ الصَّلَاةِ، فَأَذَّنَ ثُمَّ أَقَمَ^۱.

هنگامی که امام حسین شهید شد و علی بن الحسین علیه السلام به مدینه بازگشتند، ابراهیم بن طلحة ابن عبید الله از آن بزرگوار استقبال کرد و به حضرت سجاد علیه السلام که در میان محمل بودند گفت: یا علی بن الحسین! چه کسی غالب شد؟ امام سجاد علیه السلام به او فرمودند: هر گاه خواستی بفهمی چه کسی غالب و فاتح شد در موقع نماز اذان و اقامه بگو!

و امروزه بانگ خوش و ملکوتی اذان با شهادت به وحدانیت خدا و رسالت خاتم الانبیاء و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در اقصی نقاط جهان طنین انداز است. به همین دلیل است که در زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می خوانیم: أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ^۲. شهادت می دهیم که تو بودی که نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به معروف امر کرده و از منکر نهی کردی، و از رسول خدا پیروی نمودی، و قرآن را تلاوت کردی و حق و حقیقت آن را ادا کردی، و به راه پروردگارت دیگران را از طریق مصلحت و موعظه حسنه دعوت نمودی.

۱. الأما لی (للطوسی)، ص ۶۷۷.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۲، بَابُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام.

صلى الله عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التى حلت

بفنائك ورحمة الله وبركاته

خدایا به حق حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و زینب

کبری علیهما السلام ما را با شهدای کربلا محشور فرما و ما را از پیام

رسانان حادثه کربلا قرار ده

آمین یا رب العالمین

شب شهادت آخرین بازمانده کربلا حضرت باقرالعلوم علیه السلام

قم المقدسه . بیت المهدی علیه السلام

ذیحجه الحرام ۱۴۳۶ . شهریور ماه ۱۳۹۶

سوالات چهار گزینه‌ای از کتاب «آیه‌های حسینی»

۱. استفاده از نمادهای کربلا طبق نظر مراجع عظام تقلید چه حکمی دارد؟
الف) جایز است ب) لازم است ج) واجب است د) مستحب است
۲. آیه مودت «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، در کدام یک از دعاهای معروف مطرح شده است؟
الف) دعای کمیل ب) دعای رجبیه ج) دعای توسل د) دعای ندبه
۳. طبق آیه «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»، تشکیل مجالس حسینی نشانه چیست؟
الف) نشانه محبت ب) نشانه مودت
ج) نشانه تعظیم شعائر د) از نشانه‌های ایمان است
۴. تفسیر باطنی آیه «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» به چه موضوعی اشاره می‌کند؟

الف) دختران زنده به گور شده
 ب) شهادت در راه خدا
 ج) شهادت در راه مودت اهل بیت علیهم‌السلام
 د) قتل صبر

۵. یهودیان این امت در فرمایش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه کسانی هستند؟

الف) تارکان نماز
 ب) قاتلان امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام
 ج) مانعان زکات
 د) تارکان خمس

۶. از نظر علامه امینی رحمته‌الله علت شکل‌گیری حادثه عاشورا چه بود؟

الف) پیمان شکنی کوفیان
 ب) کم‌کاری در ترویج غدیر
 ج) فتنه‌های بنی امیه
 د) خلافت یزید

۷. فریاد «یا حسین» به چه معنایی است؟

الف) هم ندا و هم توسل
 ب) فقط صدا و ندا
 ج) فقط توسل
 د) هم پیمانی و هم آوایی

۸. چه کسانی در قیامت به شفاعت احتیاج دارند؟

الف) تمام بشریت
 ب) غیر شیعیان
 ج) گنهکاران امت
 د) غیر مسلمانان

۹. طبق آیات قرآن کدام پیامبر الهی از پیامبر دیگر تبرک جویی نمود؟

الف) حضرت موسی از یوشع نبی علیه‌السلام
 ب) حضرت یعقوب از حضرت یوسف علیه‌السلام
 ج) حضرت ابراهیم از حضرت لوط علیه‌السلام
 د) حضرت یحیی از حضرت زکریا علیه‌السلام

۱۰. کدام زیارت است که از نشانه‌های ایمان شمرده شده است؟

الف) زیارت خانه خدا
 ب) زیارت مؤمنین
 ج) زیارت اربعین
 د) زیارت شهداء

۱۱. مأموریت دوم حضرت علی اکبر علیه السلام در حادثه کربلا چه بود؟

- (الف) آوردن آب برای خیمه گاه
(ب) گفتن اذان
(ج) فرماندهی بخشی از سپاه
(د) حفظ جان امام سجاد علیه السلام

۱۲. برای کدام یک از شهدای کربلا نماز زیارت وارد شده است؟

- (الف) حضرت علی اکبر علیه السلام
(ب) حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام
(ج) حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام
(د) حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

۱۳. وظیفه مهم حضرت زینب علیه السلام در همراهی با کاروان کربلا چه بود؟

- (الف) حفظ جان حجت خدا
(ب) سرپرستی و حمایت از بانوان حرم
(ج) ابلاغ پیام عاشوراء به عالم هستی
(د) همه موارد

۱۴. آیه اطعام و آیه نفس مطمئنه از کدام نوع آیاتی است که در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده است؟

- (الف) هر دو آیات اختصاصی
(ب) آیه اطعام اختصاصی و آیه نفس مطمئنه مشترک
(ج) آیه اطعام مشترک و آیه نفس مطمئنه اختصاصی
(د) هر دو آیات مشترک

۱۵. علت انتقام حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام چیست؟

- (الف) مسلمان نبودن آنان
(ب) راضی بودن به عمل پدران خود
(ج) مبارزه با حضرت مهدی علیه السلام
(د) تخریب بارگاه مطهر امام حسین علیه السلام

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: اولین کسی که در دوران رجعت از قبر بیرون می‌آید کیست؟

- (الف) امام حسین علیه السلام
(ب) امیرالمؤمنین علیه السلام
(ج) حضرت فاطمه علیه السلام
(د) شهدای کربلا

۱۷. امام حسین علیه السلام در پاسخ به جئیان که درخواست یاری حضرت را داشتند کدام آیه را قرائت فرمودند؟

- الف) سوره نساء، آیه ۷۸ و آل عمران ۱۵۴ ب) قصص، آیه ۱۸
ج) بقره، آیه ۱۵۶ د) آل عمران، آیه ۱۵۴

۱۸. سر مقدس امام حسین علیه السلام در کوفه آیات کدام سوره قرآن را تلاوت فرمودند؟
الف) سوره قدر ب) سوره کهف ج) سوره فجر د) سوره کوثر

۱۹. هدف نهایی معاویه لعنه الله چه بود؟

- الف) شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ب) شهادت امام حسین علیه السلام
ج) محو کامل آثار نبوت محمدی صلی الله علیه و آله د) جانیشینی یزید لعنه الله

۲۰. دلیل آن که امام سجاد علیه السلام به ابراهیم بن طلحه فرمودند: اذان بگو! چه بود؟

- الف) برای اقامه نماز ب) توجه کامل به واژه‌های اذان
ج) توجه به وقت نماز د) پیروزی نهایی امام حسین علیه السلام